

# مولی یو در شاد ینامه آفرینی اروپا دوره نوین را آغاز کرد



و فرد از شنیده است  
**Ketabton.com**  
دانستان هفته



پسر ۱۴ ساله که به هنر رسماً  
ذوق داشته و آرزو دارد در آینده  
هم طبیب باشد و هم هنرمند

# اخبار داخلی در هفته که گذشت

## مقدوریهای جدید در صدارت عظمی



بناغلی عزیز محمد الکویزی سابق مشاور بناغلی امان الله منصوری سابق وزیر داخله وزارت معارف بحث مشاور خارج رتبه در بحث مشاور صدارت عظمی مقرر گردیده است. دیوان محاسبات صدارت عظمی مقرر گردیده است.

پوهاند عبدالحق حبیبی بحث مشاور صدراعظم در امور فرهنگ و هنر در بسته خارج رتبه مقرر گردیده است.

با صرف ۱۱ میلیون دالر محصولات گوشت و صادرات آن بخارج توسعه داده شده وزمینه کاراضافی دردهات افغانستان برای مالدا ران میسر میگردد.

صرف ان اسعار دربروژه مدنظر گرفته شده که در افزایش تولیدات ۳۸۰۰ تن گوشت سالانه ۷۵۰۰ مخصوص لات اضافی کمک خواهد کرد.

میرمن رقیه رئیسه اداره ملی سواد برای بزرگ سالان در بسته رتبه اول مقرر شده است.

عملیات این اداره از نیمه دوم سال جاری آغاز زمی یابد که در چو کات این راست پنجصد فارغ التحصیل صنوف دوازده بکارانداخته می شوند.



قیمت پترول و دیزل در ممالک همچنان و در تمام دنیا نسبت به افغانستان به رات بالاتر بوده است.

بناغلی صباح الدین کشکلی وزیر اطلاعات و کلتور گفت: که تزايد اخیر در قیمت پترول با در نظر داشت مقادیر کم افی که شرکتهای حمل و نقل ولایات بدست می آورند معنی یک کسر در موتو های مجتمع با ماشین های دیزلی که اکثریت وسایل حمل و نقل را تشکیل میدهد هنوز هم

بناغلی وجدان رئیس موسسه ناچیز نیست. (ر اپور مفصلی درین زمینه تهیه گردید که در شماره آینده تقدیم خوانندگان عزیز هی نمائیم.)

بناغلی محمد مو سی شفیق صدراعظم روز چارشنبه ۸ حمل طی پیامی به مناسبت بیست و پنجمین سالگر روز نامه هیواد گفت: آرزو دارم که روز نامه هیواد در پر تو تجربه زیاد و به معاونت و همت جوانان جدی بحیث یک ترجمان متین نهضت ملی و تاریخی پښتوستان در راه خدمت جامعه بزرگ افغان به تو فیقات مزیدی نایل آید.

درین پیام که از طرف بما غلی محمد خالد روشنان معین وزارت اطلاعات و کلتور قرائت گردید تذکر رفته است امیدوارم روز نامه هیواد باداشتن هو قفقوی و نشرات مطلوب خود در ساحه مطبوعاتی مما لیک حوزه مقام بلندی را حراز کند و در راه معرفی و پیشروفت زبان ملی پښتو و اصول و مظا هر بر جسته ثقافت اصیل افغانی خاور یکه ماهمه آرزو مند آنیم توفیق یابد.

ژوندون بیست و پنجمین سالگر روزنامه هیواد را به بناغلی و وجدان رئیس دانشمند و همکاران فعال آنها سسه تبریک می گوید.



شنبه ۱۱ حمل ۱۳۵۲

# روزنامه

## قرارداد برای فارم‌هده

برای پیشرفت امسور سروی و جیالوجی سامان و آلات مورد ضرورت که قیمت آن یک میلیون و چهار صد و چهل و نه هزار و دو صد روبل بالغ میگردد از کشورهای اتحاد شوروی خریداری خواهد گردید.

منابع متذکره گفت از قرضه طویل‌المدت یک صدمیلیون روبل اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ کارسازی خواهد شد.

طبق یک خبر دیگر باخترا قرارداد خریداری سامان آلات و مواد ضرورت از اتحاد شوروی برای بیشتر برداری بیشتر از فارم‌هده در وزارت زراعت و آبیاری امضا گردید.

بسیج این قرارداد به قیمت ۲۶۵ ریال قرضه اتحاد شوروی سامان مواد و پرژه‌جات برای فارم‌هده از آن کشور خریداری خواهد شد.

قرارداد ازانجیر غفران رئیس عمومی انکشاف وادی ننگر هارو بناغلی شو انکوف معاون مستشاریت اقتصادی سفارت کبرا ای اتحاد شوروی در کابل امضاء گردید.



موقعیه رئیس عمومی پروژه‌وادی ننگر هار و معاون مستشاریت اقتصادی سفارت کبرا اتحاد شوروی قرارداد خرید از سامان آلات را امضاء میکنند.

کتابخانه عامه ولایت وردک بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۱ حمل پس از تلاوت آیات چند از قرآن پاک توسط بناغلی محمد خاند روبان معین وزارت اطلاعات و کلتور در میدان بنار مرکز آن ولایت افتتاح گردید.

با احداث سرک دیشو لشکر گاه به مصرف عجده میلیون دالر و انکشاف اراضی زراعی و استفاده اعظمی از دستگاه های صنعتی این منطقه کشور سطح فعالیت های اقتصادی بلندرفته و ارتباط تجاری کشور با بازار های خارج توسعه می‌یابد خواهد یافت.

## پروژه انکشاف

### مالداری

عده زیادی از مردم به حیث مردمان مالدار وزارع همیشه در تلاش آنند تا با بکار انداختن وسائل جدید زراعی و توجه به امور مالداری تحولی در زندگی وارد آورند.

برای رسیدن به این هدف لازم است دهائین و مالداران کشور تشویق گردند و بروزه‌هایی رویدست گرفته شود تا از یکطرف بنیه مالدار و زاده رعایتی گردد و از جانبی چون آب و هوای کشور ما برای مالداری بی نهایت مساعد است با صدور گوشت بخار رج اقتصاد ملی کشور نیز تقویت یابد.

هفته گذشته خبری داشتیم مبنی بر اینکه هشتاد و هفت هزار جریب زمین در وادی هربرود برای پروژه انکشاف مالداری تخصیص یافته است. البته این خبر مزده میدانکه تبیه آب برای آبیاری علفچرها و تاسیس یک مسلخ به ظرفیت دو هزار گوسفنده در یک نوبت و سه هزار گوسفنده در دو نوبت در یک روز درین پروژه در نظر گرفته شده است.

برای پیشبرد امور این چنین پروژه های مفید در کشور اولتر از همه بایست پلا نهای برای روش ساختن فکر مالدار و آشنا ساختن او به فواید تاسیس چنین پروژه ها در نظر گرفته شود.

در پروژه انکشاف مالداری که یک قسمت مصارف آن از طرف بانک انکشاف آسیا بی‌طور قرضه پرداخته شده حکومت نیز سهم گرفته است این سهمگیری میرساند که حکومت برای تقویه بنیه اقتصادی مالدار از هیچگو نه تلاشی دریغ نمینماید.

باتکمیل این پروژه، جلو بر دن موادی بخارج بطور قاچاق نیز گرفته میشود. والبته جلو گیری از فروش قاچاقی موادی که متأسفانه نظر به احصایی های غیر رسمی که آمر عمومی پروژه به اطلاع رسانیده است و سالانه به نیم میلیون گوسفند تغیر سد یک قدم بی‌نهایت موثر و مفید در راه انکشاف اقتصاد ملی کشور است.

مادر حالیکه از تاسیس چنین پروژه ها استقبال می‌نماییم امیدواریم در آینده نیز خبر های درین زمینه یعنی در زمینه انکشاف و پیشرفت مالداری وزارت داد داشته باشیم.

قاسم «صیقل»



ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی

# وقایع مهم خارجی سال ۱۳۵۱

درشش ماه دوم

صدر اعظم جاپان برای ریکمسافرت تاریخی شش روزه عازم پیکنگ گردید. وی مسدوده اعلامیه مشترک را بنی برشنا سایی پیکنگ بعثت یگانه حکومت قانونی چین به چونلای تسلیم کرد.

**میزان :** بازدید رسمی از جبهه، تانزانیا  
به تعقیب یک حمله هوایی دبکر و زمبیا، وارد افریقا شد. کاکیوتانا یوگندا که جولیوس ناییری، رئیس کاصدر اعظم جاپان برای ریکمسافرت تاریخی شش روزه عازم پیکنگ این حملات اخطار داده بود تانزانیا گردید «۲۵ تا ۳۰ سپتامبر مطابق ۳ تا ۸ عقرب». صدر اعظم جاپان و مردم چین و امیر عباس هو یید اراده اعظم ایران در پیکنگ مذاکره کردند، هو یید از جمله هیئت حکومتی ایران با معیت ملکه ایران برای بازدید مشترک را مبنی برشنا سایی پیکنگ یک هفته بی از جمهوریت مردم چین وارد پیکنگ شده بود طیارات امریکایی اهداف خود را در ویتنام شمالی، روابط پیکنگ و توکیو، روابط تایوان وی گیری رئیس جمهور هند، برای ۵۲ امریکا بازهم، روز دوم و سوم میزان (۲۳-۲۴ سپتامبر) حملات شانرا بالای ویتنام شمالی انجام دادند پیکنگ و بن به تاسیس روابط سیاسی موافقه کردند منابع مطلع دمشق روز ۹ میزان (اول اکتوبر) گفتند که حافظ الاسد، رئیس جمهور سوریه روز ۶ و ۷ میزان (۲۸ و ۲۹ سپتامبر) طور سری از مسکوبازدید کرد هاست ریچارد نکسن، رئیس جمهور امریکا و کرو میکو وزیر خارجه اتحاد شوروی روى مسایل بین المللی در واشنگتن مذاکره کردند جنگهای سر حدی بین دویمن جریان پیدا کرد مردم نمارک طی ریفارندم ملی از عضویت آنکشور در بازار مشترک اروپا حمایت کردند لیبیا، موسسه مملک متعدد را تشویق



نکسن رئیس جمهور امریکا

ریچارد نکسن، برای چهار سال دیگر بعثت رئیس جمهور ایالات متحده امریکا انتخاب شد.

اسامبله عمومی موسسه ملل متحده فیصله نامه بی را تصویب و سازند که به بوجب آن، همه اقدامات اسرائیل رادر هور داسرائیل گردانیدن اراضی شدنده چو ندلای صدر اعظم جمهوریت مردم چین طی اولین دور مذاکرات شان اشغالی غیر قانونی شمرد.

انگلستان به عضویت بازار مشترک داخل گردید.

ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی تقاضای خویش را از کشور های مسلمان سراسر بجهان مبنی بر اعلام جهاد علیه اسرائیل و دفاع از اراضی و اماکن مقدسه اسلامی تکرار نمود.

موافقنامه صلح ویتنام آنرا یک روز تاریخی شمرد، درباری مس از طرف وزیر خارجه امریکا، ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی و حکومت موقتی ویتنام نگ به افغانستان رسید.

در انور سقوط یک طیاره مسافر بردار لیبیایی از طرف اسرائیل، پیش از یکصد نفر هلاک شد.

یک دسته مبا رژین فلسطین «درسفارت عربستان سعودی در خرطوم سه دیپلو مات خارجی را بقتل رسانیدند.



زورز پامپیدور تیس جمهور فرانسه در ماه جدی به اتحاد شوروی سفر کرد دو عکس پامپیدو و لینو نید بر زنیف رهبر حزبی اتحاد شوروی دیده می شوند



لیدکتو و هنری کیسنجر



جورج سولتی

زورز پامپیدو رئیس جمهور فرانسه برای سو مین بار به افریقا سفر نموده از اولتای علیا و توگو دیدن نمود \* روز دوم قوس (۲۳ نوامبر) ایسکنس صدر اعظم بلژیک استعفی داد بعداز ۲۳ سال در آسترا لیا حکومت کار کری بوجود آمد و در راس آن وایت لام قرار گرفت اول دسامبر مطابق ده قوس \* سلسه ایلو با حرکت ایو لوی هفده بسوی کوه ماه پیان رسانید \* اسا مبله عمومی موسسه ملل متحد به اتفاق آراسه فیصله نامه رادر مورد آزادی زنان به تصویب رسانید و هم سال



صدراعظم جایان با چونلای صدراعظم جمهوریت مردم چین در پیکنگ لطفاً فرق بزند صفحه ۵

جواب دادند مذاکره بین سو ریه، مصر و لبیبا، برای هم آهنگی موقف های شان در هو ضوع اوضاع خط مtarکه اسرا نیل و سوریه جریان پیدا کرد وزیر خارجه انگلستان وارد مادرید شد روسای جمهور یمن شمالی و جنوبی در مورد توحید هردو یمن موافقه کردند ۴۲ نفر به اثر سقوط یک طیاره جایانی در میدان هوا بی مسکو تلف شدند هیات حزبی اتحاد شوروی که تحت ریاست لیونید بر زنیف زعیم حزبی آنکشود به مجارستان رفتند بود، به مسکو باز گشت امریکا و یتنام جنوبی را تشویق کرد تا شرایط موافقتname صلح را قبول کند صدر اعظم سنگاپور لی کوانیو وارد برو کسل شد اتحاد شوروی یک قمر مصنوعی را بفضل کرد ملک حسین پادشاه اردن، مذاکره را با اینکله فیصل بادشاه عربستان سعودی در ریاض شروع کرد اسا مبله عمومی موسسه ملل متحد فیصله نامه بی را بتصویب رسانید که به موجب آن، همه اقدامات اسرائیل را در مورد اسرا نیلی کردانیدن اراضی اشغالی غیر قانونی شمرد از جمله ۳۳ نفر سر نشین یک طیاره خط هوایی بین المللی پاکستان که در دامنه همالیا سقوط نمود، هیچ یک زنده نماند روز ۲۲ قوس (۱۳ دسامبر) یک مخزن بزرگ سلاح در

شش میلی شرق سیکون منفجر گردید و صدای هو لناک آن شهر سیکون را به لرزه در آورد عساکر هندو پاکستان در ناحیه جمو و کشمیر از قلعه یکدیگر خارج گردیدند قانون اساسی بنگلہ دیش نافذ شد

اتحاد شوروی یک سفینه دیگر را بفضل پر تا کرد روز ۸ عقرب (۳۰ اکتوبر) سوریه اعلام کرد که یکتعداد نفر بشمول زنان و اطفال در اثر حمله هوایی اسرا نیل در نزدیک دمشق مقتول و یا مجروح شده اند سی نفر به اثر تصادم قطار آهن، در امریکا هلاک ۲۰۹ نفر مجروح کردند و زرای خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، بود جه سال ۱۹۷۳ کنفرانس راطی مذاکراتی در نیو یارک به تصویب رسانیدند به اثر سقوط یک طیاره دوما شینه ایتالوی در منطقه باری آنکشور، ۲۷، نفر سر نشین طیاره همه هلاک شدند به تعقیب توفا نهای شدید در جزایر فیجی بیش از بینجاه هزار باشند این ناحیه راگر سنگی و قحطی تهدید مینمود ریچارد نکسن، برای چهار سال دیگر به حیث رئیس جمهور امریکا انتخاب شد و جورج میک گورن، درمیان ریاست جمهوری امریکا، در کرسی ریاست جمهوری امریکا، در برابر نکسن شکست خورد در چیلی یک حکومت جدید رویکار آمد که شامل سه صاحب منصب نظامی بود جنرال سو هارتون، رئیس جمهور اندو نیزیا، برای سفر رسمی از روزه عازم پاریس گردید مجمع موسسه ملل متحد، فیصله نامه بی رابه تصویب رما نیز وطی آن آزاد یخواهی انگولا، گینی و موزنیق را بحیث نایاند گان قانو نی آن سر زمین ها تشخیص کرد (۱۴ نوامبر مطابق ۲۳ عقرب) خان عبدالولی خان مجدد بحیث رئیس حزب عوامی ملی انتخاب گردید حکومت ائتلاف ویلی برانت، در انتخابات پارلمانی روز ۲۸ عقرب (۱۹ نوامبر) مجددا قدرت را بدست گرفت مذاکرات داکتر هنری کیسنجر مشاور رئیس جمهور نکسن ولید کتو عضو اداره سیاسی کمیته مرکزی و یتنام شمالی روز ۳۰ عقرب (۲۱ نوامبر) نیز در یک محرومیت کامل در پاریس ادامه داشت.

#### قوس:

او ضایع در شرقیانه و خیم اشد. بین قوای سوریه و اسرائیل چند جنگ شدید رخداد و قوای اسرا نیل ساحه جنوبی لبنان را مورد حمله قراردادند قوای توپچی سوریه به حملات اسرائیل طیاره خط هوایی لوفت هائز که از طرف فدا نیان فلسطین در اوایل روز ۷ عقرب اختطاف شده بود در میدان هوایی طرا بلس فرود آمد. طیاره مذکور سه‌دانی فلسطینی را در میانیت انتقال داد.



### ژورژ پومپیدو رئیس جمهور فرانسه وادوارد هیت صدراعظم انگلستان

متوجهه امریکا در ساحه مسکونی،  
الامید ای کلیفورن نیا تقریباً دو صد  
نفر هلاک شدند. حکومت مرکزی  
پاکستان علی الرغم اعتراض شدید  
حکومت بلو چستان واحد های اردو  
را برای فرو نشاندن اختشای شات در  
منطقه لاس بیلای بلو چستان اعزام  
نمود. غوث بخش بزنجو والی سابق  
بلوچستان گفت هر نوع دخالت  
حکومت مرکزی در امور حکومت  
بلو چستان به مقاومت شدید مواجه  
خواهد شد. خان عبدالولی خان  
رهبر حزب عوامی ملی مداخله اردوی  
پاکستان رادر بلو چستان نقش  
صریح قانونی خواند. رئیس جمهور  
پاکستان والیان صوبه سرحد  
پینتو نستان محکوم مرکزی  
وبلو چستان را ازو طایف شان  
سبکدوش کرد. در اثر سقوط یک  
طیاره جت قوای بحری ایالات متحده  
امریکا در ساحه مسکونی الامیدی  
کلیفورنیا تقریباً دو صد نفر هلاک  
شدند.

### حوت:

فاجعه بزرگ این ماه عبارت از  
سقوط یک طیاره مسافر بردار  
لیبیایی است که از طرف قوای  
اسرائیلی سقوط داده شد و در آن  
آن بیش از یکصد نفر هلاک شدند.  
کمیسیون حقوق بشر ملل متحد،  
اسراز بیل رابخاطر سقوط این طیاره  
مسافر بردار تقبیح نمود و این حرکت  
را یک عمل غیر عادلانه خواند. رادیو  
طرابلس گفت این حمله اسرائیل  
نباید تعجب آور باشد، زیرا اسرائیل  
پیوسته به همچو عملیات متداوم  
علیه افراد بیکناه عربی دست میزند  
خان عبدالولی خان رهبر حزب عوامی  
ملی، بر طرفی والیان سابق بلوچستان  
وصوبه سرحد پینتو نستان محکوم  
حمله بر سفارت آنکشور در اسلام  
آباد که بعداً زقاق سلاح صورت  
گرفت احتجاج کرد. در اثر سقوط  
یک طیاره جت قوای بحری ایالات  
بقیه در صفحه ۶۰

خویش را از کشورهای مسلمان  
سراسر جهان مبنی بر اعلام جهاد  
علیه اسرائیل و دفاع از اراضی  
واماکن مقدسه اسلامی تکرار نمود.  
زورز یو میدو رئیس جمهور  
فرانسه برای مذاکرات دو روزه  
باليونید بر زیارت رهبر حزبی اتحاد  
شوری و سایر زعمای آنکشور،  
عازم اتحاد شو روی گردید. اوضاع  
شرق هیانه در اخیر این ماه خطرناک  
خواهد شد.

### دلو: روز اول دلو ۲۱ جنوری

(۱۹۷۳) دوره دوم حکومت باریچارد نکسن  
رئیس جمهور امریکا آغاز گردید. در  
همین روز ذوالفقار علی بوتو رئیس  
جمهور پاکستان گفت: برسمیت  
شناختن بنگله‌دیش یگانه راه مثبت  
برای برقراری روابط سالم و دوستانه  
بین دو کشور می‌باشد. لیندن جانسون  
سابق رئیس جمهور امریکا به عمر  
۶۴ سالگی روز دوم دلو (۲۲ جنوری  
۱۹۷۳) در گذشت. به اثر سقوط  
یک طیاره در نایجیر یا ۱۸۰ نفر  
هلاک گردید. روز ۷ دلو موافق  
صلح ویتنام که میتوان آنرا یک روز  
تاریخی شمرد، در پاریس از طرف  
وزرای خارجه امریکا، ویتنام شمالی  
ویتنام جنوبی و حکومت ویتنامک به  
امضا رسید. واوربند ساعت چهار  
ونیم صبح دلو (۲۸ جنوری ۱۹۷۳)  
در ویتنام نافذ شد و به این ترتیب  
جنگهای ویتنام پایان یافت. اما بعد  
از اوربند باز هم اشتعال جنگهای  
شدید در ویتنام جنوبی را پور داده  
شد. صدر اعظم انگلستان بعد از  
مذاکرات دوروزه‌اش باریچارد نکسن  
رئیس جمهور امریکا روز ۱۵ دلو  
(۴ فبروری ۱۹۷۳) به لندن مراجعت  
نمود. ملک حسین پادشاه اردن با  
همسرش، برای گذاکره باریچارد  
نکسن رئیس جمهور و راجرز وزیر  
خارجه اصلاح متحده امریکا به آنکشور  
مسافرت نمود. کانادا ویتنام شمالی  
را پیش تقدیم شناخت. پاکستان  
مذاکرات دوروزه‌اش به بازار مشترک  
ارایه نموده بود. پاپ پال ششم رهبر  
رومی کاتولیک های جهان، روز اول  
سال نو عیسوی را بحیث روز صلح  
تجلیل کرد. پاپ پال گفت امید وار  
است که در سال ۱۹۷۳ صلح بین  
ملل مختلف جهان برقرار شده  
و استحکام یابد اوضاع در مسیر خود  
سوریه و اسرائیل متین شود. امنیت  
برخورد قوای اسرائیل و سوریه  
بر لبان کشانیده شد. کانگرس ملی  
فلسطینی، یاسر عرفات رئیس  
موسسه مبارزین فلسطین را بحیث  
رئیس شو رای عالی نظامی مبارزین  
انتخاب نمود. رئیس جمهور رومانی  
به اسلام آباد سفر کرد. روز ۱۸  
جنوری (۸ جنوری ۱۹۷۳) جنگهای  
شدید هوابی و زمینی بین قوای سوریه  
و اسرائیل رخا د. ملک فیصل  
پادشاه عربستان سعودی، تقاضای  
تووفن سابق رئیس جمهور امریکا  
در گذشت

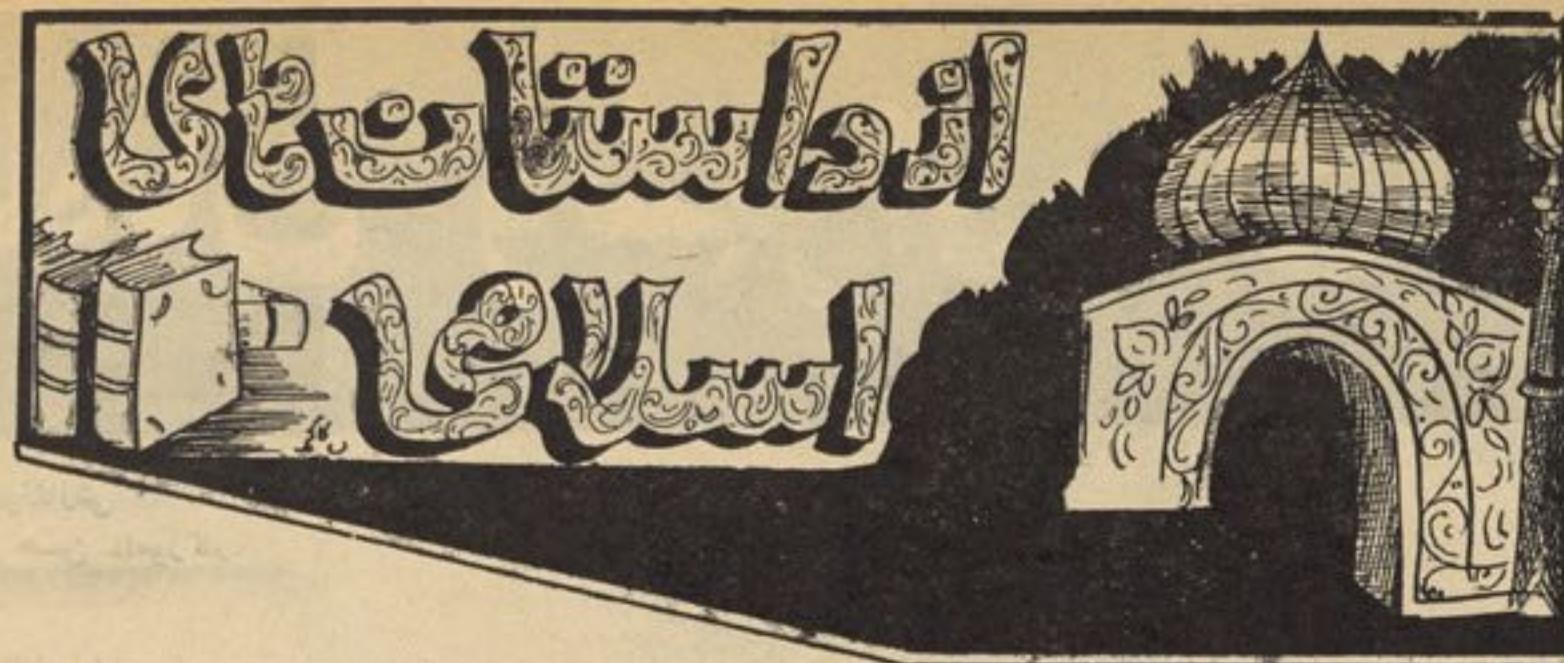


### فلبرت تسانانا سابق رئیس جمهور ملفاسی

۱۹۷۵ عیسوی را به حیث سال  
بین‌المللی زنان اعلام نمود. وزیر  
خارجه هند بالکسی کا سیگیکن  
صدر اعظم اتحادشو روی در میکو  
مذاکره کرد. در زیلاند جدید جان  
کرک از حزب کارگر، حکومت جدید  
راتشکیل داد. «دسا میر مطابق ۱۷  
قوس از ۱۳ تا ۱۷ دسا میر (۲۶-۲۲)  
لیبیا از تونس و لیبیا مذاکراتی را  
روابط تونس و لیبیا مذاکراتی را  
انجام داد، اما بورقیبه رئیس جمهور  
تونس، بیشنهاد قدافي را مبنی بر  
توحید دو کشور قبول نکرد. طیارات  
بی ۵۲ امریکایی حومه شهر هانوی،  
مرکز ویتنام مطابق ۲۷ قوس (۱۸ دسامبر  
۱۹۷۳) این شرقي بنام عالیه تو قان  
ازدواج کرد. طیا رات سو ریه  
واسرائیل در امتداد خط مtarکه  
ازفا عات گولان حملات متقابل را  
انجام دادند. چاد روابط را درباره  
با لیبیا برقرار نمود. روا بط  
دیبلو ماتیک آلمان شرقی بابلریک  
برقرار شد (۲۷ دسامبر). (بازیک  
نخستین کشور پیمان ناتو است که  
آلمان شرقی را بر سمیت شناخت)  
انگلستان به عضویت بازار مشترک  
داخل گردید (حکومت انگلستان  
پانزده سال پیش تقدیم آنکشور  
را، برای شمول به بازار مشترک  
ارایه نموده بود). پاپ پال ششم رهبر  
رومی کاتولیک های جهان، روز اول  
سال نو عیسوی را بحیث روز صلح  
تجلیل کرد. پاپ پال گفت امید وار  
است که در سال ۱۹۷۳ صلح بین  
ملل مختلف جهان برقرار شده  
و استحکام یابد اوضاع در مسیر خود  
سوریه و اسرائیل متین شود. امنیت  
برخورد قوای اسرائیل و سوریه به  
بر لبان کشانیده شد. کانگرس ملی  
فلسطینی، یاسر عرفات رئیس  
موسسه مبارزین فلسطین را بحیث  
رئیس شو رای عالی نظامی مبارزین  
انتخاب نمود. رئیس جمهور رومانی  
به اسلام آباد سفر کرد. روز ۱۸  
جنوری (۸ جنوری ۱۹۷۳) جنگهای  
شدید هوابی و زمینی بین قوای سوریه  
و اسرائیل رخا د. ملک فیصل  
پادشاه عربستان سعودی، تقاضای  
تووفن سابق رئیس جمهور امریکا  
در گذشت



توفن سابق رئیس جمهور امریکا  
در گذشت



پیوسته به گلشته

محمد حسین نسبت

# رمز پیروزی اسلام

## و عمل سقوط مسلمین

این مرد متعصب و خشن نه تنها در مسیحی و تفحص کانون های مذهبی خیانت روا مدارید در قتل غلو نکنید تا فصل درو نرسیده چیزی از برابر بیغمبر (ص) با کمال شدت آنان سخن بسیار است که بنا بر از مثله «گوش بینی دست بسر یعنی آنها گرفته نخواهد شد». ابراز دشمنی و عداوت میکرد بلکه جهانی بیش از این نمی توان در این طور قطع اجتناب دارید کو د کان این است مفهوم زعامت واقعی هر کجا دست می یافتد مسلمانان باره بحث کرد اما برا هل فحص وزنان و مردان بپرداز مکتبید و آزار و نمونه های کامل عدل اجتماعی بی پناه و ضعیف را مورد شکنجه و تحقیق اعم از مسلمان وغیر مسلمان مرسانید. بخانه های مردم آتش بیشیده نمانده که انسانیت حتی مزید در ختان بارور را قطع نکنید بامثل غیر مسلمان خشن و توأم با مهدور الدم اعلام خود. در موقع حساس و مشخصی که به چون به مردمی بر خور دید که در تعصب بوده یان مسلمانی را مسلمان صفوان از ترس مسلمانان مدتر حمایت اخلاقی این کرو مذهبی گوشته صویعه ها خلوت گزیده دانسته اند یا به اسلام تمیت بسته متواری شد و بالا خره زندگی به ویدران رو حانی محتاج شدن دعا نیتی از آنها ندیدند اما رهبران لایق و عالیقدر اسلام که موید به تاییدات خلاصه پیمان امامی حضرت خلیفه دوم اسلام دریت المقدس

این امانی است که بنده خدا امیر المومنین عمر به اهل (ایلیا) داده است او مردم این شهر را بر جان ومال کنیسه ها و صلیب های شان به بیماران و تندرستان شان به عموم ملت ها و امانت های شان امان داده است و بوج این امان کنیسه های شان اشغال نخواهد شد و ویران نخواهد گشت و چیزی از کتاب یس و ذخایر مالی و جواهرات و تراثیات آن و دارای اموال همه مردم گرفته نخواهد شد و از جمیت دین و عقیده اکراه و فشاری بر آنها وارد نخواهد شد مسلمانان ملتزم اندزیانی بمردم نرسانند اما مردم (ایلیا) باید همانند مردم سایر شهرها جزیه بپردازند و از طرف دو خلیفه بزر گوار اسلام به مسلمانان فاتح بیت المقدس

است اینک به فرمان و امان نامه ایکه از طرف شده توجه فرمایید. خلاصه فرمان خلیفه اول اسلام (رض) خطاب به سر بازان فاتح اسلامی و آبروی خود این خواهند بود تا به صفوان بیغمبر (ص) را اذیت نکرد صادر شده توجه فرمایید. از شهر برون بروند بر جان ومال دشمنان سر سخت شدید بیغمبر (ص) بود تاریخ دارد که هیچکس به اندازه مامن خود برستند و هر کس در شهر

در احراء فاتح را حاییون سر بازان اسلامی با احمدی می‌ماند در امان است. این مرد متعصب و خشن نه تنها در مسیحی و تفحص کانون های مذهبی خیانت روا مدارید در قتل غلو نکنید تا فصل درو نرسیده چیزی از برابر بیغمبر (ص) با کمال شدت آنان سخن بسیار است که بنا بر از مثله «گوش بینی دست بسر یعنی آنها گرفته نخواهد شد». ابراز دشمنی و عداوت میکرد بلکه جهانی بیش از این نمی توان در این طور قطع اجتناب دارید کو د کان این است مفهوم زعامت واقعی هر کجا دست می یافتد مسلمانان باره بحث کرد اما برا هل فحص وزنان و مردان بپرداز مکتبید و آزار و نمونه های کامل عدل اجتماعی بی پناه و ضعیف را مورد شکنجه و تحقیق اعم از مسلمان وغیر مسلمان مرسانید. بخانه های مردم آتش بیشیده نمانده که انسانیت حتی مزید در ختان بارور را قطع نکنید بامثل غیر مسلمان خشن و توأم با مهدور الدم اعلام خود. در موقع حساس و مشخصی که به چون به مردمی بر خور دید که در تعصب بوده یان مسلمانی را مسلمان صفوان از ترس مسلمانان مدتر حمایت اخلاقی این کرو مذهبی گوشته صویعه ها خلوت گزیده دانسته اند یا به اسلام تمیت بسته متواری شد و بالا خره زندگی به ویدران رو حانی محتاج شدن دعا نیتی از آنها ندیدند اما رهبران لایق و عالیقدر اسلام که موید به تاییدات خلاصه پیمان امامی حضرت خلیفه دوم اسلام دریت المقدس

این امانی است که بنده خدا امیر المومنین عمر به اهل (ایلیا) داده است او مردم این شهر را بر جان ومال کنیسه ها و صلیب های شان به بیماران و تندرستان شان به عموم ملت ها و امانت های شان امان داده است و بوج این امان کنیسه های شان اشغال نخواهد شد و ویران نخواهد گشت و چیزی از کتاب یس و ذخایر مالی و جواهرات و تراثیات آن و دارای اموال همه مردم گرفته نخواهد شد و از جمیت دین و عقیده اکراه و فشاری بر آنها وارد نخواهد شد مسلمانان ملتزم اندزیانی بمردم نرسانند اما مردم (ایلیا) باید همانند مردم سایر شهرها جزیه بپردازند و از طرف دو خلیفه بزر گوار اسلام به مسلمانان فاتح بیت المقدس

است اینک به فرمان و امان نامه ایکه از طرف شده توجه فرمایید. از شهر برون بروند بر جان ومال دشمنان سر سخت شدید بیغمبر (ص) بود تاریخ دارد که هیچکس به اندازه مامن خود برستند و هر کس در شهر

# شاهان و شهرزاده گان شاعر

تبیع و تکارش:  
میرمحمد حسن «آهوزگار»

سامانیان ۲۶۱ - ۳۸۹ - ۵۷۳ - مطابق ۹۹۹ هجری قمری سال میلادی

این اسد صاحب پسران رشید و با کمال گردید که سلسله آن ناخوا  
بدین ترتیب ارائه میگردد:

- ۴- تاریخ افغا نستان جلد سوم

سال هجری قمری	سال میلادی	اسما می سلا طین سامانی
۸۷۴	۲۶۱	۱- نصر اول بن احمد
۸۹۲	۲۷۹	۲- ابو ابرا هیم اسماعیل بن احمد
۹۰۷	۲۹۵	۳- ابو نصر احمد بن اسماعیل
۹۱۳	۳۰۱	۴- ابو لحسن نصر سانی بن احمد
۹۴۲	۳۳۱	۵- نوح اول بن نصر
۹۵۴	۳۴۳	۶- ابو الفوارس عبدالمک اول بن نوح
۹۶۱	۳۵۰	۷- منصور اول بن نوح
۹۷۶	۳۶۶	۸- نوح ثانی بن منصور
۹۹۷	۳۸۷	۹- منصور ثانی بن نوح ثانی
۹۹۹	۳۸۹	۱۰- عبدالملک ثانی بن نوح ثانی

اسمش علی بن الیاس و کنیه اش ابو لحسن است. شهرت وی به آغاجی یا آغچی (معنی حاجب از لحاظه) وظیفه ای بوده که در دربار داشته بعضی ویرا معاصر نوح بن منصور میدانند آغاجی یا آغچی و آغچی بتر کی معنی حاجب (پرده دار) هم آمد (۱) و در قدیم غالباً بین مردم شاه و وزراء واسطه ابلاغ بوده است.

بهر حال وی بنام آغاجی بخارایی نیز معروف است که از قدمای امراء آل سامان واز اکابر حکام بلاد کرمان بوده با نوح بن منصور هشتادیان پادشاه شاه سامانی (۳۶۶-۳۷۸) معاشر بود. و حکیم ابوالحسن دقیقی که از شعرای معروف این دوره است امیر آغاجی را مذاهی بسیار نموده است.

بهر حال امیر مردی داده، عالم و شجاع و سیاسی و عادل و شاعر و فصیح بود (۲) که در فارسی اشعار خوبی سروده و دیوانش بنا بر موده داکتر ذبیح الله صفا در خراسان متداول است.

و بر علاوه بزبان عربی هم شعر گفته است.

امیر آغاجی در ذکر مجده و حشمت خود گوید:

ای آنکه نداری خبری از هنرمند خواهی که بدانی که نیم نعمت پرورد اسب آر و کمان آر و کمند آر و کتاب آر و شعروقلم و بربط شطرنج و می و زرد هی تاجکرم خشک شود آب نماند در چشم من آبیست کز آن دجله توان کرد

بقیه در صحنه (۳)

- ۱- دایرة المعارف آریانا ص ۳۸۴ جلد اول
- ۲- مجمع الفصحا جلد اول
- ۳- مجمع الفصحا جلد اول و خطابه شعر فارسی و سلاطین و امرا ص ۴۱

نسب اول سامان به بهرام چوبینه می بیوند دواول سلطان این طبقه اسماعیل بن احمد بن اسد بین سامان خدا بوده است (۱) حینی که نصر فایب السلطنه خرا سان بود در ۲۷۹ هجری در گذشت اسماعیل حاکم تمام ماوراء النهر گردید.

در سال ۲۸۰ هخلیقه عباسی دولت او را تصدیق نموده بر سمیت شناخت از طرف دیگر قدرت روز افزون ساما نیان وصفا ریان خلیفه عباسی را بپرا س افگنده بود. بناء خلیفه میخواست بین ایشان تو لیدم خلافت نموده در نتیجه هردو را ضعیف سازد. (۲) لذا اسماعیل را تحریک کرد و جنگ بین صفار یان و سامانیان در گرفت، که منجر به دستگیری عمرولیت و سقوط صفاریان گر دید و دولت صفاری ضمیمه دولت سامانی شد و اسماعیل امیرا تو ری بزرگ ساما نیان افغا نستان را تأسیس نمود.

در دوره حکومت اسماعیل که مردی عادل و با سیاست بود دولت سامانی به منتهای عظمت خود رسیده بود، علم و عرف فان ترقی زیاد کرد، علما و فضلای بزر گ طهور نمودند که قسمت عمده عالم اسلام را به فروع تمدن، معارف ادبیات و هنر خود مستفید و منور گردانیدند بالا خرمه اسماعیل در ۲۹۵ هجری وفات کرد و بعد از وی احمد جانشین او شد. رویه مرفته سلسله سامانی از اعاظم سلاطین خراسان بوده اند که افغا نستان ایران، بخارا و تواریخ استقلال تمام یافته پا یاخت ایشان شهر بخارا بود که از لحاظ شعر و ادب خارج ششم همه قرار داشت و ولایت خراسان و ماوراء النهر در نویست حکمرانی ایشان عظیم ساکن و آرام بود، چه ایشان حکومت علم پرور و عدل گسترش بوده و نام نیک خردباری کرده اند.

ازین سلسله اسمای نه پادشاه را غرض آسانی درین رباعی در آورده اند!

نه تن بودند زآل سامان مشهور در هریک بحکومت خرا سان مسرور اسماعیلی و احمدی و نصری دونوچه دو عبد الملک و دو منصور (۳) جد ایشان سامان خدا، اصلاً ازدهی بود در بلخ که سامان نام داشت و از ابتدا زردشتی مذهب بود پیش از خروج ابو مسلم خراسانی هنگامیکه هنوز خلافت بدست امویان بود و اسد بن عبدالله القسری از جانب هشام بن عبدالملک بسر خراسان فرمانزد و ایشان داشت. سامان خدادار خدمت اسد بن عبدالله در بلخ حاکم بود.

گویند انقلابی در شهر رخ داد و اسد القسری در فرو نشاند ن آن با سامان خدا کمک نمود. ازان به بعد سامان خدا ببلخ کیش زردشتی خود را رها نموده بدین میان اسلام گرایید مصاحبت و دوستی اسد بحدی بر حاکم بلخ موثر واقع شد که بعد از فوت اسد القسری، بیاد او یکی از فرزندان خود را بنامش موسوم ساخت. (۴)

- ۱- مجمع الفصحا جلد اول بتالیف رضا قلی هدایت نوری.
- ۲- تاریخ ادبیات فارسی دری بتالیف داکتر احمد جاوید صفحه ۷۸۴
- ۳- مجمع الفصحا جلد اول
- ۴- تاریخ افغانستان جلد سوم.

زینه برای عبور و مرور ترافیک  
رهم هر دم نمی توانستند بان طرف یعنی  
بیشتر و خوبتر تر فراهم می شد  
مرک عبور کنند و تصا دمات ترافیکی  
اسباب شوندگ همین وقت چشم

به آبرو این ناحیه افتاد دیدم از  
کنایات و گنده کی قابل دیدن نیست  
من میدانم بنا روایی کابل در پاک  
کردن آبرو هاسعی مبنول میدارد  
ولی این قسمت های شهر ایجاب  
مراقبت یومیه رامینماید. پعدازینکه

سی خواستم بایستگاه کار ته پروانه  
مددهو سوار سرویس شوم د کان  
کتابفروشی زیبایی رادر ناجیه عقب  
وزارت اطلاعات و کلتور دیدم و با  
دیدن آن بیاد آوردم که در یکی از

شماره های قبل نوشته بودم این  
ناحیه یا گل کاری شود و یا ینکه  
لاقل تسطیع و کانکریتی شود تا مردم  
زشر گل ولوش نجات پیدا کنند

حتی اگر پساد والی کابل قدرت مالی  
باشند همین ناحیه را که ناحیه  
رسیعی است بپوشاند و آنرا مستیشن  
دولومی سرویس ها قرار دهد تاهمه  
بردم در مواقع بارانی درامن باشند  
هم زیبایی شهر تامین شود و سرویس  
ماهمه از همانجا حر کت کنند.

یا اینکه مثل دکان کتا بفروشی  
له آکنون در آنجا اعمار شده دکانهای  
شنگ وار زان قیمت دیگر تهیه  
بد سترس استفاده هر دم ق ایگزد

الا اقل نفس شهر پاكو ستره جلوه  
گند.

# چوبهای دستک بجای



بَرَانْهَاوَ آبَرُوهَا

یخورد - هم از بی انتظامی ترافیک بودو لی حال که چنان بود حتماً فوتی  
هم از همشهر یان و بالا خره هم از خوبی بذوق آن یکنفر خارجی بددست  
جو بهای دستکنی که بجای در واژه آمده است .

در همین روز مسیر حرکت خود را  
نیزه بود با خود گفتم آخر این مسجد دنبال کردم و مقابل مسجد پل خشتی  
سر مایه هنگفتی آباد شده است

حاطه آن همه کتاره آهنی دارد چرا سرک ازابتدا تا انتهای زنجیر گرفته شهایک قسمت را باقی گذاشته اند است و تقریباً یکمتر بین جوی پیاده نه بعداً آنرا با چوب های دستک محکم رو و سرک خالیگاه موجود است که

ساخته اندودین و سیله منظره دور نمای آن منطقه را خراب ساخته  
آنهم درست قیر ریزی نشده بود  
گفتم چقدر خوب می بود اگر مدیریت  
نداگر آن دستک هانمی بود و اگر  
ترافیک آن ز تغیر راعوض سرک به  
ستره دریای کابل از کشا فات پسر

میبود یقیناً فوتی خوبی بدهستم لب لب پیاده روانگان میداد تا هم  
مدکه برای معرفی کشور ماخوب سرک وسعت بیشتر اختیار میکرد و

ساعت ده و نیم روز سه شنبه ۱۵ ماه  
حوت مثل سایر همشهر یان مقابله  
خیابان یعنی سرک متصل دریای  
کابل قدم میزدم و طرف پل خشته  
روان بودم که دیدم یک خارجی از  
مسجد پل خشته و گیر و دار اطراف  
ونواحی عکسبر داری میگند. من  
فوراً خودرا با ستقامت او قراردادم  
تابه بیتم او کدام نقطه را بیشتر هدف  
قرار داده است. وقتی به مر کات و  
کمره او متوجه شدم دانستم که او  
میخواهد عکسی ازین ناحیه بردارد  
که هم در آن مسجد بباید هم بستر  
دریای کابل که هنوز هم آب کاملاً  
روی آن جاری نشده و کثا فات بحشم

نیوز ویک

ترجمه : سید احمد بر خوردار

« حفظ تعادل و موازنه در قرار گرفتن بالای دراز چوکی، بایسکل و چوکی از زمرة نمایشات ببته آورو شکفت انگیز اکروبات های چینی است اکثر ازین نمایشنامه های اکروبات که به دو هزار سال قبل یعنی درست به دوره سلسله شاهان «هان» تکیه میزند، از نوع نمایشات ممتاز و بی سابقه عصر نمایندگی مینمایند و انعکاس دهنده روحیه قوی و با شمامت و متعبور توده زحمت کش و کارگر جمهوریت چین است ». هنرمندان اکرو بات جمهوریت مردم چین جهت اجرای یک سلسله نمایشات بعد از انجام عملیات افغانستان نیز نمودند.

حدود دو سال قبل مدیر عمومی موسیقی و درام شهر نیویارک

نار من سینکر از یک تعداد اکروبات پیکنگ دعوت بعمل آورد تا دیداری از ایالات متحده امریکا بینمایند.

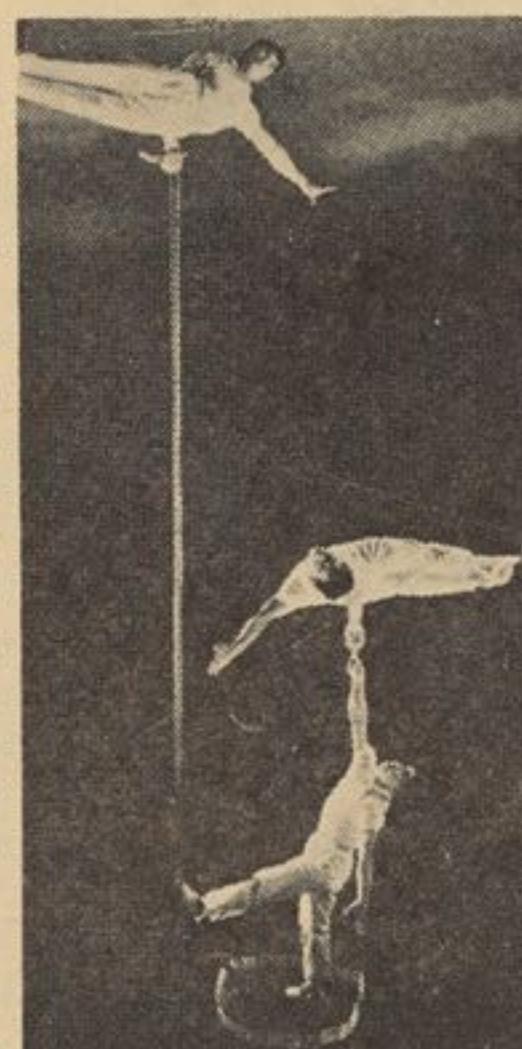
زمان بپر اندازه عقب زده میشود تغیراتی در موقف ها و مفکره ها

پدیدار میگردد هم اکنون مقامات چینی مدعی است که مکتوب قبلی جعلی بوده و غیر از آنچه است که ما فرستاده ایم بپر حال هفته گذشته نار من سینکر مهماندار آن اکروبات های چینایی بود که موسوم به تیم معروف موسسه شنیانگ استند، این گروپ هنری او لین دسته

هنرمندان اکروبات جمهوریت مردم چین است که مدت (۲۸) روز در ایالات متحده به نمایشات خواهند پرداخت، ایشان با آغاز نمایش در شیکا گو عملیات اکروبا تیک را به معرض دید تماشا چیان قرار دادند بعد در آن دنیا ایالیس نیو یارک و واشنگتن نیز هنرنمایی نمودند.

نخستین نمایش که در تیاتر شیکا گو بعمل آمد دو هزار و پنجصد نفر از تماشا چیان با تدازه ازین هنرمندان خاطره های مشعوف کننده داشتند که در مقابل پرسش ها می گفتند : این چهل تن اکروبات مشمول

شعبده باز ها ساحر و جادوگرها و کسانیکه حین علمیات جمناستیک نمایشات هیجان انگیز و شگفت آور اجرا میکردند بحق نمایشات شان مطبوع، محفوظ کننده، هیجان آور شنیده تگ پیشتر به عملیات بالات



تشابه بهم میر ساند تا اکروباتیک وضعیت این اکروبات ها خواه در سواری بایسکل و یا در حالت معلق قرار گرفتن بس دیدنی و تماشا بی بود، از جمله بیست تن از دوشیزگان ملبس با بالانه های سرخرنگ، عملیات گیج کننده که تماشا چی را را به سکوت دعوت مینماید اجرا میکنند، مردان نیز در هنرمندی و عملیات اکروبا تیک دست کمی ازین دوشیزگان نداشته و در هنرمندی از اکرو با تهای غربی زیاد چیره دست و ما هر آن دنیا، بدین جهت که یکتن از مردان اکروبات با داشتن تیسم ملیح با سریا بادست بالای چوکیهای قرار میگیرند که ساختمان (الدلچو) دارد، چه ایشان را عقیده براین نیست که تماشا چیان را کمتر به تحسین و دارند. ناگفته نمایند اکروبات ها هیچ نمایشات کمر بند های مصنوع در کمر می بندند. از آنجائیکه عملیات اکروبا تیکی

و زیاد استادانه بود که مانمی توانیم ازین عملیات طلس آمیز چشم پوشیم، این اظهارات نمایشات

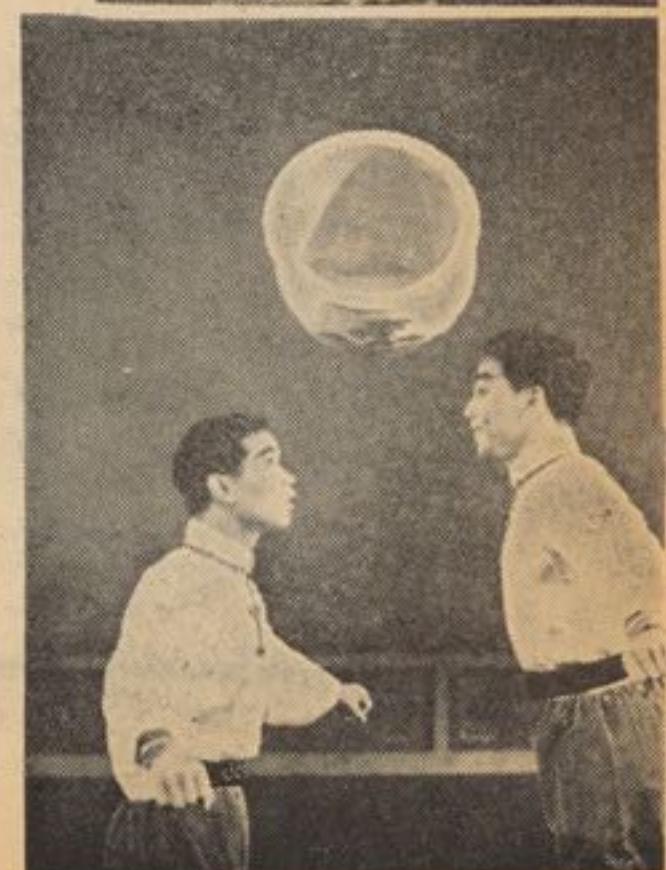
شب های بعدی را نهایت دلچسب ساخته بود چه سیل از تماشاچیان به محل اپرا سرازیر میگردیدند. در آنچه نمایش شعبدہ بازان حین

عملیات شعبدہ بازی حرکت طلس آمیزی از خویش بجا گذاشتند طوریکه در حین اجرای نمایش

پرچم بر نگ سرخ چشم های تماشا چیان را خیره ساخت که در روی آن کلمه « مستحکم باد دوستی چین و امریکا » جلب نظر میگرد، با

نمودار شدن این جمله کلمه تماشا چیان به پا خاستند و این عملیات مبهوت آور اکروبات چینایی را تحسین کردند و زیاد کف زدند.

جمع نمایشات و هنرنمایی گروپ شنیده تگ پیشتر به عملیات بالات



# با تیک جمهوریت مردم چین



میز را با تمام محتویاتش قسمی بسر خود گذاشته که اطمینان دارد بزمین نمی‌افتد.

صنعتی چین آمده بودند، اعضاي این گروپ جمعا علاقه مند آن بودند تا فابریکه فولاد امریکایی را ملاحظه نمایند و درینجا است که مهماندار شان با سوالات مزید هنرمندان مواجه میگردد، چنانکه استفسار میشود چند تن فولاد از آنجاست خراج میگردد و دستمزد معاش کارگران چقدر است؟ و مقدار آن بعد از وضع نکس چه اندازه میشود؟ (درین آوان است که نماینده رسمی بقیه در صفحه ۵۸



بالایک چرخ بصورت ملحق قرار گرفتن خیلی دیدنی بود.

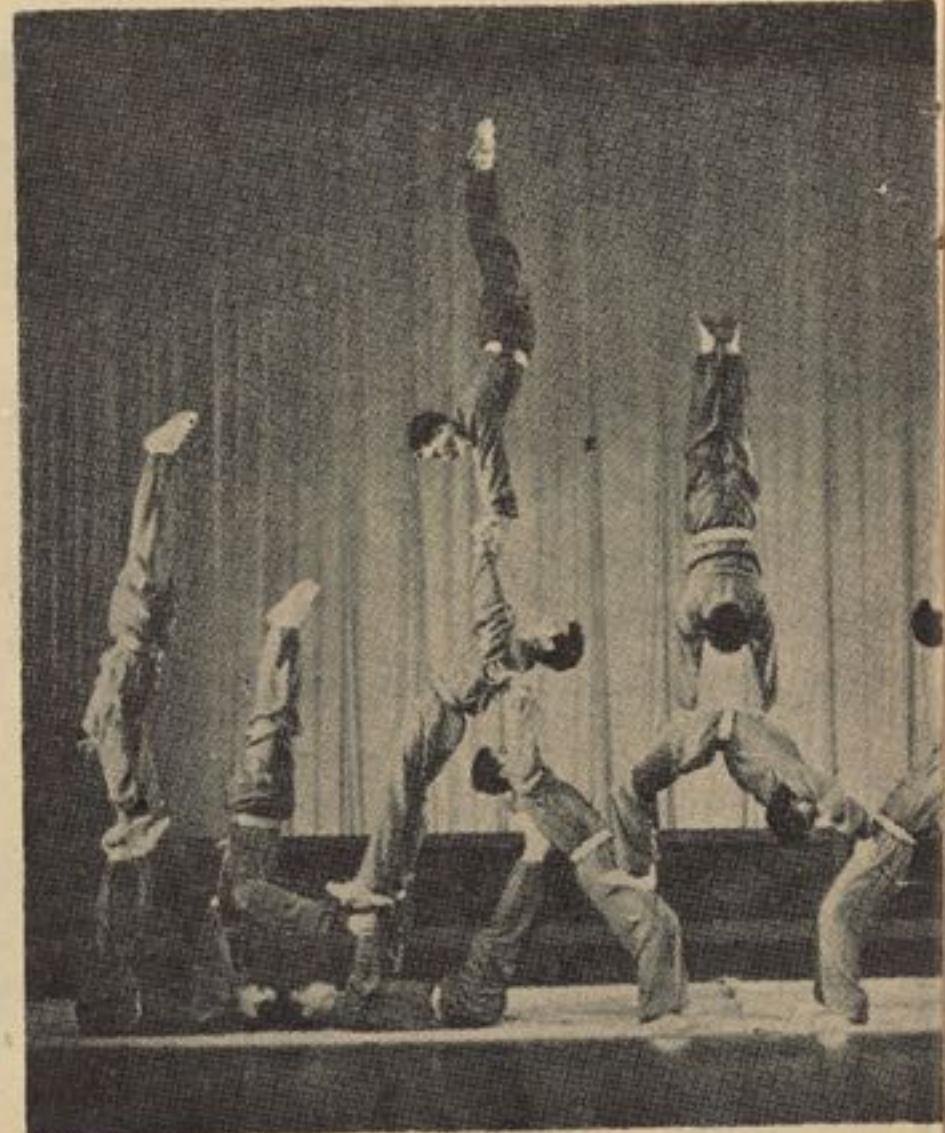
لیدر این دسته ملبس با لباس محلی قبل از موجودیت همچو برابلمی با داشتن حالت رضایت بخش صحنه را تمیز کرد. معضله دگر نزد مهماندار وجود گلد فیشن (ماهی های طلایی شعبده باز بود) این ماهیان که در خریطه پلاستیکی از چین به ایالات متحده منتقال داده شده بود آن تا مدت سه روز هیتوانست ماهی را در خود زنده نگهداشد و بعد از سپری شدت مدت متذکره نسبت آلوگی آب ماهی از بین میرفت.

لحظات بر جسته این مسافت آوان تبارز نمود که دسته هنری هنرمندان اکروباتیک خواستند از کمپنی فولاد ایالات متحده در جنوب شیکا گو دیدن بعمل آورند، از آنجائیکه آنان از یک ایالت شمالی بیش از دوازده نفر بالای یک بایسکل

هنر است و آرت» یکتن از متخصصین این دسته اظهار داشت «نبایست مظاہری که خطر همراه دارد در آن موجودیت و یا تبارزنماید.» تجهیزات

والبسه کلیه اکروبات ها چینا بی اسست صحنه تیاتر خیلی درست ترتیب گردیده و تقریبا بمعاذق کلیه ملی و مرکز شهر نیویارک صورت پذیرفته آنرا میتوان در روابط میان ایالات متحده و جمهوریت توده چین عقب ستیز تصویر آسمان آبی و صاف که در آن توته های کوچکی از ابر جلب نظر مینمود دیده ها را گلتوری طرفین حساس خواند.

از آنجائیکه اتحادیه اصناف به شکل غربی آن در چین وجود ندارد وحینیکه می خواست این موضوع را به منتظم ستیز توضیح دهد او بسادگی سری تکان داده گفت: اینکه بروبلم را ایجاد کرده نمیتواند فرستیکه عملیات نمایشی ما در تماشا چیان را نسبت به هر گروپ شبیکا گو اختنام پذیرد ما شخصا دیگری از هنرمندان بخود مشغول ستیز را جاروب خواهیم کرد طوریکه وسر گرم می ساخت با آنکه این در مملکت خویش همچو کاری را دسته را جز عملیات شعبده بازی می کنیم:



صحنه از نمایش اکرو با تیکی هنرمندان چینانی

# از این روز

در چوکات تشکیل دولت فقط شعبه ای بنام مدیریت طبیعی داشتیم و بس

شده بوده است. اصلی طبابت معالجوی با پانزده بستر به فعالیت آغاز کرد و رادر کشور ماتشکیل دادو اما بعد در سال ۱۳۲۷ برای سنت روز نون هابا بمعیان آمدن پرسوئل طبیعی و مربوط گردید. که امروز توسعه قابل پارا میدکل رو به توسعه گذاشتند تا امروز انکشاف قابل ملاحظه ای در آن ملاحظه ای در امور این شفاخانه بچشم دیده میشود، ریاست روز نون بمنظور وقایه صحت اطفال و معالجه دیده میشود. امروز شفا خانه ها و مرکز صحي برای وار سی و معالجه کود کان بیمار، پولی کلینیک های متعددی تاسیس نموده و همچنان در مریضان و مرآجعین در تمام ولايات تاسیس شد شفا خانه های مستورات مرکز و ولایات به تاسیس کودکستانها به تدریج در ولايات کند هار، هرات دست زده است.

امروز مجادله علیه توبر کلوز دست زده است. هرگاه در مورد طب معالجوی در نیم بلوغ، بغلان، ننگر هار، پروان، پکتیا فاریاب، بد خشان وغیره یکی بعد فاریاب، بد خشان وغیره یکی بعد دیگری افتتاح گردید. همچنین بمنظور وارسی از مادران عمومی ده بستر با تجهیزات لازم حامله و عملیات امراض نسائی در مخصوص مریضان مردانه در شهر مرحله اول در کابل شفاخانه زایشگاه کابل تاسیس و متعاقباً شفا خانه ده و برای تربیه قابل هایی که دارای بستر نسوان افتتاح گردید.

برای اولین بار به همکاری باروالي این شفاخانه ها که توسط دکتوران معلو مات اساسی درین رشته باشد است. مکتب قابلی تاسیس گردید که شفا خانه، زایشگاه در سال ۱۳۲۵ خارجی با پرسوئل غیر طبی دایر

شعبه احصائیه صحی موسسه تحت اداره ورهبری کار کنان افغانی خون مورد ضرورت شفا خانه هارا صحت عامه احصائیه شفاخانه های کشور مارا اخذ میکند که از آن در تهیه و توزیع مینماید. بلان گذاری صحی استفاده میگردد. اجرا آت دیگر این شعبه عبارت است تاسیس و نظریه نتایج در خشان آن در سال ۱۳۴۵ بریاست طب و قایوی مریضان داخل بستر، امراض قرانطین ارتقاء یافت. تحلیل احصائیه های شفاخانه هاو تنظیم فورمه ها و ترتیب جداول و نتیجه گیری از آنها.

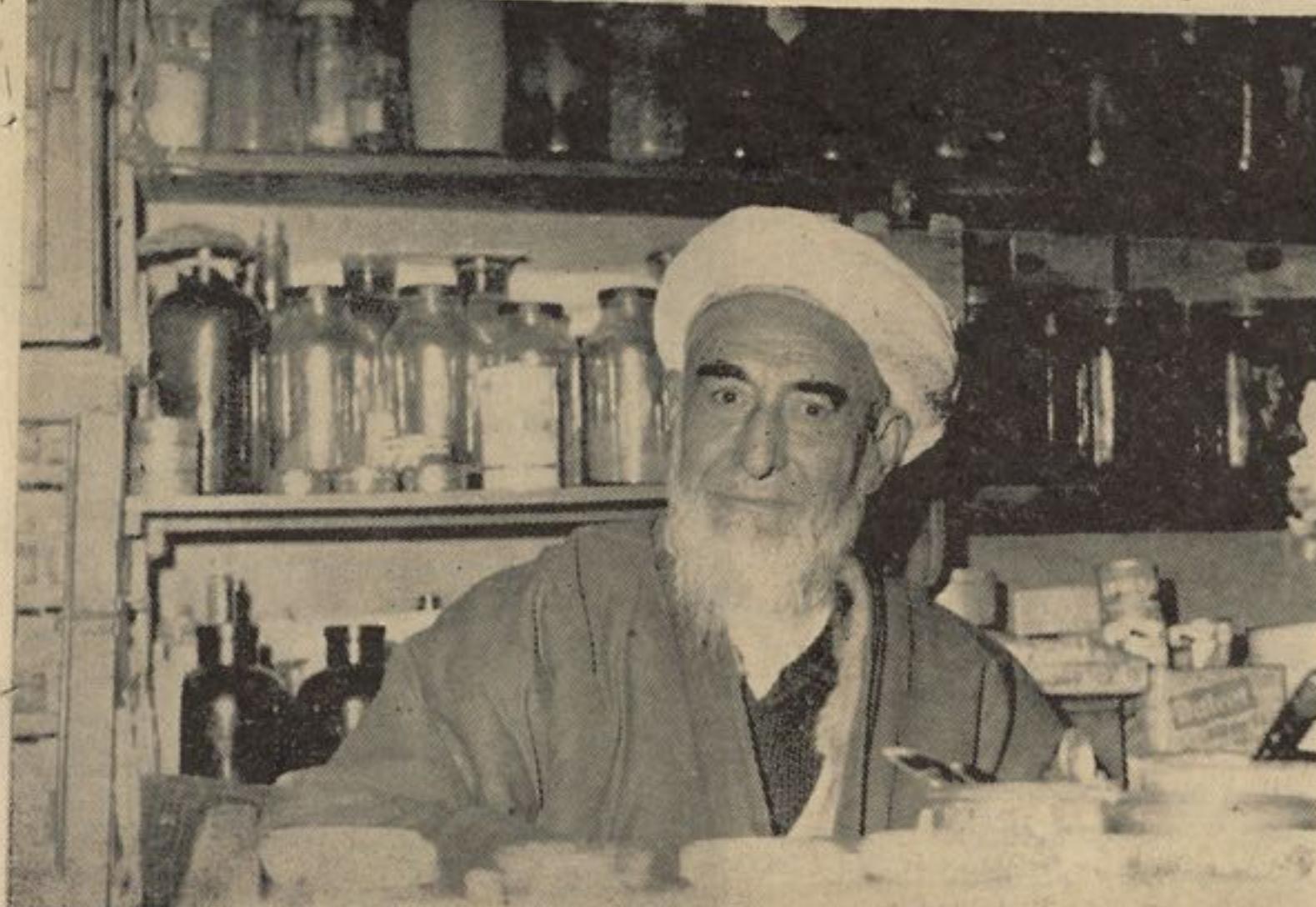
شعبه اپیدو لوژی ازبدو تاسیس سروی جذام، سروی پرازیت های شروع و نتایجی سود مندی از آن آزمایش شیک تست سر وی بدست آمد. یرو گرام کنترول مرض هلازیادر سال ۱۳۲۷ مورد تطبیق قرار داده شد که تاسیس ۱۳۳۷ در بسا نقاط شدند بزرده و نیز در اخیر به تشکیل بورده امراض ساری موفق گردیده کشور تو سعه یافت.

برای اولین بار به همکاری باروالي این شفاخانه ها که توسط دکتوران معلو مات اساسی درین رشته باشد است. شعبه تبلیغات صحی موضوعات صحی را بصورت سمعی و بصری تبلیغ نموده یکتعداد بیست هزار پامقلیت هارا تهیه و برای تو سعه تعليمات صحی بولا یات تو زیع مینماید.

همچنان شعبه حفظ الصبحه محیطی بپیوی عوامل محیطی و تهیه مواد بصورت صحی، رفع فضلات، تهیه آب مشروب صحی و ترتیب لایحه وظایف مفتیش صحی از جمله وظایف عمده اش میباشد.

شعبه نشرات در سال ۱۳۱۹ اولین مجموعه صحیه را انتشار دادو در سال ۱۳۲۵ در پهلوی این نشریه یک مجله مهم ماهانه دیگر بنام مجله روغتیا بمعیان آمدو در سال ۱۳۲۷ جرده روغتیا زیری به سویه عالم فهم منتشر گردید که تا آنکنون دوام دارد.

همچنان بانک خون در سال ۱۳۴۳ در موسسه صحت عامه تاسیس شد این مرکز جیاتی گرد را بتدابه کمال تехنیکی و فنی جمهوریت اتحادی آلمان اجرای وظیفه مینمود امروز



این عکس از طبابت دیروز بما حرف میزند ولی امروز گرفته شده است

ژوندون

# تازه‌نیوز

## وزارت صحیه با قسکیل و سیع و پرسه ذل کافی

در خدمت مردم است

صحیه تعديل گردید و در سال ۱۳۲۴  
بنام وزارت صحیه شناخته شد، نظر  
به توسعه مزید موسسات طبی  
و قائمین صحت عامه در سال ۱۳۴۳  
وزارت صحیه در هر ولایت یک دستگاه  
اداری منظم را بنام آمریت صحبت  
عامه دایر نمود تا از امور معالجی  
و وقاوی بررسی نماید.

زندون دین مدت بیشتر از

یکسال آنچه در ساحه تحولات اخیری  
که در اکشور ما زونما گردیده  
حتی المکان طی این مبحث مورد  
بررسی قرار گرفت و راپورتی ایسی

تصویر مقايسی از اینکشا فان  
امروز و آنچه در گذشته های دور به  
پسمانی اکشور ما دلالت میکردند  
خوانندگان گرامی این مجله گردیدم.

همچنان در مورد قسمتهای از امور  
مربوطه بزرگی هر دم ماکه جتنی  
امروز هم نشانه هایی از علم انتشار  
در آن بحثم میرسد سخن زده شده

و یک سلسله پیشنهاد هایی صورت  
گرفت تا مقامات مربوط به آن  
ملتفت شوند و اینهمه روی حقایق  
بود.

امروز که بیشتر از مدت یکسال  
ازدواج این مبحث سپری میشود  
میخواهیم به آن خاتمه بدیم.

امید است خوانندگان گرامی این  
مجله در طول این مدت حد اعظم

استفاده را ازین مبحث بروند و نیز  
اگر مباحث جدیدی بدنظر شان باشد  
برایما ینویسند تا صفحات نوی را  
به آن تخصیص بدهیم.

وصیعی در ساحه طب معالجی  
و وقاوی تحت اجرا گرفته شد.  
به تعداد بسیار های سنا تور یم  
نسوان کابل و شفاخانه های برخی  
ازولا یات تزئید بعمل آمد برای  
تجزیه و معالجه، مریضان جذام در  
پلان سوم اعمار شفاخانه هاروی دست

گرفته شد و اعمار مرکز حمایه مادر  
و طفل در بعضی ولایات هم به کمک  
اهالی صورت گرفت، در سال ۱۳۴۵

مدیریت کنترول امراض ساری  
بریاست طب و وقاوی ارتقا یافت  
و اقدامات وصیعی برای امتحان ملاریا

چیزک، توبر کلوز، محرقه،  
کولرا، حمایه لکه دار دیفتی وغیره  
نمود.

خلاصه طبابت عصری در اکشور  
ما از سال ۱۳۰۲ آغاز گردیده و در نیم  
قرن اخیر تحول بارزی نموده است

تشکیلات صحی در مرحله اول تحت  
اثر مدیریت مستقله طبیه روی کار  
آمد و در سال ۱۳۱۳ نظر به توسعه  
نموده درین پلان پرو گرا مهای موسسات طبی بریاست مستقله

ادویه و لوازم طبی بخدمت اها لی  
گذاشته شده است.

در سال ۱۳۱۲ یک تحویلخانه  
طبیه تحت نظارت مدیریت مستقله  
طبیه بیان آمد و در سال ۱۳۱۸

عمومی ادویه مسمی گردید، در سال  
۱۳۳۲ - این دیبو شکل یک تصدی  
را اختیار نمود و در سال ۱۳۴۵ تورید

ادویه طبق فارمو لیر ملی جریان  
یافت که یک قسمت از احتیاجات  
تینچر، شربت ها، تابلیت ها،  
محلوالت زرقی، سیروم های متعدد و

غیره در خود دیبوی ادویه تولید  
میگردید، و همچنان شعب مختلف  
دیبو در مرکز وولا یات بیان آمد که  
علاوه از عرضه دوابصورت اقتصادی

حیثیت رهنما را برای ادویه فروشی  
های دیگر دارد.

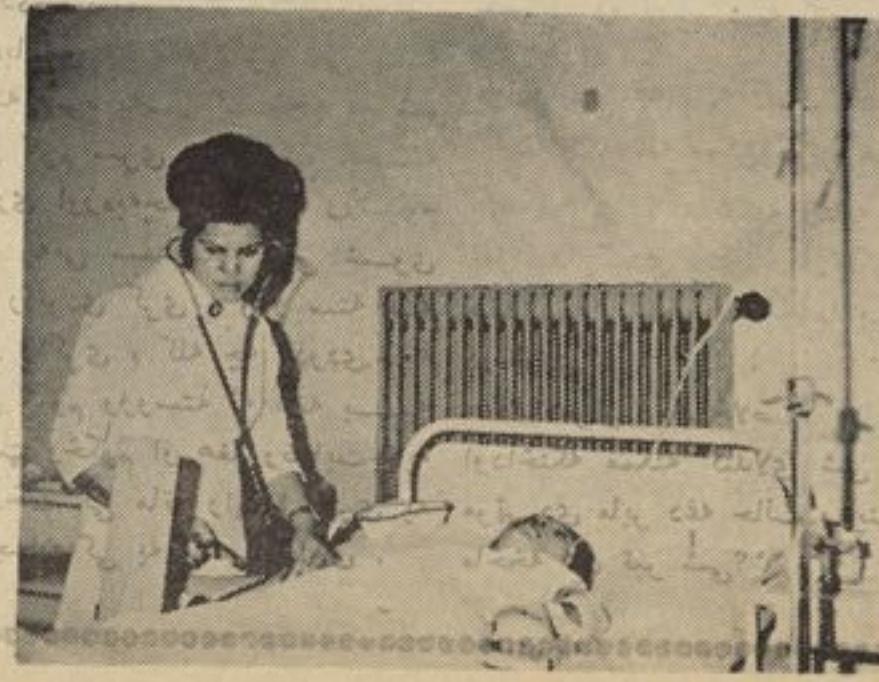
پلان های انکشافی صحی چه وقت  
روبراه گردید؟

وزارت صحیه برای وارسی بهتر  
صحت و سلامت مردم کشور او لین  
پلان پنجساله صحی را ترتیب و تنظیم  
نموده درین پلان پرو گرا مهای موسسات طبی بریاست مستقله

و حتی المکان ادویه لازم نیز تهییه  
و بدبستری موسسات طبی مجا نا  
گذاشته میشود تا برای پیشان مستحق  
عرضه شود.

همچنان به مقصد تسهیل در  
عملیات جراحی قلب و شیش مریضان  
قلبی وریوی کلینیک صدری از زمان  
تأسیس تا مروز مو فقاره انجام  
و طیفه مینماید.

برای وارسی از مریضان منا طق  
دور دست که فاقد مرکز صحی  
و شفاخانه میباشند یک تعداد مرکز  
صحی در رو لسوالی های مریضان  
تأسیس و با اعزام و تعیین بر سو نل



# پله سر ۵ هو اکنپی مزل

آه! هوکی داسی خبه برین دی  
کو و دریم او دواوه لاسونه و موتو  
جهزه دتل لپاره بردگه سرک باندی  
باته نهش زمامور، تودکور، تودی  
تھسپر کرم کلچه موتو رانیز دی  
جامی، اوپودی. قول هفه واقعیتونه  
شوما سرک پیغله پر ینبودی او موتو  
یه کارده. هر خه به دیرزه خبر شو.  
اویو خل بیا  
هم لاما خخه تیرشو. اویو خل بیا  
وواو پدرستیا چهزما دذهن خخه  
هیچرا پیره توره تیاره شوه که په بل  
دباندی موجود وو، یوازی لازمه  
چه ماخته خان رسولی وای.

ماکور در لودی، هلتہ هرخه و  
اوبار می در لودی چه موربه می حتما  
خخه تیر شوی وای ماکولا شوای  
اوبار می در لودی چه موربه می حتما  
چه په یوه سبک توب خان ولازی ته  
زما لپاره سکرت ساتانی وی، مگر  
کورته رسیدل او سکرت شکول یوی  
اچولی وای مگر اوی لازم وچه ما  
دخلی تول وجود انرژی راپوله کری  
معجزی تھضرورت در لو دمگر

تود چای له انتظار خخه وبا سی.  
مگر زه باید یوژی په تکه توره شبیه  
ماد خان سره کوم تفردر لودلای مگر  
کی شل کیلو متري لاروو هم.

رسیدلی اوپر مخکه باندی داسی  
شوي وای؟ پهخه دول.

پهنا خایی دول سره می لومری  
لویدلی وای چه بیا هیخکله نه وای  
دخبلی بنسی پنسی اوورسته دتول راپور  
دموتر دختلو فکرله سره خخه لیری  
جسم سیوری منخ تدولیدی، کله چه  
منخ شانه راو گرخاوه می لید ل  
چه معجزه دو خته پای ته رسیدلی و  
معجزه داوه چه یو موتو زما پر لوری  
راتلی اود هفه دخراخو رو بنسایی  
نهوه بلکه په ختیو کی دهی بندیدل  
وچه زماپه منخ کی کنسته پورته کیدله  
داجه راتلو ونکی موتو جیپو، لاری  
لیدلو سره پوهشولم چهارلای ودرید له  
و، دگر خندوی موتو و ماته یسی  
ارزبیت نه در لودی. زه دومره پو و  
وکری چه دلاری خخه کومه سپری  
شوم چه دغه یوموتور دی، دوینا یی  
لری اوپه منخ کی بی خلک دی زماپر لوری  
په دغه وخت کی ماته دوی پوهشی  
باید په دغه توره شبیه کنی دزه  
خای خخه و خیزی؟

آیاز به زر موتو ته خان ورسولای

ظالمو سروته باته نهش.  
دغه فکر چه ممکن موتو هیخ ماته  
شم؟ دخوشیبو ورسوسته دموتو  
ونه دریزی، هیخکله زماپه مغز کی  
زغ واور یدل شو اودغه بز دزره  
نه رایدا کیدی ددی دول فکر دنه  
بیدا کیدلو علت داو چه ما باوار  
شومی، مابه دغه تیاره شبیه کی یوه  
ارادی قوی دی.

دغه موتو زماد خلاصون لپاره راشی  
داسی قوی تور سیوری و لید چه  
او داخنگه ممکن کیدلای شی چه  
ترشی هم توروء کلچه لاری ته یو  
موتو دی مابر دغه حالت ووینی اوله  
خه نیز دی شولم پوه شوم چه دبادی  
خواهه دغه منطقه کی کوم کلی اوکور  
تول جهان کی په بی ساری وی.

ماخخه دی تیر شی؟

نه بنکار یدی اوله بلی خوا خخه دومره  
ماکری یوی بلی لاری ته وکر خیدی  
قوی بادوچه زمارغ به دهیچاو غور  
نهنه وای رسید لای.

سعادت غواص لپخه صبر او حوصله  
به همدي وخت کی په ناخابی دول  
یه کارده. هر خه به دیرزه خیر شولم  
سره زما بدنه تودشواو دوجو دخخه  
سم صورت و مومی.

که چیری دی لا یوه بله ثانیه زما  
می خو لی چاری شوی دیو سست دتولو

سره وای مابه حتما خپله غوبنتنه  
وروپاندی کپری وای اوی ده دبوری  
شیی وزرونے هر پلو ته خپاره شوی  
وزما ملکری راخخه چلاشو اودی به  
دیرزه توده کوته، توده بشور وا ا و

خالی بنکار یدی او تر خو خو شیببو  
تود چای له انتظار خخه وبا سی.

ماد خان سره کوم تفردر لودلای مگر  
ممکن چه همد لنه په درانه  
دواوری دطو فان شدت او قوت وار  
پهوار دیریده په لار کی بلکه کسله

خو ب لو ید لای وای مگر  
کله کله بشپره بینایی سری دمرگ  
خخه بجوي او زه هم دهر دول شی  
دنشتالی له کبله خو شیببو وروسته

زه بهم په دغه وخت کی خکه خوشحاله  
شوم چه دغه خایی ته په کوم کی  
شوم چهدی زو رو او ویر و نکو  
خای یو خخه را ووتلم. ماخکه خان بنیاد

من گانه چه دخان سره می یوه لکه ه  
اویس یی پر زوی خه تیر یسری  
در لوده اود هفه په مرسته به می  
ورسوم.

ماهه داخر گنده شوی وچه زمه  
هیخکله بیا کورته ونه رسیدرم مگر  
په همده وخت کی می دخانه سره

تصور کاوه چ همدا اویس او سی  
دیو لکی دیره بنکلی نجلی ماته گوری  
له همدى کبله لازم دی چه دباد په مقابل  
ممکن، غیر ممکن او غیر ممکن دی  
کی خان کپوب نه کرم اود بخوا په  
چه زده دی مه شم.

زه باوری وم چه دکوم شی په  
خان ته بدهی داد ور کاوه چه زما  
مرسته سره بدمه گ خخه بچ شم

خکه دیر مهم دی چه زه و خپلو و بزو  
بنایی کوم سری ماد مرگ خخه

ملکروتاه چوچی راپیم اما ددی تولو  
وزغوری او زه به حتما کور ته ورسیرم

تصور اتو سره ماته خر گنده  
شوه چه دشیبی دظلما وستم قوت زماتر  
بنی راتودی کپری، وروسته به

دویی راکپری، کله چه دیوپی خخه  
در لودی.

که په دغه وخت کی مابه هر خومره  
خلاص شوم وروسته له هفه به  
نور او از بز کپری وای ممکن چه دجا  
سکریت و خکوم او هفه رضایت چه په

غور تهنه وای رسیدلی خکه چه دیوی  
دغه وخت کی ماته رایدا کپری په  
خواهه دغه منطقه کی کوم کلی اوکور  
تول جهان کی په بی ساری وی.

\*\*\*\*\*

دی ته می په چیر دقت غور نیولی و

دغه سگرت ددی دهه زوی خخه  
پانه شوی وع دکوم په باره کنی چه یعنی  
اوی خبری کولی دقیق گری، درزی  
توله طو فانی شبیه تیره شوه ددغه  
ومنی؟

په یور کنکه دوره لایا تهونه رسیدله

یاهنی بنخنی چه په نیمه شبیه کنی یعنی

دکوم خای خخه را خخه .

دختل کور ور زما پر من خلاص کنی

آیادهه خای خخه تردی خایه زماتر پودی . خورلو وروسته بیان

شروع کرنی دی خبری وکرنی، وکرنی

وکرنی . خبرو پای نادر لودی داسی

بنکار یدل چه ددغه بنخنی زمانه ورباندی

زه یو شولم چه دغه بنخنی په چیر

داسی موقع نهود پیدا کرنی چه دختل

تکلیف سره دکور ور زما پر من خ

ژوند ددر دو او غمو په ویلو سره

خلاص کرنی اویه وتدی کوتی ته

خپله نابناده اونا کراره رو ح ارامه

ورننو تلم، په کو ته کنی په چو کسی

دغه کور خنکه پیدا کرم بنیانی چه دغه

باندی کنبنستلم اوی گو تود بنیورلو کرنی . هوکی ددی دغمو داوریدلو

واک می نه در لودی، دکور میرمن چه دپاره یوبنه اوریدو نکی په کارو او

داسی بنکار یدل چه زه دهمدی بنخنی

یوه خلو یبنت کلننه بنخنوه ماته بی

لپاره یودیر بنه اوریدو نکی یم توخکه

یوه جووه تاوده بوتونه راکرنی اوی

بخاری خخه بی یوتود داوسپنی لوینی

په اوریدو کرنی ورباندی ورغلی وی په

راوا یستی .

په لوینی بنور واوه، بنیور واتازه دیر تفصیل سره بیان کرنی .

مامم کونینن کاوه چه «ماشا» لپاره

پخه شوی وه، بنیورواکه خه هم سره

یوا یه یال اور یدونکی شم خکه چه

ددی دمرستی داداکو لو لپاره مابله

وسمیله نادر لوده . دی ماته وویل چه

نوخکه پریو تلم اوسمدستی و یده دیو

ورسیدی زه به داسی خای ولنیم خود

وی بیادیر میلمه پالونکی وی، دیو

کور خاوند دیر بشاش وی مکر دهه

کور تهور سوم، مکر په همدغه وخت کی

په کله زر دی نتیجی تهور سیدی او

په کله چه می دیوی جتکی

دیر خوشوم خو خا نو

کور چه نیزدی وی هفه به دیکو لو

وایه دهه بله ماخخه دیر لیری وی خلکو

دویزه خویه دغه وخت کی داو چه

دغه کور خنکه پیدا کرم بنیانی چه دغه

زه بیله دی چه دعویز مخنی برخی

تهورشم او دعویز دجلو ونکی خخه

کی می زره دربیدی که اویس مو تسر

چه دکور خنکه په دیکولو لپاره

کلی دکور خنکه یو کور دیکولو لپاره

خکه نه شوای تاکلای چه ماپه دغه

برخه کی دخان لپاره قانع کوونکی

دالیل نهدرلودمکر په پای کسی دی

وکرنی اویه دی فکر و مچه کوم کور

و «۳» فوتوته ورسیدله په دغه وخت

باید دیکولو لپاره ونکام . ماددغه

کی می زره دربیدی که اویس مو تسر

حرکت و کرنی اوی شاو تختی تامی

لاس ونہ رسیدی . دادی اویس زما

گوتی و تختی ته ورسید لی .

دالیل نهدرلودمکر په پای کسی دی

زه بیله دی چه دعویز مخنی برخی

تهورشم او دعویز دجلو ونکی خخه

میربان سری کورو لثوم مکر مهه

غوارم په یو ترتیب سره می لا س

خبره خویه دغه وخت کی داو چه

دعویز دشاو تختی تهور سیدی او

تینکه می ونیوله او مو ته په چه

تکلیف سره بورته شولم او دیویه مار

په خیر دبادی ونس تهور کنښه شوم .

خو شیبی وروسته پوهشو لم چه

به تال داویل چه دروسی کلیوالی

کورونه خان ته بیل بیل خصوصیات

اویه حرکت بیل وکرنی، هافیصله وکرنی

اویه حرکت بیل وکرنی، هافیصله وکرنی

راوا یستی .

دی ته می په چیر دقت غور نیولی و

دغه سگرت ددی دهه زوی خخه

کرانه تهخوک بی؟ آیا ته دیوی

خانکری بنخنی خخه داهیله کولای شی

چه پردی سری دی دشپی لخوا

زه یو... نه یم زه یوزده کوونکی

&lt;p

# پسوند ساله که به هزار

# بـهـصـنـفـاـوـلـ مـكـتـبـ بـوـذـمـ كـ



الغ بیک گفت : در چو کات فامیل مادرم بیشتر  
علاقه دارد تاین هنر راجدی تعقیب  
کنم و او سمت که بدرجه یک درین  
رشته ازابتدا تا امروز تشویق کرده  
و میکند، برادرانم هم کم و بیش درین  
عقیده باما درم همنوا هستند گفتم  
خارج از دایره فامیل کی با تو کمک  
کرده و درین رشته ترا همنوا یسی  
میکند، گفت :

رسامی علاقه خاص دارد صنف ۸  
مکتب است، میگوید از آنگاه که  
متعلم صنف اول مکتب بودم به رسم  
ورسامی علاقه گرفتم.  
اما ممکنه پس از نظر فهمیدم مر حوم  
برو فیسور غلام محمد خان رسما م  
پدر کلان او بوده پدر کلان الغ بیک،  
ومیشود گفت که این پسر چهارده  
ساله استعداد رسامی را از پدر کلانتش  
به ازد برده است.  
گفتم:

وسیله تشویق بدرجہ یک کی  
بوده؟

استاد غوث الدین خان که از جمله  
شاگردان پدر کلامن یکی اوست خیلی  
زمورد رسما ندنم به هنر رسامی  
کوشیده و میکو شد چنانچه همین حالا  
در کورس رسامی استاد مو صوف  
تحت نظر خاص او مصروف پیشبرد  
ین پیشه هستم الخ بیک گفت:  
پدر کلامن مرحوم پرو فیسو ر  
غلام محمد خان شاگردان زیادی  
ربیه کرده که، استاد عبدالغفور  
برشنا، استاد غوث الدین خان، استاد  
استاد عبدالعزیز و بنیانگذار غلام علی  
عید از جمله شاگردانش میباشد  
باید بگوییم که استاد غوث الدین خان  
خاطر پاسداری و احترامیکه به  
استادش داشت و اکنون مرا بحیث  
کانه نواسه او میباشد که در هنر  
رسامی علاقه دارد، هر چه بیشتر  
سیلیه تشویق مرا فراهم ساخته و در  
سا ندن من خیلی سعی بخراج  
بدهد. و روی همین دلیل است که  
تل دیگر شاگردان کورس که  
هوار یکمقدار پول بنام فیس  
ورس میپردازند. من از پرداخت  
من مبلغ معاف هستم، و این عمل  
اتشنس مایه بیشتر تشویق مرا  
راهم میسازد که هم طرف تقدیر  
و هم طرف تقدیر خانواده ام قرار  
رد.

الغ بيك فاريما بي ميگو يد :  
يکدوره اين کورس دو سال است  
هاپنچ ماه ميشود که من شا مل اين

A black and white photograph of a young boy with dark hair, sitting on a wooden chair. He is wearing a dark, zip-up jacket over a light-colored shirt, and light-colored pants. He is looking down at his hands, which are clasped together. The background consists of horizontal window blinds. The photo has a slightly grainy texture and is set against a dark background.



در چوکات فامیلم مادرم بیشتر  
علاقه دارد تا وسام شو م!

در انتظار روزی هستم تادر ردیف دکتوران طب قرار  
گرفته و به هنر رسامي نیز مهارت كامل داشته باشم.

خیلی آرام حرف میزد، اما این آرام حرف زدن از بی جرئتی اش نبود اصلاً اگر بگوییم با همان حرف میزد زیستنده است زیرا معلوم میشند که جرئت کافی دارد. اما آفرینش،

آفرین بخود ش آفرین بجر نتش و  
آفرین بهذ هنیت وذ کاو تشن، زیرا  
درحالیکه بیش ازچهارده سال ندارد  
ثمره کارش معادل کاریک جوان

پر نیرو و رسیده به نظر می آید  
نگفتم کارو ٹمره کارش چیست؟  
کارش رسا می است و ٹمره کارش  
همان رسما بایش بوده.

داستش تاينجااسم او را فرا موش  
کردم، او الخبيك نام دار دو «فار يابي»  
تخلص ميكند، چهارده  
سال عمر راعقب گذاشته، و به

فکر نمی‌کنم در مکتب صنا یع  
نسبت بگواد استادم چیز بیشتر  
نیاموزیم.



# رساهی ذوق دارد

## بهزد رساهی علاقه گرفته



من باین عقیده استم که انسان از استاد  
نسبت بشایسته استفاده بیشتر  
میتواند.



کورس هستم و میخواهم بیایه اکمالش  
پرسانم. گفتم بعد از اینکه دوره  
متوسطه مکتب را تمام کنی زمینه  
وام در رشتہ رساهی در مکتب صنایع  
بیشتر برایت مساعد است چطور،  
میخواهی شامل آن مکتب شوی؟

گفت:

من فکر میکنم بیشتر از چیز یکه  
از استاد غوث الدین خان فرا میگیرم  
در مکتب صنایع یاد نگیرم زیرا در  
آنجا معلمینیکه پرشته رساهی هستند  
تدریس مینمایند اکثرا کسانی هستند  
که از جمله شاگردان استاد میباشند  
پس من به این عقیده هستم که انسان  
نسبت بشایسته استفاده استفاده  
میتواند گردید.

همچنان باید بگویم که البته  
استادان مکتب صنایع در رشتہ  
رساهی هم نوع تدریس شان باید  
بسیار خوب باشند اما من بخاطر اینکه  
فعلا تحت نظر استاد مصروف به  
آموختن این مکتب میمیر دارم. این  
حرفها را گفتم و این دلیل آن شده‌نمی  
تواند که هر کس دیگر در آن مکتب  
به کسب تحصیل نپردازند.

گفت: خوب این نظر شخصیات است  
و هم‌اکنون تردیدی نداریم، اما باید بگویی که  
در مورد ادامه تحصیلات خود چه نظر  
داری؟

گفت:

در پیشلوی اینکه پرشته رساهی  
علاقه بیحد دارد. کی از آرزو هایم  
اینست که باید بعد از اکمال دوره لیسه  
مکتب تحصیلات عالی ام را در رشتہ  
طب دوام بدهم، یعنی روزی شود که  
در روزی دکتوران طلب کشور در  
حالیکه برساهی نیز مهارت داشته  
باشم قرار بگیرم.

ببخشید فراموشن کردم:  
در مورد ادامه تحصیلات دو رو  
لیسه اش گفت:  
دوره لیسه را آرزو دارم تابه مکتب  
عالی حبیبیه طی کنم.  
بقیه در صفحه ۶۱

پهدریم وار هغه زما اداری ته او په خلورم وار چه زما گوتهی راغله او داوار بی په دیره بی پروایی ته راغله لهورایه بی د خپلی مینی کم دواوه دغه، زما دکار به مین خبره و کره :

بیاندی کیبنو دل داسی چه مایسی  
زه داسی و م لکه چه خوک می په  
د کمیسه لهجا که بنکلیو تیو ترمنخه سنتک و هی، نه ددی لپاره چه ماهنگه  
زیه رابنکو نکی کربنکه لیدله یو ه نه غوبنکله بلکه ددی لپاره چه هدوه  
شیبیه می ورته و کتل او بیا می می باور نه کاوه چه دغسی یوه  
یداسی حال کی چه ستر گی کښته  
بیغله به ماته د مینی خرگنده و نه  
واچو لی ورته وویل:  
او بلنه وکری .

— «هیله کوم جه کښینې او په کیناستو خبری وکړي ». خو زما یو مشکل نه و زه له یوه هغې بیا هم کېت کېت وختندا او کاله راپدی خوادي یوی بلې بنګلای پېغله راته بی وویل : په مینه اوښتني وم د «پلوشی » په و پخنې ... دا زما عادت دي او مینه چه په ربنتیا سره هم را باندی

دغپل کار د کوتی دکپ کی خواهه پسرلی و همداسی بنسلکلی پسر لی  
ناست یم او هرخه خارم سپری ، چه دادی به زپه پوری او مینه و پری  
موقرونه ، گرخنده خرخونکی هرخه او رینت بی هرشی تازه کوی او  
او هر خدختیال مرغه می په التو تاندی هیلی پکی بازوی ما خبله  
دی هفه خوا الوزی او بیا بیرته وروستی کیسه خپره کپری وه اودیر  
راخی او ماخوروی. تیری خا طری به د چه کی گرخیدلم او یوه درخ  
له خانه سره راو پی. باران چتیک به لازه روانوم او چتیک بازان هم  
اوری دیوی بنسلکلی پیغلی بنه می ستر گوته را خی چه دوات له یوی مخی ته راغله. بی له دی چه یوبنمنه  
خه آنه بل خدا ته به؛، و خم . راسمه و کری و بی ویل:

په بېړه پوری وخت لکه چه له چا سره یې «ستاسو وروستي کيسه مى وعده اینې وي، سېبین چك کو پت ولوستله ... په ربنتيا سره هم چه بې په خان کې دکو پت کمرېندې تاسو زموږ پېغلو دردونه او آسرۍ نړلې داسې چه نرۍ اوښکلې ملا يې پکی کربنلای وي . زه په خپل وار له ورایه بشکاري، او هر وار چه سره ستاسو شکر یه ادا کوم او ګامونه اخليع ددې کسمې دخیر بدويه نسبت مبارکې

# او هنئي مي لاره خارله!

هر خواک زما دغه عادت ته گو ته نیسي  
بنه ده زه به کنینم چه تاسو خپه  
نشی! او خان بی په ډیره بی اعتنایی  
سره په خوکی باندی وغورخاوه.  
زه بیا هم د هغه دېنکلا په سیند  
کی دوب شوم نه پو هیزم چه خومره  
خبری موسره و کری کوم شی ته چه  
زه د هغه د خبرو په اوږد دو کسی  
متوجه شوم هغه دا چه ساده او بی  
لوبولم چه بینخی به یوه ټوته اوږد او  
سوا ده پیغله نهود، داسی تر نظره  
راتله چه په خپله مرکه کی ډیره  
ژوره ده، او داسی استدالال کوي  
لكه چه یوه هنري کره ګتونکي وی.  
د هغه هر دليل زه په فکر ونو کي  
«غرختني» خو ددی دوا پو ساتنه  
کندي، شمه دا هفه یونستنه وه جه  
دو یوله.

منج بی دلری نه نشم لیدلی خو درته وايم \*  
 توری زلفی بی بی خیاله په او د و  
 پداسی حال کی چه خبری بی  
 باندی خوشی کر يدی .  
 کولی لامونه بی په خپلو لندو  
 و بینتاناو تیروول او توری ستراگی بی  
 نه بو هیزیم چهو لی د غه پیغله  
 زما پا ملننه خانته ورکاری او هر  
 خومره چه پیغله ته گورم چه او س د  
 وات ها خوا روانده ماته «غرختنی »  
 را بیادوی . هغه «غرختنی » چه دخبلی  
 مینی دیر ستر سو غات بی ماته  
 را که خو ما بی له خوانی سره ، له  
 بنیکلا سره او د پیغله توب له غرور  
 سره لو بی و کری داسی لو بی چه  
 بیا می ترفن ورخی نه هیریزی زهد  
 وی ویل :

هینی یه خای به چیرو کو چنیو او بی - «دانو یه تاسو پوری اوه نلری» ارزبته هوسونو، گمراه کوونکو خو دری هفتی وروسته زه یوه هوسونو یسی ولاپم او د هفی د شوم چه هفه زماله خور سر ھې زوری منو خوابم وانه روم-ھو کم. یه تو لکم کر لوست وار.



لهجه رو غیر ورسره وکړ او دا وضعه مړاوی او زېړ ګلان زما د کار په میز «غرضنی» رایا دیدله او د هفني کله هم چې بې بنې ناهو لکیده واقول او شایی واړو له او بې معقولیت می تر نظره کیده نو په زړه خوبیا هم په خوکې باندی کیناستله. لدی چه «کول» قدري وکړی له کې می چېږي ګرڅيدلی.

اوسم اوسم هفه پېغله چه دواتها

پلوشی اريان اريان زهود خوا ته خوا ته تر باران لاندی روانه ده زما کتل او همدا چه «غرضنی» ولاړه له نظره پناه شوی، خو خدا زده چه په خپل بن کې راته لاره خار له.

پلوشه لکه چهل په می شوی وي، له زه ولی تر اوسمه بوری هماغه تکی خایه پورته شوه او وروسته تردی خارم. بنای ماله خپلی ورکسی «غرضنی» سره ددغه پېغله دورته چه زه بې بنې وستایلم ورکی په والی کوم تکی موندلی وي.

زوره وواهه او ولاړه.

نه پو هیږم هیڅ نه په هیږم ...

زه دبلوشنی په تګ هیڅ خواشینی او داسی احساسو م چه هفمنی وروتکیده او پلوشه رانتوه. ما په سره وروسته تر خو دقیقو بې یوه ګونډه نهوم خو همدا چه هر وار می «غرضنی» می تر اوسمه لاره خاری.

نه یواخني بې ماخواب مومند، هن زما ژوند بې هم تربیخ کړ. هو کې هفه ورخ چه غرضنی ماته زما د کار په کو ته کې د خپل او زنسی مینی خر ګندونه وکړه له ماخخه بې دبلي ورخنې په پنځو بجو وعده واخیسته چه سره گزوو به هفني ماته ویلې وچه د بشار نه بېر د هغوي یوبېکلاني او ورکوټي بېن دي. هفه به هلتنه لاره راته خاری او زه بهم ورڅم مایي سره لدی چه د مینسي سوغات او مانه او د هفني د مینی هر کلې می وکړه چه ورڅم به خو لکه ورسره وکړه چه ورڅم به خپل مرګ له هماغسي چه سپړی د خپل مرګ له نیټۍ نه خبر نه وي لدی هم زه خبر نهوم چه سبا به په ماباندی خه پېښه راشی.

سبا دوه بېجی دی چه «پلوشه» راغله او وروسته تر خه شیبې خبرو بې زه دی ته وبللم چه سینما ته ورسره ولاړ شم.

دابلنه نهوم چه په ماباندی د کمر و نو د ډېرودرا کولی کیدو یو باران جوړ شو. آخر ما پنځه بېجی له «غرضنی» سره وعده ایښې وه خو دا خبری می «پلوشی» ته هم بې له شکه د (غرضنی) رقیبه او کولی قدری هم نشوی. که هر خو مره آنی بانی می ورته وکړي هفني ونه منلی او زه نی له خانه سره سینما ته بو تلم.

دفلم په نیماری کې وچه «پلو شی» می ورو لاس په خپل لاس کې ونیو ه

مالاس ترینه بېر ته واخیست هفني تعجب احساس وکړ خو مایي خه پروا و نه ساتله. خکه زه هفه وخت به داسی یوه حالت کې دم چه ته پوهیدم خه وکړم، آخر په پنځو بجو چه زه بې له شکه تر پنځه نیمو چه بیا هم ورو تکید. او چه پورته بجو له سینما نه نشو م وتلي غرضنی می وکتل د (غرضنی) دنګه وندوره په خپل بن کې راته لاره خار له.

آه نور بې نه راته وايم چه هفه په چوکات کې خر ګنده شوه. زما بېه وا لو تله اريان اريان می درخ او شبه په ماباندی خه تیرشول همدو مره ګفايت کوي چه ترسهاره دواړو ته کتل او نه په هیډم چمڅه می هفه شبه خوب ونکړ.

سبا می بیا د کار په خو نه کې وايم. (غرضنی) خوشبی وکتل او ناست و م د ماز دیکر خلور بېجوي بې په زوره تو ګه و کتل او وروتکیده او پلوشه رانتوه. ما په سره وروسته تر خو دقیقو بې یوه ګونډه



# آن ۱۹۵۰

اف، عشیرزاد

## خستگی و راه مبارزه با آن

دیشب خانه خواهرم رفته بودم، روز را با خستگی و خلق تنگی مثل معمول شب خوب خوابیدم و میگذراند و شب هم با همین ناراحتی صبح با خوشی از خواب برخاستم میخوابدم... و با این همه کسالت هنگام خود ردن چای صبح باز هم خانه و زندگی اش را به دیدم که خواهرم میل به خوردن داشت و خوبی اداره میکند.

نیازدارد، خسته و رنگریده و به نظر میرسید.. از نگاهش، از حرکا تشی بیخو صله گی ناشی از خستگی و ملال دیده میشند.. پرسیدم کسالتی داری؟ با صدای خسته و گرفته گفتنه بسیار مانده و خسته هستم و سرم هم درد میکند.. پرسیان شدم و برایش گفتم یک تابلیت مسکن بخور، و چند دقیقه هم استراحت کن حتما خوب میشود... شوهرش که گویا بداین عادت او آشنایی دارد گفت نه گپ خواهert از مسکن تا سرگرم شود و کارهای خانه اش ناراحت و عصبی از خواب بر میخیزد

به معاینه خانه متخصص اعصاب طولانی شدن کار باشد، میتوان با تعویض به کار دیگری آنرا از میان رفته ..  
دکتر پس از معاینه دقیق این برد، زیرا اشتغال به کار تازه‌آثار نسخه را برای خواهرم نوشت، چون علام خستگی را از میان بر میدارد، این نسخه دارای نکات مهم است و بار دیگر نیرو و میل به کار را در آنرا در اینجا مینویسم، زیرا فکر انسان به وجود می‌آورد، وحالته که میکنم که بسیاری از مردم به درد بیشتر گفتم دلزدگی از کار است خواهرم یعنی خستگی مبتلا اندوانی و این حالت با تغییر کار، و اشتغال نسخه میتواند برای رفع ملال و به کار تو از میان میرود.. پس کسیکه خستگی موثر واقع شود.

عدد ای از روانشناسان معتقدند مینماید با تغییر کار یکه به نظر شن که خستگی مفهوم علمی ندارد، از یکنواخت جلوه میکند، این حالت را نظر طبابت حالتی که بتوان آنرا با مشغولیت به کار دیگر میتواند از خستگی خواند، وجود ندارد، اما اینکه میان بردارد..

نوع بی میلی و بی علاقه گی ناشی اما خستگی ناشی از کار و فعالیت از طولانی شدن کار حالتی به بار زیاد بدنش بایک شب خواب آرام می‌آرد که آنرا خستگی میگوییم، اگر از میان میرود.... خستگی ناشی از کار یکنواخت و یا بقیه در صفحه ۵۶

### از لابلای طرح‌های زیبای که برای لباس

شب تر تیب شده بود



ଶ୍ରୀ ମହାତ୍ମା  
ଗାନ୍ଧୀ



دردی از صد ها درد

نشر می نمایم، در نامه تان شما به  
نکاتی که گاهی باعث بروز بسانار احتی  
ها در زندگی خانوادگی میگردد  
بسیار واضح و روشن اشاره کرده  
اند.

وچه بسما که اینگونه پرداختن به  
یک طفل و فراموش کردن دیگران که  
حق دارند از محبت پدر و مادر و  
دیگر اعضای خانواده یکسان بهره  
گیرند ضربه های ناگوار روحی ،  
بروحیه و احساس دیگر خواه ران  
و برادران که خود را از چشم پدر یا  
مادر دور افتاده می بندارند ، پدید  
می آورد ، و گوکیکه خود را فراموش  
شده و یا محروم از محبت پدر و مادر  
خود می بیند ، احساس حقارت  
می تماشد .

## وداشتن اینگونه احساس در

زندگی آینده او نقش زیاد میداشته باشد و البته این نقش که بیشتر جنبه منفی دارد باعث پریشانی و ناپسامانی حیات آینده او میگردد. پس چه خوب است که پدر و مادر در مورد تربیت فرزندان خویش بتعییض پستند بوده، آنها رایکسان موردنمehr و محبت قرار بدهند. تا کودکانیکه بدین سان بدر می آیند در حیات آینده خویش مردمان عاری از حقد و کمنه، حسادت و دوه و زندگ

ر ا ب ا خ و ش ب ي ن ي ن ك ر ي س ت ه و د ر ه س  
گ و ن ه ح ا د ه و ب ي ش آ م د ي ب ي ر و ز و م و ف ق  
ب و د ه و م ر د م آ ن س و د م ن د ج ا م ع ل خ و ي ش  
ب ا ر آ ي ن د .. ا م ي د و ا ز ي م ا ز آ ت ج ا ك  
ش و ه ر ش م ا ه ر د رو ش ن ف ك ر و پ د ر  
م ه ر ب ا ن ي ا س ت ف ر ز ن د ا ن خ و د ر ا ي ك س ا ن  
ب د و ن ه ي چ گ و ن ه ا م ت ي ا ز و ت ب ع ي ض م و ر د  
م ه ر و م ح ب ت پ د ر ي ق ر ا ر ب د ه د . و

## نظریه ما در مورد تربیت فرزندان

یدانم که در پنهان از این  
اصله و تغییر رویه ناگهانی پدر  
نج میبرد. اما نظر به سن و سال  
و دودیگر مشغولیت هزار یاد احساس  
نمیکند.

ندره، میکند، بدر در این روز میگذرد  
خصوصاً دختر کوچکم که تا پارسال  
نه ناز بدر از او بود این از چشم  
فتنیدن ناگهانی را زیاد تحمل  
میکند... روز ها در گوشه ای  
نهایا می تشنیند و با حسرت حرکات  
و ناز بدر را مینگرد و هر بار هم که  
موقع برابر شده یکان چندک و سیلی  
هزغم خودش انتقام خودرا میگیرد  
من هر قدر سعی کردم که اورا با  
رادرش آشتبانی بدھم موفق نشدم،  
بن دو خواهر به خاطر توجه بیش  
زحد بدر از برادر خود متنفر گردیده  
ند و این تفرقه با هر حرکت پدر

میشتر میشود من بار ها نتیجه  
منفی این دو رویه متضاد را دربرابر  
ولاد ها به شوهرم گفته ام. اما او  
عیج به این واقعیت توجه ندارد،  
چون من آرزو دارم که اولاد هایم  
بکسان از محبت پدر بهره گیرند و  
امتیازی نسبت به همدیگر نداشته  
باشند، هن بیوسته سعی میکنم که  
عیجکدا م برتری ویا کمودی نسبت  
به همدیگر نداشته باشند، اما همه

سعی مرا رویه شوهرم باصل میبیند.  
این موضوع را برای این نوشتم تا  
از یکطرف به طرز صحیح تر بیت  
فرزندانم را بگویید و از طرف دیگر  
به امید اینکه شوهرم با خواندن این  
نوشته بی به حقیقت ببرد و یا نا فر  
بیش از حد و اندازه یکی باعث نفاق  
بد بینی، کینه و حساسات دیگران  
نگردد:

خواهرت :

عن ودست آزار شانرا کوتاه میکرد  
اینکه سال گذشته خداوند به  
یسری بخشید . وجود او  
و شیختنی ما را تکمیل کرد . اما در

ه های اخیر نه این بچه سروج  
رشید نمود و با حرکات شیرین  
بود . توجه همه ، مخصوصا پدر  
ا جلب کرد، بیش از حد مورد ناز  
محبت پدر خود قرار گرفته . اینکه  
نیز بینم وجود پسرم باعث خوشی  
موهرم گردیده احساس خوبی مختنی  
میکنم اما نکته ایکه گاهی باعث بریشانی  
حاطرم گردیده ناز و توجه بیش از  
حد شوهرم به او است . صبح که  
ز خواب بر میخیزد تا هنگامیکه  
جبورش میکنم به دفتر بروم با چه  
مرگرم بازی میشود و گاهی چنان  
که دنبال را از فراز

اد میبرد و هم وقتیکه از خانه به  
زخم دفتر هی برآید به قدری او قات  
ملخ میشود که کم میماند گریه  
گنند . واژ دفتر هم چند بار خانه  
بیلوفون میگند وحال بچه رامیبر سد  
من تا این حد دلبرستگی و پابندی را  
سبت به طفل خوش ندارم ... و دیگر  
هم که به خانه آمد تا وقت خوا ب  
جز بازی کردن و ناز دادن بچه کاری

نگذارد. با دختر ها نه هر کدام نظر  
با من وسائل خود به محبت و توجه  
بدر نیاز دارند، کمتر گپ میزند  
این بی توجهی بدر باعث اذیت  
آزار و حتی حسادت آنها گردیده ..  
من بار ها خواسته ام که در رویه  
شوهرم تغییری بدهم و یا دختر ها  
را نگذارم که از این همه پر داشتن  
بدر نسبت به برادر شان متاثر  
شوند. دختر کلان که سالها مورد

خواهر هم شهرزاد :  
من د رمورد تربیة یکی از اولاد  
های خود با مشکل بزرگی رو برو  
هستم ، امید وارم که با خواندن  
مشکل من ، راهی به من نشان بدھی  
من مادر چهار اولاد هستم ، دوازده  
سال از عروسی من میگذرد و من  
در این مدت باشوهرم اختلافیکه  
بسیار بزرگ و باعث نزاع و جنگ  
و جدال دوامدار میان ما گردد ،  
نداشته ام اگر گاهی از هم رنجیده  
ایم ، واين رفعش را ياباگذشت و یا  
لطف و محبت که تهداب اساسی  
زنگی خانودگی است ، از میان  
برداشته و برای استوار نگهداشتن  
بنای باشکوه زندگی خویش با  
همدیگر دست یاری و دوستی داده  
ایم .

شوهرم مرد خوب و فرمیده ای است، اگرچه یا تولد سه دختر یکی بعده از دیگری خانواده اش میخواست که آرامش زندگی ما را با مداخله های بیمورد و یا نقطه ضعف دختر داشتن، برهم زنند. اما شوهرم نه مداخله های آنها را ارزشی داد و نه تولد دختر را نقطه ضعف من بنداشمت، زیرا میدانست که اراده

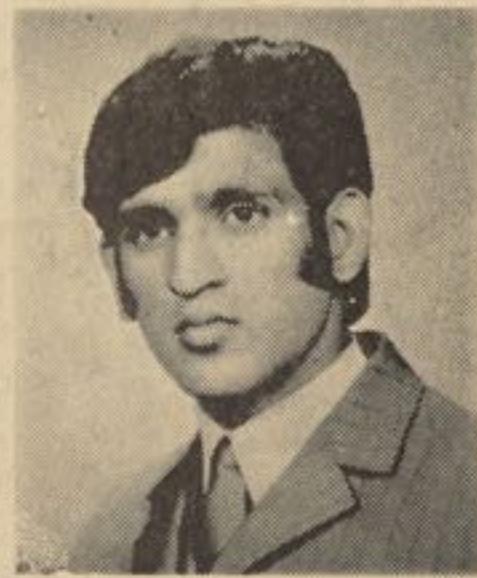
خداوندی چنین است و من در این  
میان تقصیری ندارم، دیگر اینکه  
نزد او دختر و پسر با هم فرق زیادی  
ندارد، و در جواب اعتراض بستگان  
خود میگفت دختر و پسر هردو بنده  
خدا هستند، اگر هردو صالح  
و خوب باشند، چرا غایب پدر و مادر  
استند، پس سرکش هرگز امتیازی  
بر دختر خوب و گپ شنو ندارد،  
اولاد نعمت خدا است حه دختر

تازه به نظر من بسیار عالی و روش تفکر آن‌ه است شما مادری موفق استید . موقیت شما آرزوی ما است .

خواهر گرامی :  
نامه تان را که حاوی نکات ارزنده  
و دلچسپ درمورد طرز تر بیت و  
ـ کم نیست، آوردن که دکان است.

نوجه بیش از حد پدر بود بایافتن  
ین سرگرمی تازه پدر میکوشد این  
خلا را در کنار من یا دختران هم سن  
رسال فامیلی افزیاد برد. اگر چه

چوانيكه از صنف هفت تا  
د واژ ده بدرجات عالي  
کامياب و موفق گردیده  
است



## (بارجال گذشته جهان آشنا شويد)

ويكتور يا

اسكندر

ملکه الکسا ندر یناو یکتور يا:  
اسکندر کبیر در سال ۳۵۶ قبل از  
میلاد متولد شد .  
امیرا طریس انگلستان و آیر لند  
پدرش فلیپ مقدونی پادشاه  
و تنها فرزند ادوارد پسر چهارم  
مقتدر و بزرگ یو نان بود .

جورج سوم در ۲۴ مه سال ۱۸۱۹ در  
اسکندر در ۱۶ سالگی و لیعبد  
کشور مقدونیه شد . در ۱۸ سالگی  
مقام سو داری کشور ش را بدست  
آورد و در ۲۰ سالگی به سلطنت رسید  
فلیپ بزرگترین فیلسوف و حکیم  
زمانه یعنی ارسطو را پر بیت و سر  
پرسنی پرسش گماشت .

اسکندر با فرا سرت تعلیم از سطرو  
رامیا موتخت ، اما با آراء و عقاید ارسطو  
در باره آزاد یخواهی و دموکراسی  
مخالف بود .

اسکندر پاچند جنگ یا ایران  
توانست که بر تمام ایران مسلط شود  
بالاخره اسکندر در سن سی سالگی  
در بابل در گذشت .

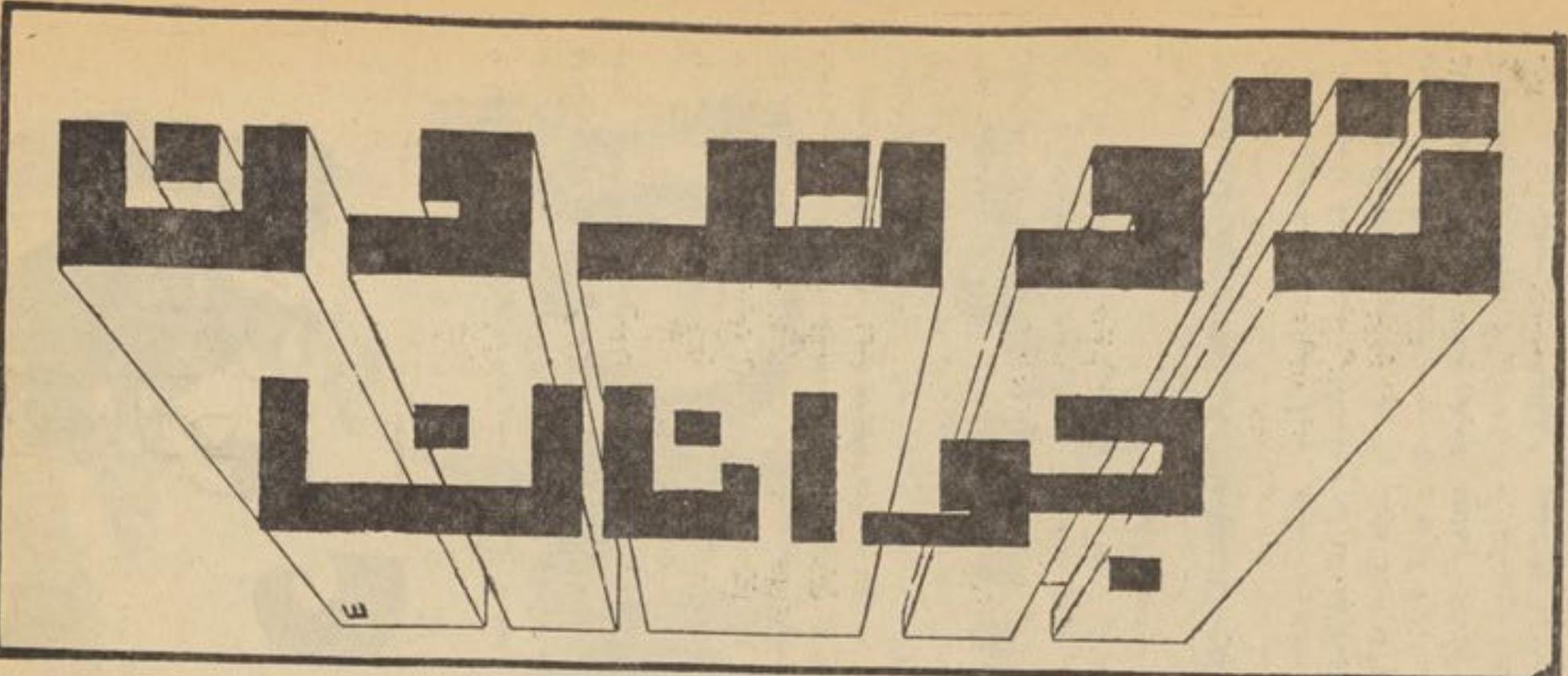
این جوان فتح محمد شیر زی  
فارغ التحصیل لیسه غازی میباشد.  
در پیشبرد خود را پیشبرد ؟

مجله رُوندون برای تشویق جوانان  
جای شک نیست که در پهلوی  
اصحابه کو تاهی باوی بعمل آور  
که اینک از نظر خوانند کان ارجمند  
دوره تانوی موفق نبوده باعث ناکامی  
آنها میگردد و ادامه تحصیل برایشان  
مشکل گردیده و تحصیل شان نا  
تمکیل میماند .

شما گفته میتوانید که مشوق شما  
در زندگی کیست و چطور تو نسته  
اید که از صنف ۷ تابه صنف ۱۲  
بدر جات عالی موفق شوید ؟

مشوق من در زندگی اولا اولیا  
در آن صورت میتواند در هر دو موقف  
خود حایز در جات عالی گردد .  
زمینه را برایم مساعد ساخت که  
بدر جات عالی موفق گردم از جانب  
دارید ؟

دیگر اگر یک جوان به آینده خود  
علاوه داشته باشد واستعداد داشته باشد  
خود را وقف یک هدف که عبارت از  
نهم تدریس میشود شاگرد بصورت  
خود را به مطالعه آثار علمی صرف  
کنده این عمل بیشتر دامنه معلومات  
آنبارا وسعت بخشیده برای زندگی  
تحصیل علم است بسازد مو فقیت  
عموم در تمام موضوعات علمی وارد  
میشود بعد از صنف نهم شاگردان  
واقعی را نصیب خواهد شد .  
به نظر شما یک جوان آیا میتواند  
به رشتہ های اختصاصی نظر به  
آنده آماده میسازد .



# ورزش جودو



## در جستجوی دوست

وعکس و آدرس مرا در آن مجله  
محترم به چاپ رسانید .  
نام و نام خانوادگی منوجه  
بالا نجی متولد ۱۳۳۱ دانشجوی  
سال اول راه و ساختمان آدرس -  
ایران  
اهواز  
ایستگاه کارون انسٹیتو تکنولوژی  
دانشجوی سال اول راه و ساختمان  
منو چهر بالا نجی از لطف شما  
متشرکم .

۰ ۰ ۰  
مایل تا با خواهران و برادرانیکه  
به شعر - ادبیات و موسیقی علاقه  
داشته باشند مکاتبه نمایم .

آدرس : هرات - لیسه سلطان -  
صنف یازدهم - غلام جیلانی باد  
مرغانی - لبیب هروی .

۰ ۰ ۰

علاقه مند به ادبیات، جمع آوری  
تکت پستی آرزو هندم که برا دران  
خواهران افغانی و ایرانی به لسان  
های پښتو - دری و انگلیسی همراه  
مکاتبه نمایند و مفتخرم سازند.

آدرس : شیر غان جوز جان  
ارگندی قر طاسیه بلور نخی ظا هر  
شاهی وات میر عبدالکریم (عشرف)

۰ ۰ ۰

اینجانب عبدالقدیر قیو می  
میخواهم که با برادران و خواهران  
عزیز افغانی و ایرانی به زبان های  
پښتو، دری، وروسی مکالمه نمایم.  
آدرس ، مکتب لیسه این یمین  
هدایت امجله ژو ندون  
جوز جان (شیر غان)

نام من محمود شعیبی است  
وهجه سال دارم، امیدوارم هرچه  
زود تر نامه های شما خواهان و  
برادران عزیز افغانی را دریافت نمایم  
عن به موزیک، سینما و جمع آوری  
تمبر و کارت پستال علاوه خاصی  
دارم. لطفاً الان برای نامه بنویسید.  
در انتظار نامه های گرم و صمیمی  
شما به زبانهای انگلیسی یافارسی .  
محمود شعیبی صندوق پستی ۴۷  
تریت حیدریه ایران .

محترماً به عرض میرسانم. چون  
اینجانب یکی از طرفداران مجله  
هفتگی خوب ژوندون بوده و هم چنین  
علاقه زیادی به کشور همسایه و  
هم کیش خود افغانستان دارم لذا  
مایل با خواهران و برادران هم کیش  
افغانی مکاتبه نمایم. لذا از سردبیر  
این مجله خواهشمند که مشخصات

خوانند گان ارجمند و گرامی  
ژوندون !

ما آرزو داریم در سال روان برای  
پیشبرد مفکره های ملی، اجتماعی  
اقتصادی، فرهنگی، سپورتی  
وغیره و بر موضوعات مختلف حیاتی  
روشنی اند خته و همیز مدور را بوجود  
آورده و مطالب مختلف را مورد بحث

قرار داده با استفاده از مفکره شما  
جوانان بر معلو هات خود با فزایم.  
آدرس : انصاری وات مطبوعه دولتی  
ادرس ، مکتب لیسه این یمین

هدایت امجله ژو ندون  
جوز جان (شیر غان)

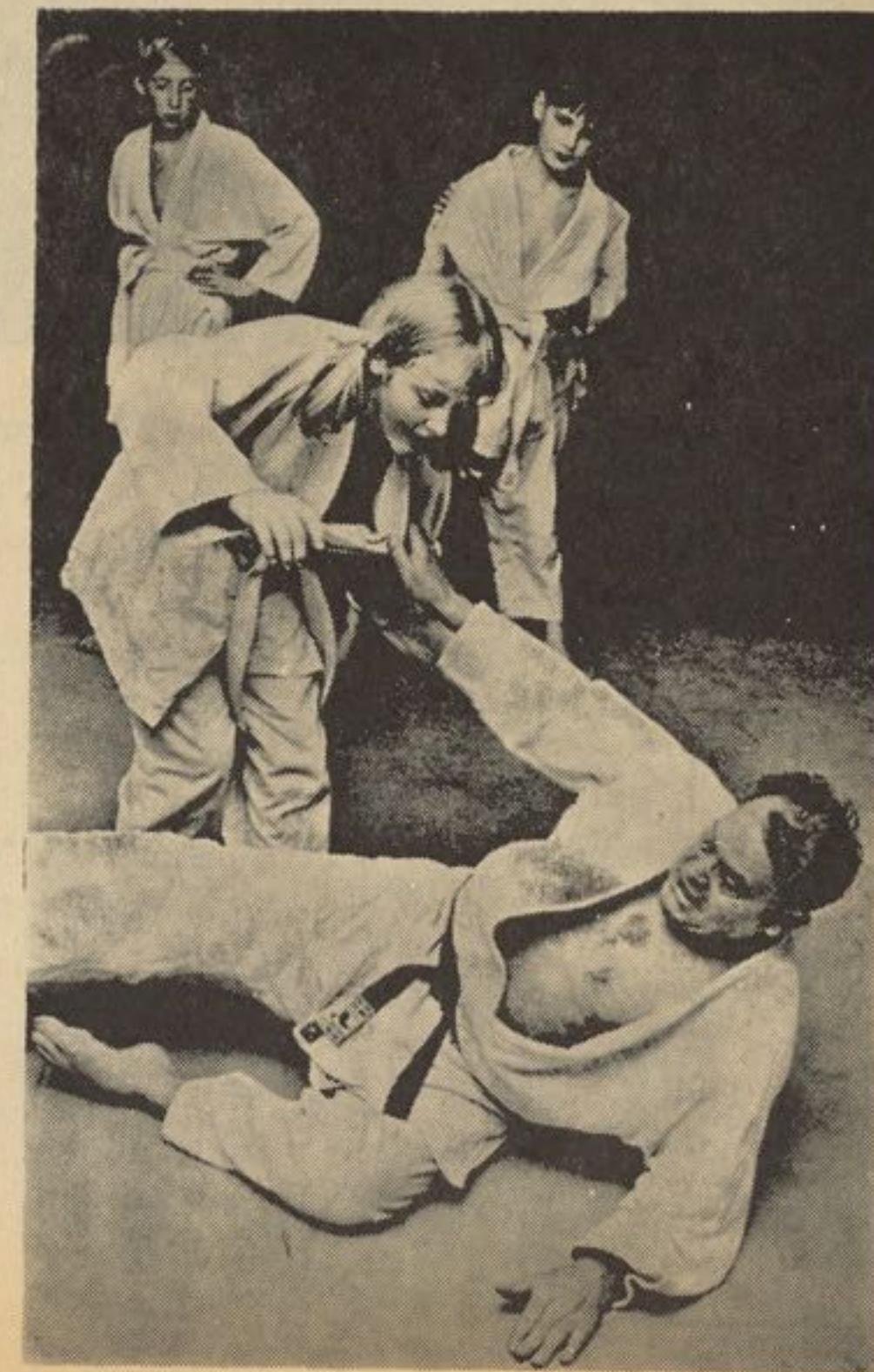
کمیته هم این رشته را به خاطر  
مردم جایان و تلاش های عجیب آنان  
در راه بر گزاری المپیک ۱۹۶۴ در  
ردیف سایر رشته ها قرار داد .  
کیفیت جودو : -  
سرعت عمل و آشنا ساختن نقاط  
مخصوص بدن با انواع ضربه ها، به  
عکس همه رشته های ورزشی در  
کشمکشی جردو گر فتن لباس خطأ  
محسوب نمی شود قدرت در این ورزش

با اندازه کشته های آزاد و فر تکی  
حسا سیت ندارد، در این ورزش  
آمادگی بدن و آشنا بی به ریزه  
کار یهای فنون و گر فتن و اجرای  
صبح آن فوق العاده مورد نظر است  
نوعی از این ورزش در امریکا متدالو

است به نام (کج) که اجرای تمام  
فنون در این ورزش آزاد است، مشت  
ردن، کشیدن اعضاء کشمکشی "کیس  
مقابل در جهت مخالف ورسا نیدن  
هر نوع آزار واذیت .

کشمکشی جودو در باز یهای المپیک  
در چهار گرو انجام شد. چاپا نیها  
درسه گروه برنده شدند و کشمکشی  
کیم معروف هلندی به نام "کی زنبک"  
درستگین وزن به مقام اول رسید.

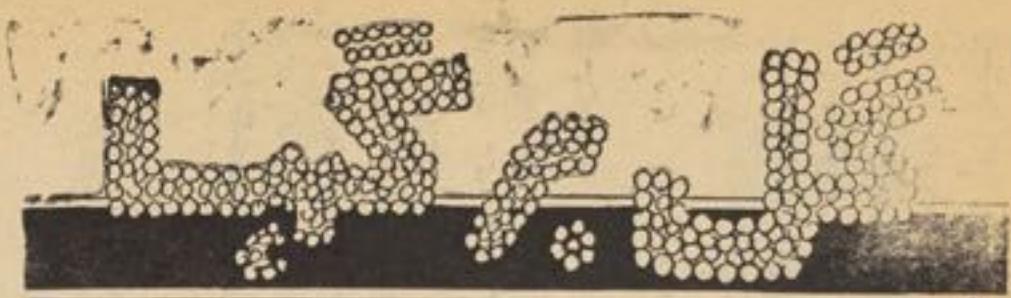
اصل و اساس این ورزش را رابا آنان یاد دادند .  
بانیها بنیان نهاده اند. جودو فن  
مبارزه در برابر حمله ناگهانی است ورزشی باز یهای المپیک نبود.  
و در حقیقت این ورزش می بازد که جایا نیها نمایند گانی به کشورهای  
چکونه بدون اسلحه از خو یشتن جهان بخصوص اروپا گسیل داشته  
دفاع کنیم .  
از شرق دور این ورزش به اروپا ورزش طرفدار و هوا خواه داشته  
و امریکا یهای آموختند و ورزش جودو باشد .



از عظیم نیازی

## آب دیده

مرا ز سوزو گداز یکه در نهان منست  
گواه ظاهرم اینه نگ زعفران منست  
  
 بیاو حال دلم را ز آب دیده بپرس  
که قطره های همین قلب خون چکان منست  
  
 چودید زخم دلم را نشان تیر بلاست  
بغمراه گفت همین تیر از کمان منست  
  
 هزار دیده و دل فرش راه کردم و حیف  
چرا غم‌حفل غیر سرت و خصم جان منست  
  
 در بین آهی و حشی که هیچ رام نشد  
قصور چشم من پای ناتوان منست  
  
 زآشنا بی یک رو زه اش خراب شدم  
بهار عمرستم دیده خزان منست  
  
 زجور و درد و غمش عمرها ستد دل شب  
صدای ناله مظلوم در فغان منست  
  
 ندیده دور فلك غمکشی چون من که همه  
جفا و دروغم گلر خان ازان منست  
  
 به سوز و ساز نیازی هر آنچه هست ببین  
رشعله های جگر خنده بر لبان منست



## دماغ بهار

دماغ بهار آنقدر سرخو شست که تابان طاوس ساغر کشست  
پیرواز اند یشه این بهار نفس بال طوطی کند که آشکار  
زسر سبز ش گر نما بیان شود سبزه تر، زبان در دهان  
حدیث هوا گر کند خامه سر شود سبز تخم نقطه در نظر  
زابر بها ری بکوه و کمر زبس کرده رنگ طراوت اثر  
بساط چمن بیخو دی گردنه ساز که از سبزه دارد رگ خواب ناز  
نگه تا بسیر چمن مسی رو د چو بوی گل از خو یشتمنی رود  
زجام گل ولله در سیر با غ تماشا دوبالا رساند دماغ  
زنظار کی آنقد رداشت شرم  
که گل شد گلاب از نظر های گرم

## قسم

به روی تو ایماه تابان قسم به مهر توای بدر ر خشان قسم  
به لعل گبر بارت ای ما ره که چون گل بود شادو خندان قسم  
به زلغان آشته و در همت که گردید هچون من بریشان قسم  
به اشک دو چشما نخوب نبار من که بنشسته دائم بمژ گان قسم  
به اشکی که از دیده عاشقان بربزد چوابر بهاران قسم  
اگر آنچه گفتم نداری قبول به حق و حقیقت به و جدان قسم  
که جز مهر تودر دلم نیست، نیست  
به یکتا بی ذات بیز دان قسم

## نهیم نوروز

بر چهره گل انسیم نو دوزخو شست  
در صحن چمن روی دل افروزخو شست  
ازدی که گذشت هر چه گویی خوش نیست  
خوش باش وزدی اگر که امروز خوشست  
«خیام»

# افسانه دل

## در توصیف بهار

رشحه ابر بهاری سوی گلبرگتری  
باغ راکوهر نشان کر دوچمنزار عنبری  
آن چو خو نین دیده عشق در شام فراق  
وین چومشکین طره دلبر بو قت دلبری  
از طراوت صحن بستان، وزصفا، آب شعر  
آن همی دعوی رضوانی کندوین کوئری  
خاک گلشن بین که از نیلو<sup>لوف</sup> و سوسن شده است  
از صفاوآب، رشک گندید نیلو فری  
یافت گویی شوخ چشمی های نرگس را که کرد  
چتر نسترون، عروسان چمن را زیو ری  
باغ پندا ری یکی برج است پر اختر همی  
گونه، گونه گل در او هریک نموده اختری  
لاله پندا ری یکی برج است پو گوهر همی  
قطره، قطره زاله اندر وی نموده گو هری  
باغ بزم عیش سلطانی بپارست و کنند  
بزم اوراغنجه مینایی، شقایق سا غری  
ای برادر تاز کف ندهی بمنگامی چنین  
جام می از بیم رسو ای و خوف دا وری  
همجو سرو آزاد باش و چون شقایق جام گیر  
نی چومینادل پراز خون شوزبی سیم و ذری  
لاله رنگین که جام باده بگذار دزد سست  
در کفش جز باده چیزی نیست چون خوش بنگری  
نرگس مسکین که دائم سرگودانست از شراب  
پنج و شش درهم فزانتر نیستش گر بشمری  
باد تاروی گل و گیسوی سنببل در چمن  
همچوروی و هوی جانان نیست اندر دلبری  
روز اعدا یت چو سنببل روی یا رانت چو گل  
از چه رو از تیره زویی و ز چه از نیک اختری



ای رو شن از فرو غ ر خشت خانه دلم  
نقد غم تو گنج بویرانه دلم  
از غم مراچه بیم که هست از حريم و صل  
صد روزن امید به غمخانه دلم  
پیش از اسا س گندید فیرو زه سپهر  
عشقت کشیده رخت بکاشانه دلم  
مشعل فر و ز بزم چنانست روی تو  
زین آتش است سوخته پروا نه دلم  
فردا که نم رسد بکلام زابر نوبهار  
روید گیاه مهر تو از دانه دلم  
هردم ز شوق لعل تو ام دیده ساغر یست  
پر کرده از تر شبح ییما نه دلم  
اجزای نظم و نثر که «جا می» نوشته است  
جز وی حکایتی است زا فسانه دلم  
(از اشعار نایاب جامی)

شعر معاصر از فریدون هشیری

## سلام بهار

شکست وریخت بخاک و به باد دادم را  
چنانکه گویی هر گز کسی نزادم را  
با همین دید کان اشک آسود  
مرا بخاک سپردن دارد و گذشت.  
از همین روزن گشوده به دود  
تکان نخورد درین بیکرانه آب  
از آب  
ستره می تابید،  
بنفشه می خندید،  
زمین بگرد سر آفتانه گردید!  
همان طلوع و غروب و همان خزان  
و بیهار  
همان هیا همو  
جاری یکوچه و بازار  
همان تکاپو،  
آن گیرو دار،  
آن تکرار!  
همان زمانه که هر گز نخواست  
شاد مران!

از سید محبوب شاه (شامل)

نه مهر گفت و نه ماه  
نه شب، نه روز، که:  
این رهگذر که بود و چه شد؟  
نه هیچ دوست، که:  
این همسفر چه گفت و کجاست؟  
میان این همه مردم یکی نمی دانست  
که این گستته، غباری بچنگ باد هرسو دمیده زنبق و سوری وارغوان  
و جدو سرمه چکد از چبره ای گلاب  
تو، ای سپرده دلم را بدست  
بلبل بپای هر گلی زیباست در فغان  
درشا خسار فاخته می گفت با نسیم  
نمی ظلم دی بماند و نی آفت خزان  
دو قطره،  
پنهانی  
شبی که با تودرا فتد غم پشیمانی - خوب و بد هر دو بگذردو نیست جاویدان  
سرشک تلخی در مرگ من می افشاری  
تویی - همین تو، که می آوری به جز آنکه نام نیک برداخود از جهان  
محبوب خلق گردد و محسوب دوستان  
یاد مرا  
(انتخاب «مشعل هنریار»)

# شادینامه آفرین بزرگ جهان ها



« در عصر لویی چاردهم، دلبستگی به نظم و قاعده، در همه پدیدهای زندگی مردم فرانسه، از جمله هنر و ادبیات، انعکاس یافت. از همین رو، نقدگران ادبیات

در تلاش شدند تا پدیده های ادبی را در چارچوب قاعده ها و اصول بگنجانند و چون خود نتوانستند قاعده ها را در چارچوب قاعده ها

واصلهای کامل تازه بی رابه میان آرند، به گذشته ها روی آوردند و وحدت های سه گانه را احیاء کردند. »

چوب قاعده ها و اصول بگنجانند و فراوانی نشان داده شد. واین زمینه تیاتر بودند. در همین زمان که بیست چون خود نتوانستند قاعده ها و خوب، انگیزه آن گشت تانمایشنامه ویک سال داشت، به کار تیاتر اصلهای کاملاً تازه بی رابه میان آرند پرداخت پسانتر ها با خانواده خانه نویسان چیره دستی چون مولی یوسفی آوردن و وحدت های بگذشته هاروی آوردن و وحدت های بدوشی آشنایی بر قرار کرد و دلبسته دختر این خانواده شد که مادلین بزار سه گانه را احیاء کردند بدینصورت داکتر فر حان در باره مولی یوسفی آوردن و وحدت های خانواده بزار پیوست این دسته تیاتری دسته خا نواده نامیده میشد و لی مولی یوسفی آرند دسته شهیر گذاشت.

فرحان تو ضیع داد :  
— باید گفته شود که دلبستگی مولی یوسفی به تیاتر، ریشه قدیمی داشت واز دوران کودکی وی سر چشم میگرفت پس از پیوستن به دسته خانواده بزار دوران بازیگری او به صورت کامل آغاز شد. مولی یوسفی سال تمام از رقابت دوسته دیگر (دسته تیاتر لوماره و هوتل دو بور گونی) به رنج بود. سر انجام مولی یوسفی شکست خورد اواز عهد پرداخت قرضهای سنگین نتوانست برآمد درنتیجه، برای چار روز به زندان رفت پسانتر، بادوستانش از پاریس بیرون شدو تقریباً سیزده سال را عمره گروه نمایشی خودش به دوره در عصر لویی چار دهم به نمایش گردی در شهرهای گونه فرانسه شدند تا پدیده های ادبی را در چار

درین عصر، اگرچه برخی از نام اصلی وی «دان با تیست نویسنده گان»، از کار بود اصل پوکلین» بود پسانترها که به بازیگری پرداخت، نام مولی یوسفی آوردن و خود بود گرفت

این نویسنده بزرگ، در سال ۱۶۲۲ میلادی در پاریس به جهان آمد. ده ساله بود که مادرش مرد پدرش اهل بازار و تجارت بود. مولی یوسفی نزدیکی ازدواستان پدرش به دانش آموخت و داشت بعدتر مولی یوسفی به تحصیل حقوق پرداخت واز پدرش جدا شد. این جدایی تا پایان زندگیش ادامه یافت مولی یوسفی پیشنهادی از اکادمی فرانسه نقشی در رشتہ بازی کرد. این اکادمی حتی برای تنظیم ویگانگی زبان فرانسوی دست به تهیه فرهنگ و دستور زبان فرانسوی زد.

فرحان گفت :  
— تعمیم اصل و قاعده در ادبیات، ایجاب تاسیس ممتاز مانها و آموزشگاه های هنری را میکرد. چنین سازمانها و آموختگاه هایی به میان آمد و درین زمینه اکادمی فرانسه نقشی بر جسته بازی کرد. این اکادمی حتی برای تنظیم ویگانگی زبان فرانسوی دست به تهیه فرهنگ و دستور زبان فرانسوی زد.

فرحان گفت :  
— در عصر لویی چار دهم به نمایش مولی یوسفی روزی تصا دفای با خانواده گردی در شهرهای گونه فرانسه شدند تا پدیده های ادبی را در چار

گفت و شنود این هفته مان باداکتر (نعمیم فرحان) در باره زندگی و کارنامه های شادینامه آفرین بزرگ، یعنی «مولی یوسفی» است. مولی یوسفی در شادینامه آفرینی اروپا، دوره نوینی را آغاز نماد.

دکتر «فرحان» در تحلیل شرایط عصر مولی یوسفی مصروف عصر لویی چارده است. درین عصر، که در تاریخ ادبیات فرانسه از جی بزرگ بدان میدهند، در پهلوی مولی یوسفی کسانی دیگری نیز به میان آمدند که آوازه جهانی یافتنند. از جمله میتوان در زمینه ریاضیات از پاسکال و در زمینه ادبیات از کورنی و راسین نام برد.

فرحان درباره پس منظر این عصر گفت:

سردم فرانسه سده هفدهم، پس از سا لها کشمکش و ستیزه داخلی خود شان را نیاز مند به یک دولت مرکزی نیرومندیافتند و لویی چاردهم با خصلت خود را بی و خود طلبی که داشت، بدین نیاز مند پاسخی میتوانست بود. عملیه پدید آمدن یک دولت مرکزی در فرانسه، از زمان لویی سیزدهم آغاز شده بود، اما تشكل آن در عصر لویی چار دهم صورت گرفت. درین زمان دلبستگی به نظم و قاعده، در همه پدیده های زندگی مردم فرانسه، از جمله در هنر و ادبیات، انعکاس یافته است. از همینرو، نقد گران ادبیات، در تلاش نمایشنا مه نویسی، دلبستگی بی آشنا شد که همه اعضای آن بازیگر سیری کرد. هنگامی که به پاریس



این تصویر که در هزار میلیون کمیدی  
فرانسیز موجود است، (مولییر) را  
در نهایشنامه «اسکپن نشانه» دارد.

دیگری گرفته است، باز هم نوشته  
غافی نساخته است. زبان آدمهای  
های جاوید این این نویسنده بزرگ  
زینت بخش نمایشنخانه های سراسر  
گیتی است و شلاق استهزا ای او بر  
حصنهای نکو هیده آدمیان فرود  
میاید.

(پایان)

مردم افزایش مییافت، شماره  
دشمنانش نیز فروتنی میگرفت  
نوشته های او آموزنده است. مولییر  
حقیقت را دوست دارد و برای تمیز  
رشت وزیبا و خوب بود، تماس ب  
قشر هاو طبقات گوناگون جامعه ر

لازمی میداند آدمهای که او آفرید

مولییر در کارهایش به کاوش

چنان زنده و سرشار از حیات هستند

که هنوز نامها بیشان برسر زبان نهای

فرا نسوان یان است. مولییر به زبان

فرانسه خدمتی بزرگ کرد چنانکه

میگویند هیچ کسی همچون هو لی بر

زبان ادبی و زبان تعاری فرانسه را

غافی نساخته است. زبان آدمهای

او را مو قف این آدملا در جامعه،

هما هنگی دارد.

دکتر «فرحان» افزود:

- امروز که در حدود سه صد سال

هر قدر محبویت مولییر نزد از مرگ هو لی بزمیگذرد و جهان رنگ

را در اختیار مولییر گذاشت و هنگامی  
که این عمارت را به منظور آباد کردن  
بنای دیگری ویران کردند، لویی  
چارده مولییر و دسته اش را در باله  
رویال کاخ شاهی جادا و سالانه  
شش هزار فرانک برایش مقرر کرد.  
«فرحان» گفت:

مولییر در کارهایش به کاوش

ضمیر آدمی برداخت و گوشه های

تاریک روان اورا جستجو کرد و درین

کار، شاید بتوان گفت، که تا آن زمان

بغیر از شکسپیر کسی را هم پایه

مولییر سراغ نمیتوانیم کرد.

او تقریباً سی نمایشنا مه نوشته است

که بسیاری ازین نمایشنا ها، به

رسم آن زمان، پنج پرده دارد. درین

میان نمایشنا های زنان فضل

فروش بیمه، تارتوف، طبیب اجباری

مریض خیلی خسیس و میز نتروپ

آوازه جهانی را داراست.

فرحان گفت:

- هر قدر محبوبیت مولییر نزد از مرگ هو لی بزمیگذرد و جهان رنگ

برگشت، سی و شش ساله بودواز  
نگاه ازو تو تجربه اندوخته تا زده

داشت و آوازه بی نیز به دست

آورده بود. در سال ۱۶۵۹، یک

شادینامه وی به نام زنان فضل

فروش بیمه، سخت مورد استقبال

مردم پاریس قرار گرفت و حتی

آنگاه بیمه آن شد که نوازنده لویی چاردهم

را به سوی مولییر جلب کند ازین

به بعد، به تشویق لویی چاردهم،

نمایشنامه های بسیاری نوشتم.

دکتر فرحان گفت:

نمایشنامه های مولییر از زیبایی

عصر را مسخره میکرد. چنانکه

میگویند نمایشنا مه مکتب زنان

نمایشنا مه مکتب بی عصمتی بود،

نمایشنا مه تاز توف رویه شیطانی

داشت و دون زوان تکر آمیز بود. از

همینجا سست که! وی چارده با همه

قدرت اجازه نمایش تار توف را

نتوانست داد. حتی هنگامی که

مولییر مرد، روحانی نیان نمیگذشتند

که جسد او در گورستان مسیحیار

دفن شود. تاینکه لویی چارده

فرمان ویژه بی صادر کرد و درنتیجه

وی را در گورستان سن زوف

پاریس به خاک سپر دند.

فرحان گفت:

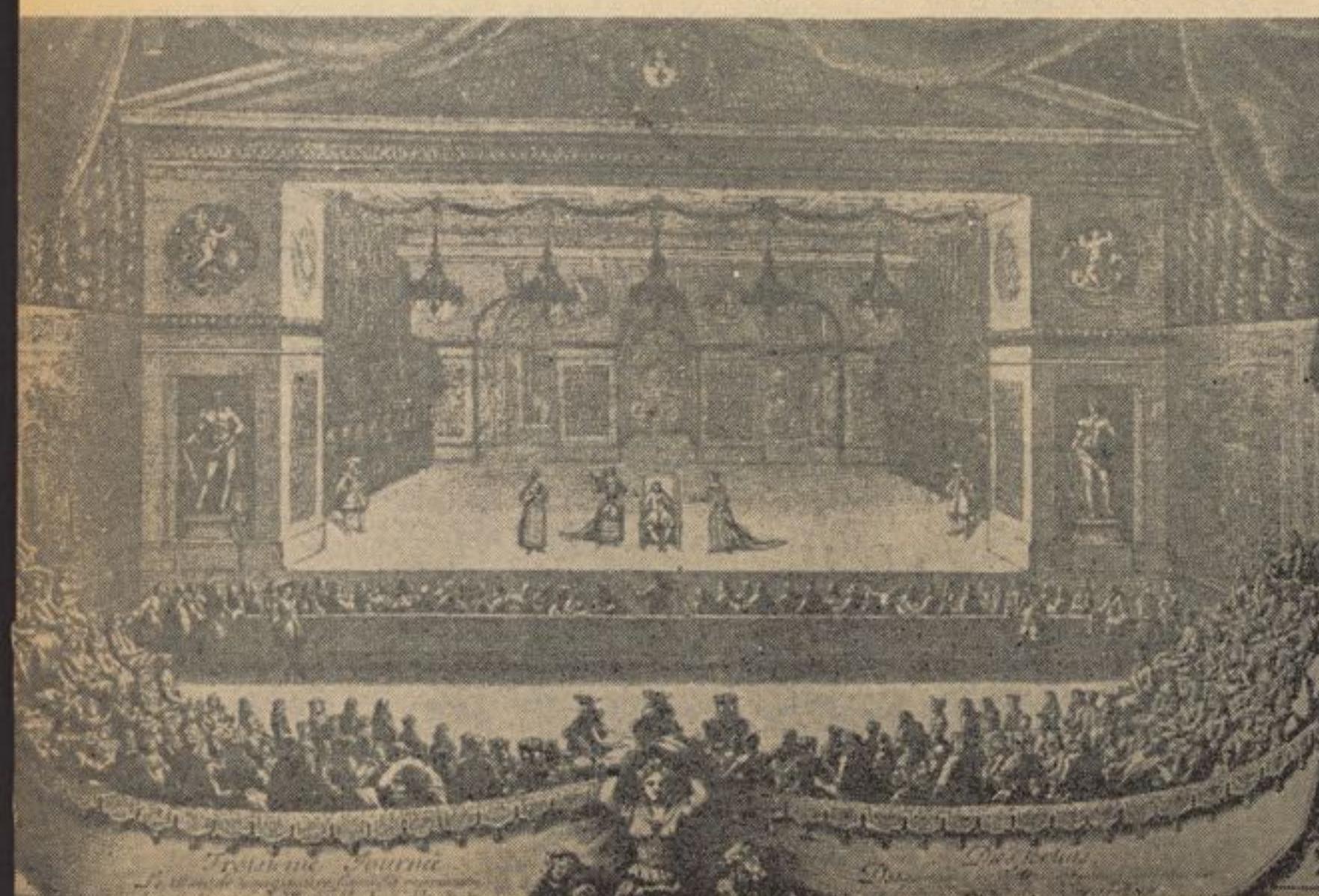
- لویی چارده، نخست در سال

۱۶۵۸ میلادی، تیاتر بوئی بور بور

تصویری که در هزار میلیون کمیدی

فرانسیز وجوددارد نمایش «مریض

۱۶۷۴ نشان میدهد.



# کابوس یک نیمه شب

تر جمهه مسعود راحل

نوشته: جین میلر

به همکاری باربارا جین میکل

این داستان فشرده کتا بیست بناه ۸۳ ساعت تاطلوع که در شماره ۱۹۷۲ بیمجله ریدرز دایجست انتشار یافته گوینده یا شخصیت مرکزی همان بار بارا میکلا است که ماجرا یش را بازگو میکند.



اگر من بالای آرنج هایم هم بلند  
میشدم سرم به آن برخورد میکرد.  
اما من بیک جانب خم شدم و تقریبا به  
خودم پیچیدم تا توائیتم رسما ن  
پاهایم را باز کنم.

فکر میکنم سه چهار دقیقه تمام  
همانطور باقی ماندم.  
بعد یک بالش نرم همراه با چند  
ورق هدا یات که با حروف درشت  
تایپ شده بودیدا کردم درورق اول  
نوشته بودند.

— لطفاً دستیارچه نشوید. اینجا  
شما کاملاً محفوظ هستید. حالا شما  
درین یک کپسول شیشه‌ای که توطی  
سلا چوب بهم فشرده احاطه گردیده  
قرار دارید. این کپسول در نزدیکی  
خانه ای که ما ربانده گان شما

سکونت داریم مدفون شده کپسول  
هنوز می‌تر سیدم ولی حالا کوشیدم  
برداشت هنوز نیمه خواب بود. اما  
باشندیدن این خبر بعثتا سر جایش  
من رسماً را به آسانی از دست  
دیگر از متعلقات فامیل میکل تماس  
گرفت.

— اف بیای را فوراً خبر کنید  
بگوئید همین الان بیایند. بر علاوه  
موضوع رابه هیچ کس دیگری نگوئید  
تاقضیه روشن نشده مطبوعات را هم  
واقعاً وحشتناک بود. من تلا کردم  
بطری ها را ضعیف میسازدو بدین  
ترتیب احتمال حیات شما کمتر  
میشود.

— انج بالای سرم قرار داشت. حتی  
هم چنان در باره محتویات کپسول

چند لحظه بعداز آنها یک مامور  
تحقیق فراز مید تا استنطاق قضیه  
رابه عینده بکیرد و دو مامور پولیس  
موتل راترک گفتند تاسری به چمن  
عشاق و محله های دور افتاده ای که  
پسرها و دختر های جوان اکثر اباهم  
میرفتند بزنند. و یا جاهایی که ممکن  
یک منحرف قر بانی اش را برد چند  
ساعت بعدیکی از دوستان فا میلی  
میکل فرار سیدوبلا فاصله با پدر  
باربارا در هوتل کی بسکین یکی  
دیگر از متعلقات فامیل میکل تماس  
فرار گردد بود.

دومامور در باطن از خود شان می  
برسیدند که آیا ممکن است باربارا  
به خواست خودش با آنها رفته باشد  
آیا این واقعه هم یکی از آن شو خی  
های محصلان یونیورستی نبود. یا  
باربارا با دوست پسرش فرار کرده  
بود. آنها ازین امر که پدر بار بارا  
یک میلیون و صاحب یک شر کت  
تعمیراتی در قلور یدا بود، چیزی  
نمی دانستند بار بارا برای آنها  
با آن دختر های جوانی که بارهای  
مشوق شان فرار گرده بودند فرقی  
گفتند. من مرتب چیغ میکشیدم و

تشریفات مفصلی نوشته بودند. یک طرف زباله که در آن محلول های کیمیاگری انداد خته بودند تاز تعفن جلو گیری شود. یک طرف آب نوشیدنی، چند پاکت شرینی، سیب و یک کمیل بر علاوه چند تابلیت مسکن و خواب آور.

در پایان کاغذ نوشته بودند. سما اطمینان داریم پدر شما پول خون بهارا می برداد و اگر هم نیرداده ماشما را آزاد میکنیم. پس آرام و راحت باشید. ماقول مید هیم روز گرسنگ شمارا به خانه تان برسانیم.

من ورقه‌های رادو باره خواندم ولی هنوز کاملا همه چیز را درک نکرده بودم راستی برای من مشکل بود همه اینها را باور کنم. من از خودم می پرسید خدای آیا من بالا خره همینجا خواهم مرد؟ آیا مردم پیش از اینکه نمیرند مرد گذاشت احساس میکنند و آیا این احساس شان اهمان احساسی است که من حلالدارم.

و بعد افکارم به مادرم متوجه شد. آیا آنها به مادرم صدمه زده بودند؟ در حیالم قیافه مادرم راکه به پدرم تلفون می زد مجسم میکردم.

مادرم هر نمره را با هیجانی زد. و بعد به عکس العمل پدرم فکر کردم شاید در آن لحظه اشک در چشم هایش جمع شود. ولی او مطمئنا به خودش اجازه نمی داد همینطور بنشیند و گریه کند. مطمئن بودم پدرم به سرعت دست بکار نمیشد.

با تعجب تمام من در مورد غرق شدن هیچ تشویشی نداشتم من هنوز هم باور نمیکردم درین آب قرار داشته باشم. گرچه حالا داخل صندوق مرطوب بود. من کمیل را بلند کردم جمعا ۳۶۰۰ ثانیه که دو چند آن میشد ۷۲۰۰ ثانیه حالا من شروع کردم به حساب هر عدد را با تانی و دقت تلفظ میکردم وقتی به ۷۲۰۰ رسیدم مکث کردم و منتظر آواز پاشدم.

۱ - استعمال چراغ بطری راضعیف میسازد.

چراغ بالای سرمه سفید و در خشان است در حساب اشتباه کرده باشم. بود درست مثل چراغ های در خت و به این دلیل من دوباره از ۶۰۰۰ شروع کردم و بار دیگر به ۷۲۰۰ رسیدم. پس حالا آن دو ساعت حقیق بالاخره وحشت عجیبی هرادر بسر گشته بود. و در این لحظه بود که معمولی بود. بعد ساعت ۹:۱۰ تلفون که.

درخانه میکل الایت برادر بزرگتر می آیم.

هرراه با ویلیام یکی دیگر از توضیحات در باره چگونگی پرداخت مامورین شرکت دلتونا بابی صبری خون بها بعداز نیمه شب نشر اعلان کشیک میدادند. تلفون چندین بار به اطلاع آنها رسانیده میشد.

تصدای در آمد امامه تلفون های در بیان هم چنان اختار داده بودند گرفت. من حتی در کودکی هم از

بار دیگر زنگزد. ویلیام گوشکرا باعجله برداشت صدای یک مرد از آنطرف پرسید. رابررت میکل؟ ویلیام گفت.

- نه ایشان در راه اتلانتا هستند. سخوب! برایشان بگوئید در کنج در آن حال از فرط یاس با خودم شمال شرقی خانه در بای در خت خرمایک توته سنگ قرار دارد.

گفت. - آنها پس نمی آیند... آنها دیگر بهزیز این پارچه سنگ در عمق شش انجیک نکاهی بگنند.

ویلیام با دستپاچگی گفته های او را روی کاغذ نوشت.

رابررت میکل با شنیدن خبر احتطاف دخترش فهمید که اینکار اینقدر عجله نکنید! من درست نفهمیدم. در آنطرف تلفون برای لحظه ای مکث شد

بیکرا نش او طعمه گوارا بی برای جنا یتکاران سنا خته بود. رابررت بادو برادرش فرانک والا یت پاسماهیه ای ۱۲۷۸۸۷۵۳۷ مخلوط کن شکسته رادر دهلیز های

شما به هیچ چیزی دست نزنید الان اف بی ای در راه است.

وقتی ماموران اف بی ای سر بریدند باعچه خانه میکل را به دقت

دراین واقعه او مانند تمام واقعات پرسی کردند. در زاویه شمال خود و بزرگ تغل اش به سرعت شرقی عمارت یک درخت بلند خرما و آنی عمل کرده بود در اولین قدم با برگ های انبوه قرار داشت. در پای او بایکی از مامورین اف بی ای یک پارچه سنگ تماس گرفت و به او گفت که به خانه مرجان راکه به جسامت مشت یک انسان بود پیدا کردند. وبعد از عمق اش در کورل گیبل بیاید.

بعد به برادرش فرانک در تیویارک شش انج زیر سنگ یک بوتل آتیلوفن کرد و فرانک هم بانو به شکسته بیرون آمد که در بین آن الایت برادر بزرگتر را خبر کرد. سهور قرایب شده قرار داشت.

بعد شخصی راموظ کرد که تلفون های اورادر هوتل که بسکین زمینی باربارا تو ضیحاتی داده شده بگیرد و خودش به کورل گیبل رفت بودو هم چنان آنها خون بهایی تابا بیلی دلیل مشوره گند.

ساعت هفت و پانزده صباح روز بعد میکل و بیلی به اتلانتا پرواز کردند. یکی از دوستان فامیلی آنروز وقتی بول آماده میشد آنها در روز نامه میامی اعلانی به این متن نشر میکردند.

رابررت بطرز عجیبی براشان معلوم میشد. اما دستپاچه نشده تراهمی برادر ایم و هرجا بگویی به سراغت بود.

درخانه میکل الایت برادر بزرگتر می آیم.

همراه با ویلیام یکی دیگر از توضیحات در باره چگونگی پرداخت خون بها بعداز نیمه شب نشر اعلان کشیک میدادند. تلفون چندین بار بصدای در آمد امامه تلفون های در آن ساعت ۹:۱۰ تلفون که.

کانال سویز همواره به حیث بیست و ششم جولای ۱۹۵۶ در میدان میناری که از استثمار مصر صحبت اسکندریه انتقام خودش را گرفت.

صدر اعظم این کاغذ راخواند واز

خشم سپید شد. وی به مهما نانش

هنگام حفر این کانال مرده بودند.

گفت که ناصر ملی ساختن کا نال

شرکت کانال سویز دولتی در میان آنجا رسید که واکنش ناصر در برابر سویز را اعلام کرده است سپس

یک دولت دیگر بود این شرکت را استریت بر گزار ساخته بود. درین

پس گرفتن پیشنهاد کمک برای آرا مشش را ازدست دادو با خشم

عای خاص خودش ویر چم خاص دعوت عده یی از سیا ستگران

خودش را داشت ما شعاری داشتیم

که همان را برای مصر میخواهیم

نه مصر را برای کانال، ولی آرزوی

سوزان بسیاری از مصر یان این

بود که چون امتیاز شرکت در سال

۱۹۶۸ به سر رسید، دیگر تجدید

از خشم سپید شد.

بهما جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از نوری سعید مشوره خواست

نوری سعید، آنطوری که به کابینه

دیگری نظر داد که ناصر برای باز

یافتند گذاشت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بودو کازی نمیتوانست گرد. کسی

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

اش گزارش داد، به این گفت: «شما

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،

بهم جرا جو پیهای علیه اسرائیل

نشود. وحالا دیگر ناصر کانال را

داه آن است که ضربه بی وارد کنید

یک ضربه آنی و سنگین. در غیر این

یافتن حیثیت خودش در جهان عرب،

این حركت غرب، کشت مات شده

میتواند؟»

بعد از این حیثیت خودش در جهان عرب،</

برای جلسه احضار کرد. سلوین عراق آمده بود تا در سالگرہ شرکت کارش توسط مونت باتن و تیپلر باز لوید لارد سالیز بوری ولارد هیوم گند. اوین قطبی رابه حیث هدیه داشته شد. این دونفر باحمله ناگهانی دست گیرد. ولی با اینهم کار مهمی قبلا در آنجا بودند و او فیلدمارشال خاصی به ناصر آورده بود.

تمپلر ولار مونت باتن را فرا خواند. مرد عراقی قطبی رابه ناصر دادو گفت: «این چیز یست که از شنخوشتان وی همچنان از وابسته سفارت امریکا و سفیر فرانسه خواست که خواهد آمد. «واصراد کرد که ناصر قطبی را باز کند. ناصر گفت: «با کمال به دیدنش بروند او همچنان ترتیبی گرفت تا جیورج پیکات ریس شرکت خوشی!»

کانال سویز را که تصادفا در لندن قطبی را باز کند. ناصر گفت: «با کمال بود، ملاقات کند.

دعوت شام با پایان گندگی به پایان مرد عراقی پاسخ داد: «یکی از رسید. ایدن خیلی کار داشت که باید انکشتهای نوری پاشا است. ما این انجام دهد. دیگر حوصله نشستن انکشت وی را در الکول نگهداشت سرمیز رانداشت، از ینرومهمانانش و خوب ازش مواطلت کرده ایم.»

بدون صرف دسر میزرا ترک گفتند. ریس جمهور ناصر ازین کار به ایدن هنگامی که مهمانان رفتند، خشم اندرشد. او بانوری پاشا

با همکار ان کابینه و افسران نظا می دوستی نداشت. «نوری» از طراحان

عمده پیمان بغداد بود وی همچنان از پیشتبان نان نظا مهای فر سوده

و سیاست استعمار گری بریتا نیا های دوستان بریتا نیا رادر شرق

میانه در اختیار ایدن میتوانست بود. باری هم از حمله اسراییل بر

گذاشت. او در بساره وارد آوردن غزه ابراز خو شحالی کرده بود همچنان پس گرفتن پیشنهاد کمک

صریبه بر ناصر پا فشاری میکرد: «اگر اورا به حال خودش بگذارید، برای ساختمان بند اسوان را تایید

کارهمه مارا خواهد ساخت.»

این پیشگویی دو سال بعد، روز نوکر امیر یالیستها و دشمن انقلاب

چارد هم جولای، هنگامی که مردم ملتنهای عرب، از طرف ناصر مورد

عراق سربه عصیان برداشتند، در حمله های سخت قرار گرفته بود.

اما حالا، این هدیه دشنام شرم آوری باره پیشگویی گفته درست برآمد.

بعد، ریس جمهور ناصر دستورداد که انگشت نوری سعید باشتر یافت

که با تغییر لباس می خواست فرار دریک گور سلطان قاهره به خاکسپرده

کند، دستگیر شد.

شاید این لحظه بی باشد که داستان شود.

نوری پاشا را به سر آزمیم.

بسانتر یذیرایی بیشتری از طرف روز بیست و ششم جولای سال عراق نمودار گشت. بدین معنی که

۱۹۵۸، هنگام تحلیل دومین سالگرد تمام سند های معتبر پیمان بغدادیه

ملی سا ختن کانال سویز و دعوت هوا پیمایی بار گشت و به سوی

شام از هم گسیخته ایدن، یک تن از قاهره برواز کرد. این استاد بی

عراقیان به قاهره آمد و یک قطبی اندازه مورد دلچسبی قرار گرفت.

اکنون به آشوبی که پس از تسخیر مقواپی را که بادقت بسته بندی شده

کانال در لندن پیدیدار شد، برگردیدم بود، به ناصر داد.

نگهداشته شده در الکول ایدن بدون درنظر داشت پهلو های

این مرد عراقی که میدانست حقوقی او ضایع، میخواست عملیات

نوری سعید آن شب با ایدن بود، به نظا می راه اندازد. ولی او، این

## چند روز پیش از آنکه ناصر برای شرکت در کنفرانس به لندن بود، «ایدن» طی یک گفتار تلویزیونی حمله بی

بسیار خشن بر ناصر کرد و گفت: «ناصر دشمن ماست ما به مردم مصر کاری نداریم.» سپس کاغذ سیاهی

را برداشته به تماشگران نشان و گفت: «این است سوانح سیاه ناصر!»



از: اعظم رهنوورد زریا ب

بالای بام پدرش را میدید، آن بوی برخی از او قات بچه هاعم سر ش  
تروع آور رامی شنید. صدا میزند :

بپیر مرد روی تابلو که خاموش آخر از پدروت نمیشرم؟!  
مکتب برایش بیگانه بود. کتاب،  
بچه هاو معلمان برایش بیگانه بودند  
بعد، آن بوی را احساس کرد. احساس میکرد که ازینها خیلی دور  
تفی بر زمین انداخت. و دور شد. همه جاشب بود. شب مه آلود.  
شب مرطوب. واو در سیاهی نموده ذهنش مکدر و پیر نگ بودند. در پشت  
آواز شلپ شلپ بوتهای بر آب خودش شب سیاه و خاکستری رنگی بنهان  
رامی شنید .  
بودند هوای سرد و نم زده بی اورا به آسمان نظر انداخت. ستاره از آنان جدا میساخت او تنها بود.

# و فرداد روز شنبه بود

لباس نم زده اش به تن شجاعیه بود. خاکستری رنگی بو شا نیده بود. اصلا هیچ جاستاره بی دیده نمیشد بود انگشتهاش در خلای جیبهاش گشت. همه جا ابر خاکستری رنگ بود. همه آمد که میان جیبها یش سیاه جاخا کستری بود تنها شب سیاه و خاکستر یست پیش خودش گفت: بود سیاهی و خاکستری او در میان بی غیرت، تا نمیشوی ؟

- لفتر هاعم دانه ندارند! سیاهی و خاکستری گام بر میداشت. دلش فشرده شد. از اشپلاک زدن بعد به خاطر ش گشت : بازهم به اشپلاک زدن شروع کرد ایستاد. ولی باز هم آواز پدرش را میشنید :

- فردا روز شنبه است و مکتب.. طنین اشپلا قش سرد و افسرده بود خاکستری بود. آمیخته باسیا هی. تنگ تنگ و پرآب داشت، مثل اینکه آدمیده بود. سرک مرطوب و شسته، مانند در حال گریه باشد. تابلو به پدرش شباهت داشت. شاید هم به نظرش آمده بود که شباهت دارد. احساس کرد که پیر مردوی تابلو، بوی پدرش رامیده شد. بوی پارچه های کهنه و نم زده بی که زیر اتوی داغ برود - برای اینکه پدرش روزها در دکان محقری از پارچه های کهنه لباس میدوخت. دکان محقرش بوی مخصوصی داشت تهوع آور بود هر وقت بخانه می آمد این بوی تهوع آور را با خودش میاورد. هرگاه میدید که پسرش بر بام است با چشمهاش آبزده از میان حولی تنگ و تاریک صدا میزد :

- بیغیرت، تا نمیشوی ؟

- بیغیرت، تا نمیشوی ؟  
کبو تران دیگر ناپدید شدند. تنها کبو تران سیاه و خاکستری رنگ رامیدید. حولی هم سیاه و خاکستری رنگ بود. بچه های بانگاه های عجیبی او رامینگر یستند. جیبهاش خالی بود اتاقهای سیاه و خاکستری رنگ خانه شان بوی پارچه های کهنه و نم زده بی را میداد که زیر اتوی داغ رفته باشد این معلم که پدرش را میشناید و دکان محقر او را دیده برد،

باشید بیشتر، احساس سرماکرد. به آسمان نظر انداخت. ستاره بی وجود ندارد. فقط عادت کرده است که های عجیبی اورا میگذر یستند واو دستور خوان چر کین و خاکستری

اینطور دشنامی به او بدهد. وقتی از در عرق شرم و خجالت غرق میشد. و نگشان را دید نهای سیاه هرنگی

خانه آرام آرام در پیاده رو راه میرفت پانزده سال داشت، اما قد درازش اورا بزر گتر نشان میداد - لاغر اندام بود . شب بود پاران نمیبارید، اما آسمان با ابر خاکستری رنگی پوشیده شده بود. سرک مرطوب و شسته، مانند آینه مکدری ، نور چراغها را به صورت مبهم و بیفروغی منعکس میساخت. مه خاکستری اگر فته همانند ابر آسمان، همه جارا فرا اگر فته بود. شهر در نوعی از ابهام و بیشکلی فرورفته بود.

نژدیک یک چینی فروشی ایستاد. پشت شیشه ظرفهای چینی دیده میشد. نظرش را گلدان چندتا پرنده کرد. بر پشت گلدان چندتا پرنده نقش شده بود پرنده گان در حال پرواز بودند به سوی خور شید که در حال غروب بود، میر فتند به خاطرش آمد:

- امشب کفتر هاعم دانه ندارند. لبها بار یکش جمع شد و آهسته به اشپلاک زدن شروع کرد. از همان اشپلا قهای بود که در یام برای کبوتر انش میزد. به نظرش آمد که پدرش این را از پایین، از سیاهی میان حولی، صدا میزند.

باره پدرش گپ میزد. پدرش بوی تهوع آوری میداد خانه شان سیاه آوری داشت. مثل بوی پدرش، از آرزو کرد که حمام داغی باشد او سپید و طلایی درخشندگ و گرم احساس کرد که از درون فروشگاه و خاکستری بود. جهان بوی تهوع آوری داشت.

وکبوتران دانه نداشتند معلم فریاد میزد:

آخر از پدرت نمیشمرمی؟! آخر از پدرت نمیشمرمی؟!

چیزی دردش بغلیان آمد. همه جاسیاهی و خاکستری میتوشید. درسرش صدای امامی ییجید. خورشید داغی دردش تابیدن گرفت. درونش یک حمام شد. پراز بخار داغ و سوزان

آمد که آنجا ستاره هم است درون فروشگاه جهان درخشانی بود.

سپید و طلایی درخشندگ و گرم احساس کرد که از درون فروشگاه بخار داغی بر میخورد. بعد، کبوتران

به پرواز درآمدند پت، پت، پت، به سوی خورشید در خشان میرفتند.

کبوتران بالهای طلایی داشتند. مثل

کناریک فروشگاه ساعت ایستاد پشت شیشه ساعتهای گوناگون

قطر چیده شده بود ساعتهای طلایی رنگ. به نظرش آمد که ساعتهای طلایی داشت. بعد، بچه های بانگاه های عجیبی به سویش میدیدند جیمهایش فروشگاه خورشید میتابد به نظرش خالی بود و معلم باطول و تفصیل در

کناریک فروشگاه ساعت ایستاد

پشت شیشه ساعتهای گوناگون

روی آن قرار داشت. نانها بوی تهوع آرزو داشت. مثل بوی پدرش، از آرزو کرد که حمام داغی باشد. مثل آنکه در بخار گرم دراز بکشد. آهسته زمزمه کرد:

- گرم...  
بعد، پربام خانه، کبوترانش را میبرانید کبوتران پت، پت، پت بال میزدند گفت:

- گفترها دانه ندارند.

کناریک دوا فروشی ایستاد پشت شیشه دوا های گونا گونی دیده میشند بر دیوار درون دواخانه تقویمی آویزان بود. بر بالای تقویم تصویر دختری دیده میشند. دختر میخندید

لبهای سرخ و چشمها سبز داشت. موهایش طلایی بود و در نور چراغ

میدر خشید. این سرخی، این سبزی و این رنگ طلایی برای او بیکانه بود

به نظرش آمد که فاصله بین او این رنگ ها خیلی زیاد است به نظرش آمد که از دور دستها به

تصویر مینگرد - از میان یک شب نم زده.

اما نظرور دستها یش در جیبهای پتل نش بود، درون جیبهایش سیاه و خاکستری بود. از کنار دواخانه دور شد.

احساس میکرد که به چیزی تعلق ندارد. احساس میکرد که چیزی به ارتباط ندارد. به نظرش می آمد که دلش سر داشت به نظرش می آمد که دلش سیاه و خاکستریست احسا س

میکرد که سرا پایش سرد، سیاه و خاکستریست احساس میکرد که وجود دش جز بی از شب

است - شب نم آسود خاکستری - و کبوترها دانه نداشتند. معلم با طول و تفصیل در باره پدرش گپ میزد شاگردان بانگاه های عجیبی به

سوی او مینگر یستند دختر بالای تقویم بالهای سرخ و چشمها سبز خندید و ناپدید شد. مادرش نانها

سیاه هر نک را میجوید. چشمها پدرش آب میزد، شب بوی تهوع آرزو داشت - بوی پار چه های

کهنه.

پیش خودش گفت:  
بروم خانه دیگر.

واز پدرس مرحوبی هی بیپید: «بیغیرت قائمی شوی؟!

شمش گره شد و به شیشه فروشگاه خورد در رو شناختی چراغ خون سرخرنگی ازانگشتها یش بیرون آمد احساس کرد خورشید بر انگشتها یش میتابد با انگشتها خون آلود چند تاساعت را بر داشت و به دویدن پر داخت خورشید گرمی از پیش چشمها یش ناپدید شد درسیا هی میدوید. آواز گامهای دیگری را هم شنید که از دنبالش میامد. کسی از دنبالش میدوید یا یش به چیزی خوردو افتاد. بعد، کسی از بازویش گرفت در فضای خاکستری رنگ دید که پاسبان نی نفس نفس میزند. پاسبان بزیده بزیده گفت: سعادت خطاء، چه کردی؟!

واو دید که پاسبان سیاه و خاکستری رنگ است. احساس کرد که بوی تهوع آرزو میدهد. بچه های نگاه های عجیبی به سوی او مینگر یستند. بی اختیار به گریه درامدو گفت:

ـ فردا روز شنبه است ...

(پایان)



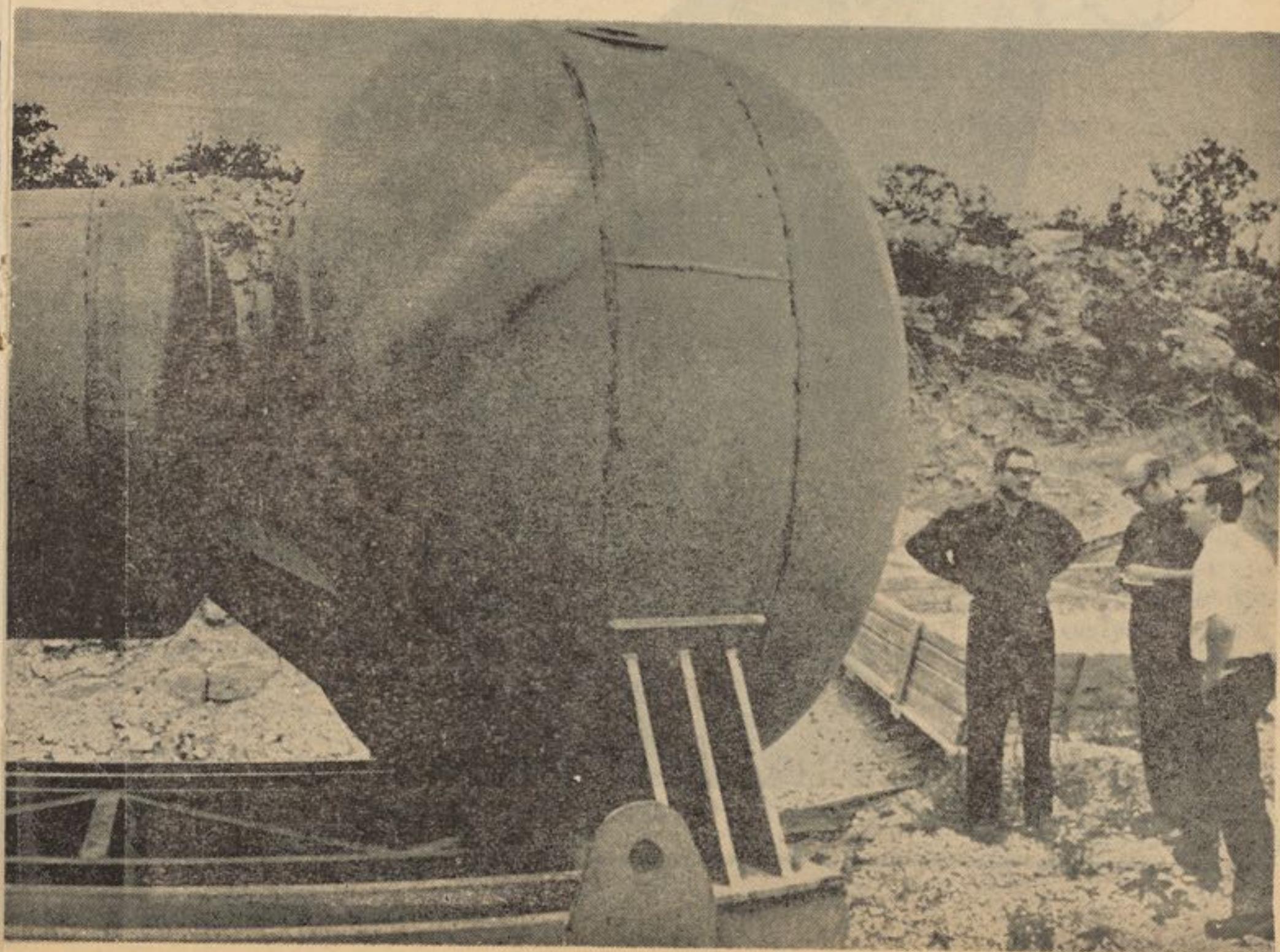
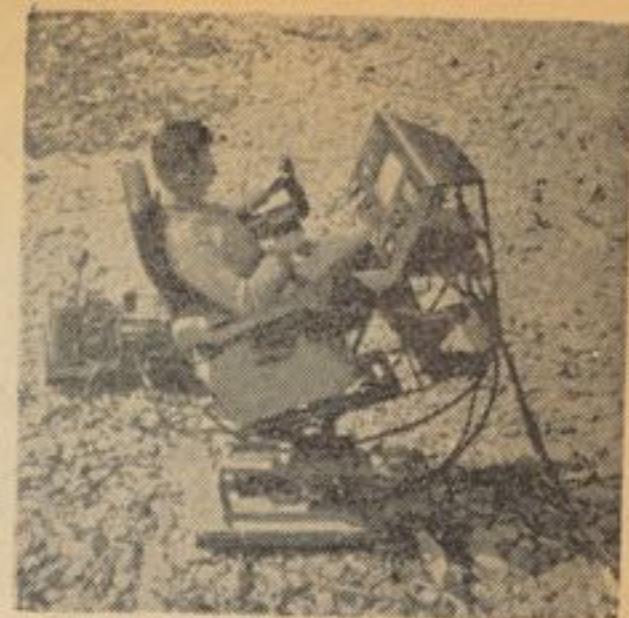
مترجم: انجینیر سروزدی

# تحقیقات و مطالعه

## ذریعه دستگاه ها و لابراتوارهای عصری

بدون استثنی بی موجود بوده و ذخیره آنها نسبت به ذخایر اعظم هاچندین مرتبه زیادتر بوده و عبارت از فابریکه غذایی است که هر ساله خودش مiliارد ها تن مواد البو منی راتهیه واستحصال می نماید. تماماً این ها عبارت از اوقیانوس ها میباشند مگر در مقابل آن اشعا صیکه می خواهند راه را بسوی این ذخایر پر قیمت ایگشایند ضخا مت چندین کیلومتری آب سدی را بوجود آورده است در آنجا است که اقتدار بدست فشار

«کو یدون» کراب، مانتا سیویر-۲ کمتر از سه دهسال تجسس انسانها در اعماق اوقیانوس ها دوام دارد. مکرر طرف این مدت کم شوروی ساخته شده است. راجع انسانها توانستند بصودت بسیار صحیح تمام جنبه های فایده مندو مشکلاتی که در حصه فرا گرفتن محیط جدید دچار شده اند بدانند. «داغ سفید» سیاره هازمین دارای مساحتی میباشد که دو مرتبه نظر اوقیانوس شناسی و معاون رئیس کمیسیون بین المللی دراو قیانوس ره سطح سیاره مربیخ زیادتر میباشد در اوقیانوس هاتمام عناصر مفیده گرافی فزیکی ایفای وظیفه می نماید

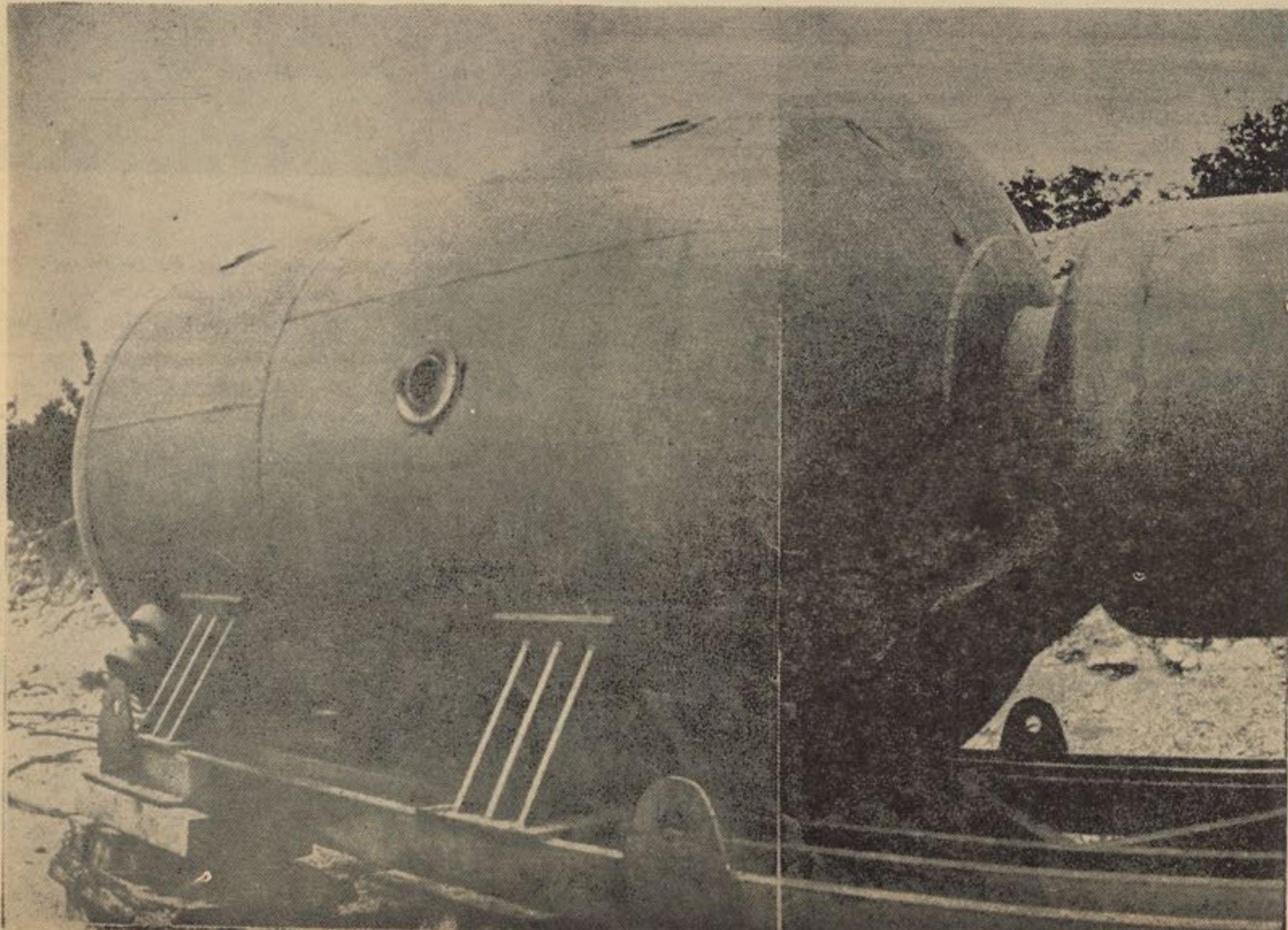


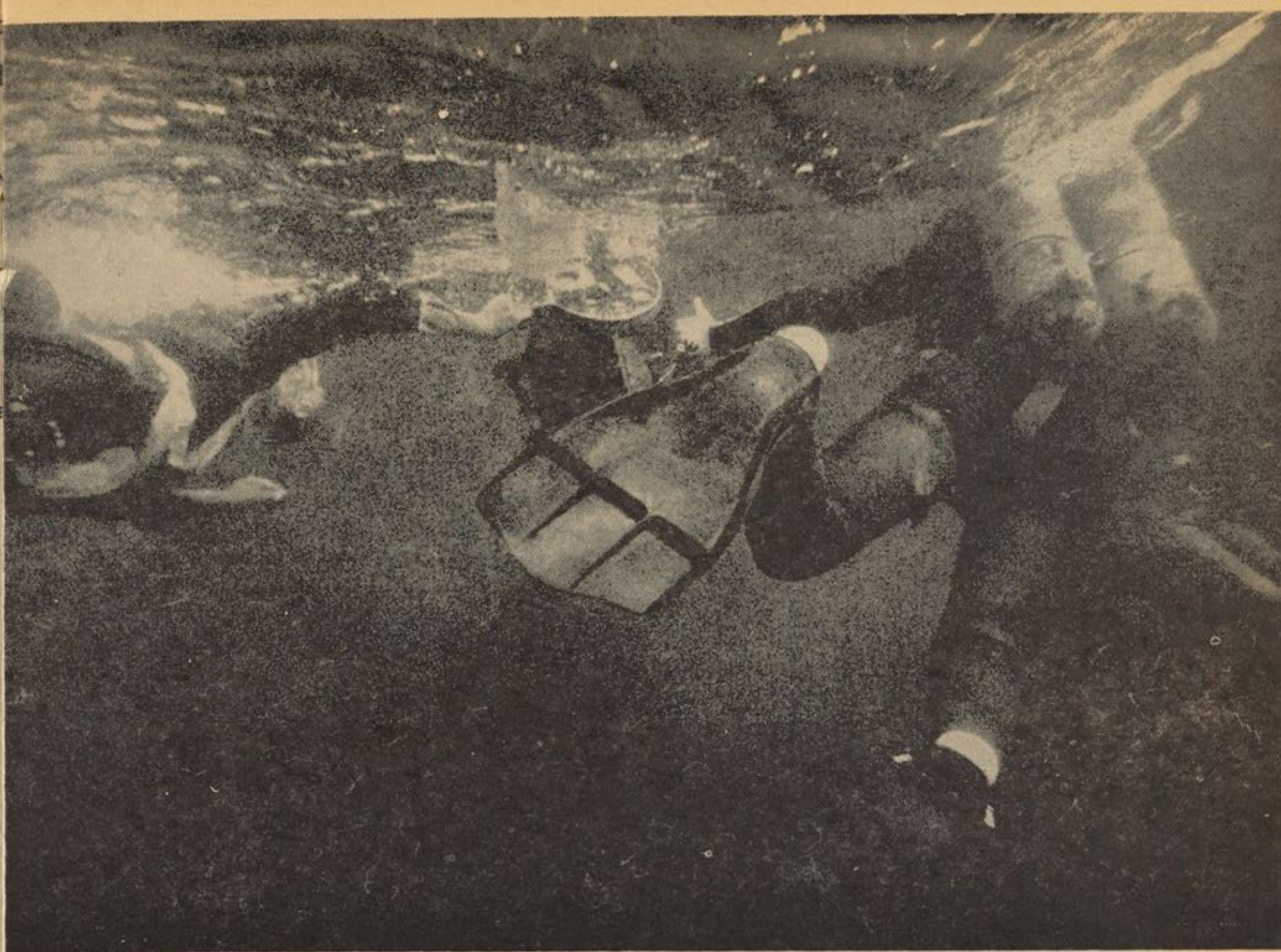


# اعماق ابحد جهان

بسیار بلند سرددی بسیار زیاد (اکوا نور دان) تحقیقات کننده برای  
وقتاریکی میباشد «جه کسی تشنه مدت زیادی در عمق ۱۰۰ متر و زیاد این را از ازان کار و فعالیت می نمایند. در این زمان فعالیت در فرا گرفتن تحت کلمه را دید. یاردن کیلیند گفته بود امروز مامیتوانیم بجواب شاعر مذکور چنین اظهار کنیم: فقط مردانیکه دارای روحیه قوی و جسم نیرو مند میباشند بلکه از همه اولتر انسانها زند گانی در خانه های مذکور در بسیاری ترین و مغلق ترین مسایل تختیکی میباشند . فقط باسا ختن تختیک و دستگاه های جدید برای مهیا ساختن زند گانی امکان داخل شدن به محیط که برای استراحت می نمایند خواب می شوند بوجود آمده است. امروز شنا و ران حمام می کنند. مطالعه داشته و

ورقہ بنہ بید





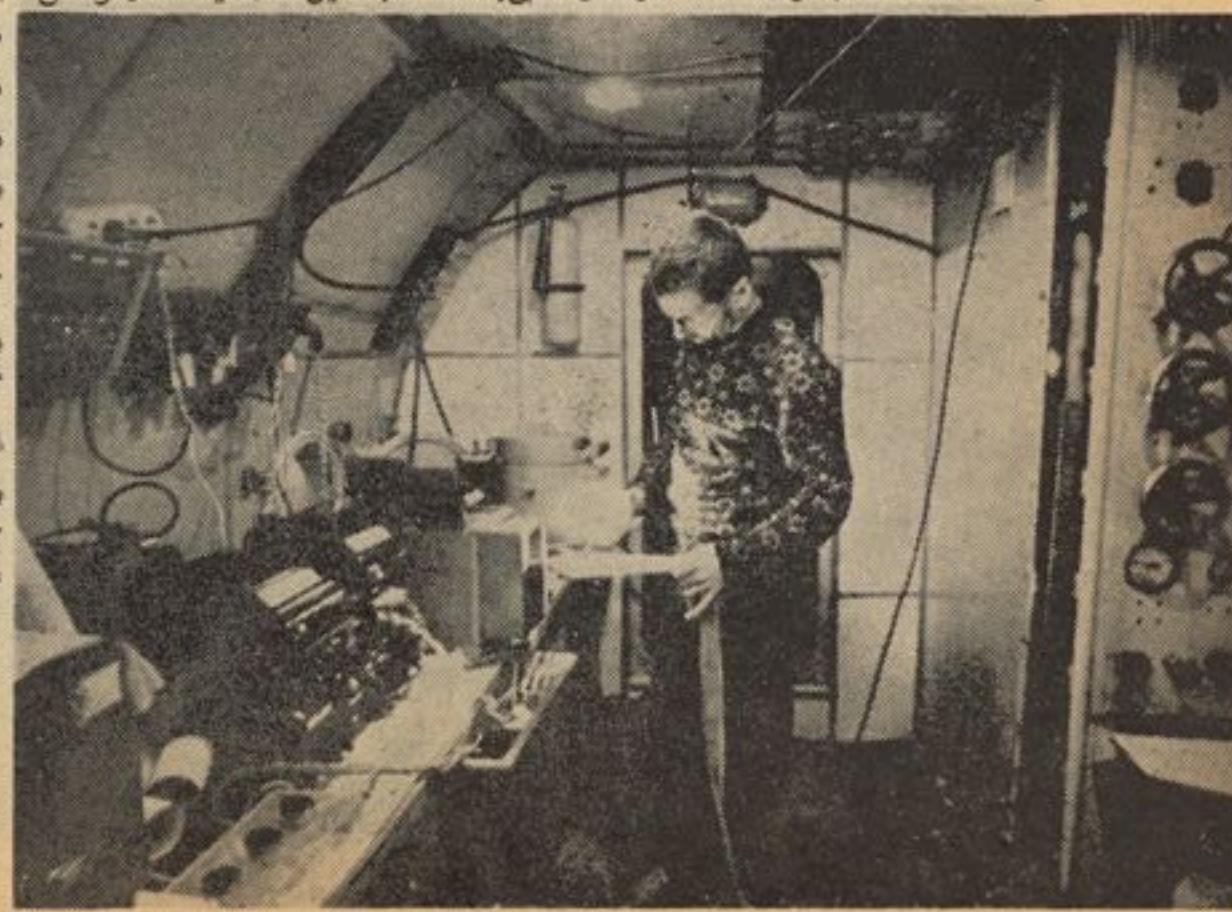
٤

آنها نوافص و کمبودات تحقیقاً تی خویش را که در مراحل او لی داخل مشاهده از جریانات تحت البحري برای نفت در بعضی شرایط از جمله سواحل صورت می گرفت. مگریک و انتقال خاک بادآورده شامل بو ده مناسب ترین حفر ازیل فورم شدن انسان را به اعماق بسیار زیاد است.

حتمی می دانستند فعلاً جبران وتلافی حفظ می رود. هم چنان تهییه وحیثیتاً بسیار مهم میباشد و این نموده اند. پرو گرام تحقیقاتی اتحاد شوروی با در نظر گرفتن ضرور یات فراگرفتن ضرور یات پلان گذاری فرا گرفتن دچار می شوند و همینجا منطقه اوقیانوس هادر ساحه های مختلف تحت ابحار طرح و ساخته شده و میدان اصلی برای شنا و ران زیر آبمی باشد. بسیار دلچسب است کهدا نشمندان اضلاع متعدد امریکا و موقیت های زیادی را در فرا گرفتن اوقیانوس ها بدست آورده میشود یکی از جمله این قسم لابراتوارم ها «گو یدون» میباشد که برای اند در سالهای اخیر به مطالعه و تحقیقات ساحه های کوهی تحت ابحار ازان استفاده بعمل می آید. در سال گذشته عمله آن در بحیره سیاه کوهای تحت بحیره را مطالعه نمودند. در آینده بسیار نزدیکی خانه های مسکونه مختلف برای شنا و ران زیر آب نه تنها در بحیره بقیه در صفحه ۵۸

ابتداً خوشبخت فقط در نزدیکی های سواحل صورت می گرفت. مگریک عده مسایل دیگر یست که به نظر شدن انسان را به اعماق بسیار زیاد اول بسیار ساده و سطحی معلوم شده بحسب می رود. هم چنان تهییه وحیثیتاً بسیار مهم میباشد و این مسایل عبارت از دانستن او لین سر حدات بحر میباشد کشته رانی در سریزید سا حلی به مشکلات زیادی دچار می شوند و همینجا منطقه اوقیانوس هادر ساحه های مختلف تحت ابحار طرح و ساخته شده و میدان اصلی برای شنا و ران زیر آبمی باشد. بسیار دلچسب است کهدا نشمندان اضلاع متعدد امریکا و موقیت های زیادی را در فرا گرفتن اوقیانوس ها بدست آورده میشود یکی از جمله این قسم لابراتوارم ها «گو یدون» میباشد که برای اند در سالهای اخیر به مطالعه و تحقیقات ساحه های کوهی تحت ابحار ازان استفاده بعمل می آید. در سال گذشته عمله آن در بحیره سیاه کوهای تحت بحیره را مطالعه نمودند. در آینده بسیار نزدیکی خانه های مسکونه مختلف برای شنا و ران زیر آب نه تنها در بحیره

#### اتفاقی دریک تحت البحري





## در آرزوی ازدواج

از چندیست در مرکز فرهنگی سفارت امریکا واقع شهر نو در این به نمایش قرار میگیرد که از طرف تماشا چیان پکری استقبال میشود. این درام اثر شهکار تینسی و لیمس است که توسط شاه لطیفی دایر کت ادایت و نکارش شده است.

از هنرمندان محبوی که در نمایش این درام حضور گرفته اند میتوان از مشعل هنر یار محبوبه جباری-ونرگس نام برد.

مرکز فرهنگی سفارت امریکا گاه به تقدیم نمایشات هنری نیز میپردازد که باضيقی جای و ترتیبستیجی بان زیبایی در خور هرگونه تمجید است.

نمایش درام در آرزوی ازدواج بار اول از تاریخ ۱۲ حوت آغاز و هر شب ساعت ۷ نمایش آن تا ۱۶ ماه حوت دوام داشت نمایش ثانی این درام که از تاریخ ۱۹ آغاز یافته بود برای چهار روز ادامه پیدا کرد.

### از مردم شنیده می شود

چون سال ۱۳۵۱ خاتمه می یابد، نبیلا خواننده ای خوش آواز و سال نوی در پسروداریم گاه کاهی رادیو افغانستان و هنرمندی که در از مردم شنیده می شود که چه کسی بین مردم آوازش محبو بیست دارد بحیث خواننده سال انتخاب خواهد میگوید: نمی خواهد مردم بعدازین مثل سال گذشته کدام اندامی صورت تاریخ که شروع سال ۵۲ است اورا نکرته است ولی شاید آهنگهای بحیث هنرمند بشنا سند و نمی انتخاب گردد.

چند سال قبل روز نامه ملی ایس خواهد دیگر آهنگ ثبت گند: این درین مورد پیش قدم شد و چندماهی مطلب را خود پیغله نبیلا که فعلاً بحیث آرا و نظر یات مردم را در مورد عضو کتابخانه پو هنtron اجرا ی هنرمندان و خواننده ها جمع آوری کرد و میکند اظهار داشته است. انتخاب شدو چقدر خوب می بود که وقتی علت ازاو پرسیده شد جواب هرگاه کدام مجله روز نامه و یا حتی خود رادیو افغانستان درین مورد می خواهیم خبر را در صفحه هنری اقدامی می نمود و با این اجرا آت خود زوندون نشر نماید که چنین شدو هم مردم را از خود خوش می ساختند و هم هنرمندان قدر می شدند و درین آمید که موصوفه علت را در آینده روشن رقابت می شدند.

سازد.

### نبیلا میگوید

چرا؟ مطلع آهنگیست که چندی قبل بنگلی حبیب شریف آنرا در یکی از ستو دیو های بزرگ رادیو افغانستان ثبت نمود که بعد از طریق امواج رادیو افغانستان پخش هم شد.

این حبیب شریف همان شخص شریفیست که فوتی او را در جمله خواننده های امатор دریکی از شماره های قبل چاپ نموده بودیم و در آن جا بسیار لاغر مینمود حال آنکه طوریکه فوتی او را اینجا می بینید او آنقدر لاغر هم نیست بلکه اندام مناسب دارد و در فوتی قبلی که اورا شخص لاغر اندامی مشا هد کرده اید خطای کمره بوده است او آهنگ چراو «شولی ببل» هرد و را



حبیب شریف

خود کمپوز نموده است و قرار اظهار خودش اکثر آهنگهای خود را اخود کمپوز می کند از همکاری او با رادیو شش ماه میگذرد و اکنون عضو یت آرکستر امатор رادیو افغانستان را دارد و قرار معلوم او تا حال هر ده بارچه بزبان دری ویشنو ثبت نموده است که وقتاً فوقتاً از طریق امواج رادیو افغانستان پخش می شود.

واینچا آهنگ را که او خوانده است نقل می کنیم.

محبت است که دل را نمیدهد آرام و گر نه کیست که آسو دگی نمی خواهد ای ناز نین من به سفر میروی چرا

از کلبه ام چو بخت بدر میروی چرا مائیم و باد های غم انگیزیکسی چون روزهای خوش زنگ میروی چرا

آن چهره لطیف تر از بر گولاله را شسته چو گل بخون جگر میروی چرا

نوت: در آینده با این هنرمند مصاحبه ای هم انجام خواهیم داد.

### گروپ اکروباتهای جمهوریت مردم چین در کابل

یک گروپ ۶۸ نفری هنرمندان اکرو بات چین بعد از ظهر روز ۱۶

گروپ نما یشات خود را از جمهوریت مردم چین در نما یشات تاریخ ۱۷ حوت آغاز نمودند باید گفت هنری اکرو باتی شهرت جهانی دارد.

# نگرانی و اضطراب

## و اثرات آن بالای صحت جسمی و روانی

متخصصین مودرن روانی عقیده گشت که امروز آنرا عکس العمل دارند که تنها بیشتر میگردند که این اضطراب نمودم چندی به تنها میگردند. مسافرت، کندواین خانم پس از مراجعت پس از ترس شدید ممکن است در خیلی اظهار رضایت میگردد و میگفت بکشید موها بر یعنی سفیدشوند. دیگر عصبانی نمی‌شود و هر چه ورودی از تنفس میگردید اهمیت نمیدهد. و رومان نویس‌ها درین باره مثال شوهرم میگوید: «نمیدهیم و حکایات زیادی بقلم آورده اند و حر فهای او از یک گوش داخل شده چنانکه معروف است ماری‌انتوان واز گوش دیگرم خارج میشود و گاهی نیز بروز حساسیت و بیماری میشود. ولکه فرانسه در زندان یکد فعه غضب و تغییر اوبایع خنده ام میگردد و ضمناً خانم اظهار داشت که موها یش سفید شد.

**توفان فیز یو لوز یک**

در زمان قدیم هم به تأثیر اضطراب در جسم بی برد بودند مثل دو هزار سال قبل معتقد بودند که تا لما طولانی ممکن است باعث بیماری ریه که بعد از آن مسل را بروی گذاشتند بودند. بقراط به این قبیل بیماران دستور میداد خود را به تفريح و استغلالات میگرم نمایند.

در قرن پنجم دانشمندان معروف فمار بودند وارد میگردند یعنی اول آن کوچه اظهار داشته است «موقعیکه شخص غذا رادر دهن میگرفت و میگردد تامانند حجابی روی اورا نداشت و یا در اضطراب بود مخاط بیوشاند» واقعاً این نکته چنان پر معده منقبض شده و اگر این حالت معنی وظیری است که باید شخص زیاد تکرار میگرد تغیرات مهمی در آنرا درک کنند و مغز خود جای دهد. معده بروز می‌یافت.

برای ما از این قبیل اتفاقات زیاد غضب و اضطراب و تالم باعث تنگ بودلا یستنس رانندگی را از دستش نشده بود.

میگوید: «اولین حمله آستم در روی مخاط میگردد و حتی سبب ظهور زخم شوهرش را نجام دهد ولی در موقع موقعي برگز کرد که وارد طویله شد و معده میشود چنانکه در ایام جنگ راندن شوهر اورا مورد سر زنش آشنا بود بفکر اینکه بار دار شده احساس کرد که مهتر از علو فه جهانی زخم معدی و خون ریزی از این توابدار رانندگی بلد نیستی و ناشی هفته هادوام داشت و در مانها ای اسب بسرقت می‌برد و همین احساس ناحیه زیاد بروز میگرد.

چنان اورا تحت تأثیر اعصاب قرار اساساً زخم معده هم یکی از بیماری هاست و... و این موضوع زن را مختلف ابد اثر نمی‌کرد تا اینکه بسیار عصبانی کرده بود. من به او همان جویان اورا بعقد نکا ح خود در داد که باعث حمله شدید تنگی نفس داشت و زمینه وعده ای داشت.

متخصصین مودرن روانی عقیده گشت که امروز آنرا عکس العمل دارند که تنها بیشتر میگردند. آنرا در نتیجه غبار کرند مینامند. شخصی یکدفعه که در مقابل گل سرخ نیست بلکه باید روان شخص نیز تحت نظر و درمان قرار گیرد چون این حسا سیست دارد در مشاهده یک گل دو قسمت کاملاً بایکدیگر مخلو ط هستند و هر گونه تغییری در یکی از آنها باعث اختلال قسمت دیگر میشود. در اینجا همان مثال قدیمی افغانی نوزدهم برای رفع درد معده تو صیبه در بدن سالم است») در زمان قدیم هم به تأثیر اضطراب قشله عسکری بگذرند که باشندین صدای طبل و شیپور احساس درد آنها مرتفع میشود.

آزمایش های مختلف زیادی برای اثرات اضطراب در تر شحات غدد بقراط به این قبیل بیماران دستور میداد خود را به تفريح و استغلالات بوسیله سو رانی که در معده بازگردید مختلف سرگرم نمایند.

در قرن پنجم دانشمندان معروف فمار بودند وارد میگردند یعنی اول آن کوچه اظهار داشته است «موقعیکه شخص غذا رادر دهن میگرفت و میگردد تامانند حجابی روی اورا نداشت و یا در اضطراب بود مخاط بیوشاند» واقعاً این نکته چنان پر معده منقبض شده و اگر این حالت معنی وظیری است که باید شخص زیاد تکرار میگرد تغیرات مهمی در آنرا درک کنند و مغز خود جای دهد. معده بروز می‌یافت.

برای ما از این قبیل اتفاقات زیاد غضب و اضطراب و تالم باعث تنگ بودلا یستنس رانندگی را از دستش نشده بود.

میگوید: «اولین حمله آستم در روی مخاط میگردد و حتی سبب ظهور زخم شوهرش را نجام دهد ولی در موقع موقعي برگز کرد که وارد طویله شد و معده میشود چنانکه در ایام جنگ راندن شوهر اورا مورد سر زنش آشنا بود بفکر اینکه بار دار شده احساس کرد که مهتر از علو فه جهانی زخم معدی و خون ریزی از این توابدار رانندگی بلد نیستی و ناشی هفته هادوام داشت و در مانها ای اسب بسرقت می‌برد و همین احساس ناحیه زیاد بروز میگرد.

چنان اورا تحت تأثیر اعصاب قرار اساساً زخم معده هم یکی از بیماری هاست و... و این موضوع زن را مختلف ابد اثر نمی‌کرد تا اینکه بسیار عصبانی کرده بود. من به او همان جویان اورا بعقد نکا ح خود در داد که باعث حمله شدید تنگی نفس داشت و زمینه وعده ای داشت.



ما بارها با اشاره کرده ایم.  
خود گشی :

یکی از اقسام مهم علل مرگ خود گشی می‌باشد که طبق احصائیه تقریباً در ردیف هفتم قرار گرفته است  
هرچه بشر بیشتر ترقی میکند و هرچه وضع زندگی او بهتر میگردد هوس و تمايلات اوعلاوه میشود چون حدو حسری برای هوس او وجود ندارد و چون گاهی بهدف نمیرسد واز قافله عقب میماند بخود گشی اقدام میکند فرض نمایید یک تاجر یا صاحب کار خانه برای اینکه بارقیب خود مبارزه کند متصل تجار ترانه و یا کار خانه خود را توسعه میدهد

یکدفعه ملتفت میشود کمدر قرض تاکلو غوطه و راستودیگر قادر نیست دین و قروض خود را بپردازد بدین

جهت برای خلاصی ازین وضع

ناکوار متولی به انتحار میشو

گرچه خود گشی در راه عشق کم شده است ولی خود گشی بعلت عدم

موافقیت و کامیابی در زندگی و بیماری

های غیر قابل درمان امروز زیاد

می باشد .

درین باره دول خارجی پیکار

نموده انجمن و سازمان های ضد

خود گشی بوجود آورده اند و درین

راموقيقیت زیادی داشته و قوانسته

آن دین بوسایل مختلف و تسکین آلام

آنها عده زیادی را ازین قصد نجات

دهند .

#### بیماری حساست:

یکی از بیماری های مهم و زیاد

عصر ما که متأسفانه کمتر مورد توجه

دکتوران و مردم ما قرار گرفته است

بیماری حساست (الرژی) میباشد

در زمان قدیم در نتیجه خوردن یک

غذای فاسد و آب آلوده ممکن بود

شخص مبتلا بیکنون بثورات پوستی

شود بنام کمپر، ولی امروز ممکن

است شخص پس از خوردن یک

غذای سالم مثلاً ماهی تازه و حتی نان

مبتلا باش شود .

این بیماری مخصوص پوست نیست

انواع و اقسام زیادی دارد مانند زکام

یونجه، آسم، درد نیمه سر وغیره و

مخصوصاً عده زیادی از مردم نسبت

به داروهای مختلف الرژیک هستند

مانند پنسلین و دواهای مشابه به آن هم

است شخص رایه این بیماری مبتلا

بچه در صفحه ۵۶

شخص تولید عوارض سخت و خون ریزی نماید .

بهمین علت است که دکتوران امروز مجبور هستند تادر استعمال داروهای دارو های دقت و احتیاط کامل نمایند چون ممکن است ترزیق یک پنسلین باعث مرگ بیمار شود. گرچه از بیماران سوال میشود که آیا در آنها سایقاً پنسلین مصرف کرده اند؟ و آیا او تحمل دارد یا خیر؟ ولی متاسفانه اغلب این سوال وجواب کافی نیست بعلاوه ممکن است شخص اول نسبت بیک دارو و ماده حساس نباشد و بعد ها حساسیت پیدا کند.

برای تشخیص علل امروز ذ متوسل به آزمایش های خاص پوستی (تست) میشوند گرچه بدین طریق اغلب موفق به کشف عامل وعلت اصلی میگردند ولی در مان حسامیت مشکل بوده و باید ماه ها بلکه سال هاشخص تحتم درمان باشد و آن هم معلوم نیست هو فقیت کامل باشد.

بطور کلی علت اصلی سازمان

و استعداد بدنی است که بیشتر عوامل وراثت در آن دخالت دارند

دیگر اعصاب در بروز آن نقش مهمی ایفاء میکنند و بهمین جهت گامی

مختص را مختصر تالم و او قات تلخی ممکن

یک اسپرین ساده ممکن است در سازد که «حساست عصبی» می نامیم.

آورد و از آن تاریخ مرض بکلی رفع جهت داکتر پیسکو سو ماتیک از شغل، محیط زندگی و خا نوادگی، وضع روابط زناشویی وغیره تحقیقات لازم مینماید .

چه فرقی بین پیسکو سو ماتیک و پیسکو نالیز وجود دارد؟

در جواب میگوئیم در پیسکو نالیز متخصصین فقط با روان کاوی سرو

کار دارند و عموماً دواونسخه نمیدهند

ولی داکتر پیسکو سو ماتیک هم به روان و هم به جسم شخص رسید گی

میکند ولا بر اتوار و اشعه مجیول

وسایر وسائل تشخیص رایه کمک

می طلب تابتواند تشخیص کا مل

بدهد و نسخه هم صادر مینماید .

بطور کلی درمان های روانی کمک بزرگی برای پیش فت درمان های

جسمی دارد .

بیماری های عصبی روانی :

با اینکه در کشور های معظم و پیش افتاده تلاش کامل مینمایند که مردم

راحت باشند و هم قسم وسائل

هم مشاهده میشود که همه اهالی

دنیا امروز فوق العاده حساس

وعصبی می باشند بطور یکه تحمل

کوچکترین تالم راندارند و بهمین

جهت است که مردم روزوشب متول

به داروهای مسکن و خواب آور میشوند

چنانچه مصرف اینکونه دوا ها به خروارها بالغ میگردد .

بیماری های روانی امروز

بیشتر از سابق است و این اختلالات

روانی درجات مختلف دارد که گاهی

منجر به دیوانگی و قتل و جنایت میشود

در واقع همین قتل های انحراف جنسی (ساد یسم) و یا آتش سوزی

عمدی و سرقت و فساد های مختلف دیگر اغلب بعلت بهم خوردن تعادل

روانی است و بس .

در باره جلو گیری و درمان این

قبيل بیماری ها که شریک ور فیق

تمدن است متأسفانه چاره زیادی

ندازیم فقط باید خود مان سعی کنیم

تازندگی شخصی و شغلی و خانوادگی

ماطوری باشد که کمتر دچار این

قبيل ناراحتی هاشویم . خوردن دارو های مسکن علاوه بر اینکه شخص را

معتدل نموده و باید روز بروز بقدر

آمد و از آن تاریخ مرض بکلی رفع شد .

یک خانمی راخیال برداشته بود که از شو هرش مبتلا به بیماری آمیزشی

شده است درنتیجه همین خیال وتصور به مرض «پسوریا سیز» یاده

الصدق میشود و هر چه درمان

میگردند فایده نداشت تا اینکه فهمید که اشتباه بوده و شو هرش بیماری

آمیزشی ندارد . خانم مذکور پس از

کسب این اطلاع کاملاً خوب میشود .

پس باید دانست حوادث و قایع مختلف نه تنها روی روان واعصا ب

بلکه روی جسم هم اثرات نامطلوب زیادی دارد و حتی در چاقی و لاغری

هم دخالت میکند . معمولاً اشخاصی هستند که به شکم و غذا از عهمه چیز

بیشتر اهمیت میدهند یعنی در واقع تمام احسا سات خود را فدای این

قسمت نموده حتی کمبود عشق و محبت را بو سیله خوردن جبران مینمایند .

دختران جوان که دور از عشق و راحتی آنها فراهم کرده اند دواج و استقلال نیست بیشتر تعایل به

چاقی دارد پس درین افراد داروهای مختلف چندان اثر ندارد و جزا اینکه آرزو های آنها بر آورده شود چاره موجود نمی باشد .

یک نوع چاقی دیگر هم وجود دارد که چاقی معکوس یا پردو کس

میتوانیم نام گذاریم که در نتیجه اضطراب های شدید جسمانی و آمیزشی

ممکن است پیش آید .

مثلاً در موقع اشغال فرانسه از طرف آلمانها زنی که شوهرش تیر باران

شده بود دریک هفته پانزده کیلو

نهوزن علاوه میشود . دیگر در پاره از بیماری های زنانه اغلب بعلت عدم

انجام وظیفه بعض از اعضاء چاقی بیش می آید .

بهمین جهت متخصصین رشته «پیسکو سو ماتیک» روان و جسمرا

تواما تحت نظر درمان این قرار میدهند (مقصود بیمار است نه بیماری)

و همانطور که هر منو پات میگویند بیمار را میشود دید ولی بیماری قابل

دیدن نیست بعلاوه باید دانست که طبیعت و مزاج اشخاص با هم

خیلی فرق دارند اگر هم از نظر جسم

باهم کاملاً شبیه هستند ولی از حیث روانی اختلاف کلی دارند و بهمین

دالن الف ټباهه

# دواوم هنر یوه تکر ھسو غندوی (والش) او ذ هغه



## یوسیل او لسیم فلام!

((والش)) په ۱۵۴ کلمنی کی خپل ۱۱۰ فلم  
چه یو وسترن فلم دی بشروعی

دا مریکي د چیری ستری سینما پدی لپ کی کرک دو گلاس، بال نیومن یو لوی بری پدی کی دی چه فقید را برت ټایلر، آنتونی کو نین دوسترن فلمونو چیرستر شاھکارونه راک هودمن او یه بای کی گریکوری بی منځ ته راوېږي دی او له چېل دی پاک هغه کسان ووچه دامریکی د کارسره بی دنري دسینما د غښتلي وسترن فلم یه شرایطو کی خو را گر خولو یه لاره کی او چت ګا مونه زیات شهرت ته ورسید ل.

پورته کړیدی پدی لپ کی چه کومی دلته یوه بله خبره هم ده او هغه خلانده خیری دو سترن د فلم پلار، یعنی داچه دوسترن د فلمونو د هانزی فوندا هغه سری و چه تر لو بولو ډیواره میدان ته راوتلی دی ډیری پذیره پوری دی ددغه ستری او سه پوری دا مریکي دسینما یه بردہ باندی خلیپری . هغه دا مریکي دسینما یودبری له عوا ملو خخه هم همدا وچه دغه نومیالی او ختلی خیری بی د سینما دپردي به منځ بشو دلی دی او داسی شرایط یسی برابر کړیدی چه د هغو په نتیجه کي ته راو سته چه دا مریکي دوسترن ډیری دامریکي سینما ګله ګله دعا تی فلم خپل او چت خلی تاو خوت او خخه ژغور له شویده دا خبره ددی دنپری یې سویه بی توجه او پا ډلنډه لپاره کېږي چه دیر خله دنپری د جله کره خو پدی لپ کی لازمه ده بیلو بیلو هیوا دو سینما ګانو دیو چه ده ټه سری نوم هم یادشی چه لپاره کېږي چه دیر خله دنپری د جله کره خو پدی لپ کی لازمه ده بیلو بیلو هیوا دو سینما ګانو دیو چه ده ټه سری نوم هم یادشی چه او پیښو او عوا ملو له مخه له ماتی پوری ایستلی دی . ددغه سری نوم او اقتضا دی کمزور تیا سره مخامن شویدی او نتیجه ترینه راختلی ده «راکول والش» نومیپری او س اوس چه هغوي ونشی ګولی د چېل بی عمر خورا زیات شوی او پنځه موجو دیت خارنه وکړي . خود اتیا کاله عمر لري .

امریکي سینما د چېل ژوندانه په پذیره پوری خو دا ده چه دغه خوشو لسیزو کی خان دماتی خخه رومان یعنی هغه رو مان چه یونوی ژغورلی دی . او دا ددی لپاره چه ستر دوسترن ترینه جوړ شوی په له عقو هنری امکاناتو خخه یسی څبله دوا لش لیکنه ده او ده دخېل استفا ده ګړیده چه د خلکو لپاره رومان له معنی بی دافلم جوړ ګړیده بی کتنه په ژړه پوری وه او دوسترن والش خه سا ده هنر مند ندی هغه فلم منځ ته راتګ او برابر یدل هم سوبیره پدی چه یو لیکوال دی په دغه هیوا د کی د هغو پیښو خخه همدارنګه هم د سینما او نندرارخی وه چه وی کولی شول دا مریکي یو تکره دایر کتر دی او د سینما سینما له ماتی نه بیج کاندی . توګرا فیک هنریو پوځ استاد بلل به دوسترن فلم کښی دویرو نا متوا کېږي او دا دی پداسی حال کی چه خیرو بشودنه سم هغه کارو چه وی ده ټه عمر پنځه اتیا ګلو ته رسیدلی کولی شول چه ددغه هیوا د سینما دی خو دو هره تکره او تیار دی ته نوی پرسټیز او اعتبار ورکړي . چه کولی شی څېل یوسیل او لسم

# دبوری تال

## دوه کسیزه چتری گانی !

دادی او س دا مریکی په کانزاس سیخونو دالمو نیوم خخه برابر شوی سیتی کی یودول چتری دود شوی په آسانه ټوله خلاصیزی او بیرته دی چه ددوه تنو لپاره جوړی شویدی تپلی کیږی ددغو چتری گانو او دوه تنه ترینه لاندی روان وي دروند والی پنځه سوه ګرا مه دی دغه چتری گانی ډیرو په زړه پوری کوم وخت چه سری غواړی هغه جوړښت لري پدی معنی چه دوه چتره له خانه سره په احتیاطي تو ګه او یولاتستی لري . په زړه پوری خو چېږی یوسی نوبی قاتوی او په لاس داده چه دیری سپکی هم دی څکه چه کیږي خروی . دنایلونی او پلاستیکی مواد دو خخه داهم ددغو چتری گانو یې و جوړی شویدی او لاستی بی سره له نومونه .

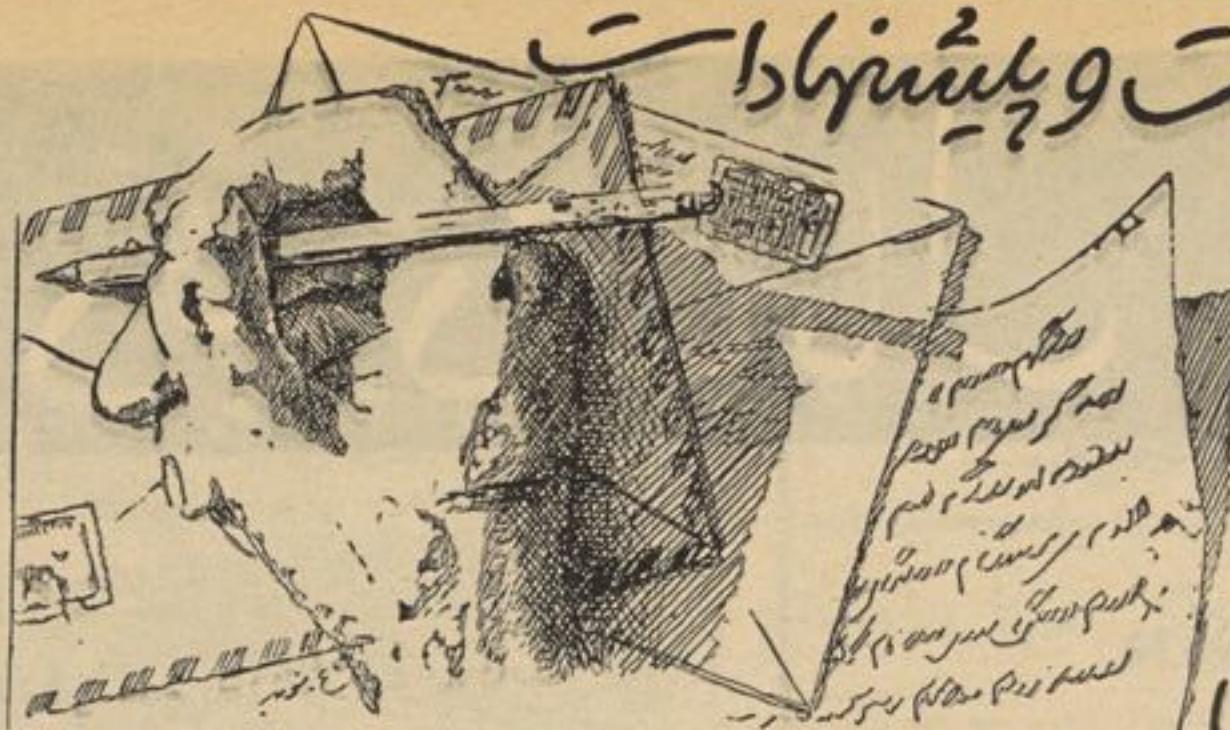


انسانی تاریخ او فر هنگ

## بیا هم د فرانسی د انقلاب په باب

کوم وخت چه شبایر سم لو بی تاریخ لري .  
له منځه یووړل شو د خلکو وینۍ دا هم د مارسی یې ترانه .  
لاپسي هم په غورخنک را غلې وي درخی چه خو دو طن ڈا منو  
او د انقلابی فرا نسی په ضدداور یاټول دویاړ ورڅ رارسید لی ده !  
سلطنتی نظا مونه پاخیدلی او سمبال زموږ په مخامنځ د ځنایت په یو،  
شوی وو او د فرانسی د جمهوریت لپ لی ځنایه رېیږي !  
غوبښتونکو ، داتکل و چه وښی په کلو او باندرو کښی ،  
خنګه وطنپال خلک له وطن سر د ددارونکو سپایانو غورهار نه اوری هغوي را خی خو .  
دمینی په لمړ باندی تو دیری . خنګه د خپلواکی لپاره جګړه کوي اهخنګه  
نه یواخی خان آزا دوي بلکه دنورو سرونه خو زموږ د ڈا منو او میرمنو  
او لسونو لپاره هم د خپلواکی زیری زموږ په غږو کې بری کړي !  
ښباریانو (۱) وسله وا خلی اخپل تو لکی جوړ کړي !  
درخی چه خو ، در خی چه خو، خونا پاکی وینۍ زموږ لښتی خروښی کړي !  
وینۍ زموږ لښتی خروښی کړي !  
ای دو طن سپیڅلی مینی .  
زموږ د ګسات ۱ خیستو نکو متیو لارښو ونهوکړه او هرسته داسره وکړه !  
خپلواکی ای ګرانی خپلواکی .  
د خپلواکی ملاترو سره دی جګړی ته هوکی د دغښی او رونی ترا فی سره و چه د فرانسی ستر او لس وکولی شول ، خبله آزا دی تر لاسه کړی په ژړ هاوونه په داسې حال خخه یې د مارسی نیر د ترانی نوم کې چه دغه ترانه یې زمزمه کو له موندلی و د مارسیز د ترانی نوم شهیددن کیدل اود شہادت جامونه خورا زیات شهرت لري . او دا دی یې خښل تر هغوي چه د فرانسی د ترین ورځی پوری د فرانسی ده لی ولس آزا دی او خپلواکی تا مین سرو د یه نا مه ویل کین ی او ویا پړجن شووه .

# نظریه و پلیسیت نهاد است



اُبْقَاعی  
اُصْلَاعی  
اُنْتِقادی

دامن اینهمه مزخرفات تباہ کن بالآخر هچه وقت

از محيط ما چیده میشود؟

بارها چه از طریق رادیو، روزنامه‌ها، جرایدو مجلات و سایر منابع نشراتی پیرا مون مزخر فات و پهلوهای منفی آن ارباب قلم مقاله‌هاو مضموم نهایه نشر سپردند تا نشود اگر دامن اینهمه مزخر فات پسندی های تباہ کن که بین و بنیاد اقتصادخانواده هارا متزلزل میسازد از گوش و کنار کشور ما چیده شود، اما باز هم، با تأسف دیده میشود که مخصوصا در مراسم تعزیه داری و عروسی عده ای از مردم مزخر ف پسند آنقدر افراط میکنند که خود بدست خود تیشه بریشه میسازند، فامیلها یشان میزندند چنانچه دیده میشود که در مراسم تعزیه داری هنوز هم همان روز های (سه) پنج جمعه و چهار وغیره است که حتی تایکسال مراسم سوء گواری راطول و عرض میدهند، همچنان در مراسم

زمستان رفت بهار آمد، مسلم‌ها میگنی بزیبایی های آن علاقه دارد. هر که به هر طرف به تفریح و تفرج میرود و از منظره های بهاری لذت میبرد.

اما در قبال این امر بایست مردم مامتو جه باشند زیبایی های فصل بهار مخصوصا شکوفه هارا از بین نبرندو بلکه در حفاظت آن جدی ملتافت باشند، چه اکثرا دیده شده که عده از مردم ماحینیکه به دره ها، تپه هاو بوستا نهاد گلستا نهاد به تماشای گل و سبل میروند، بعد هنگام بر گشت بیر حمانه شاخه ها شکوفه هارا از هم قطع کرده و با خود میبرند، در حالیکه باید بدانند که مثل آنها بسی اشخاص دیگر هم است که از دین شکوفه ها و سعادتی نزدیک آن نشیمن و تماشا کردن لذت میبرند، به این ترتیب آنکا که

به قطع شکوفه ها دست میزنند از یکطرف این عمل بذات خود ظلم است به باغ بوستان و شکوفه ها از جانبی هم جلو استفاده دیگران از زیبایی های طبیعت و تماشا از غوان و سایر شکوفه ها گرفته میشود.

پس چه بهتر که از همین حالا جدا به این امر ملتافت بوده و نه تنها خود ماسعی بر آن داشته باشیم تا شکوفه هارا قطع نکنیم بلکه، نکذاریم تا دیگران نیز به این عمل دست بزنند چه این عمل زشت است و نا مطلوب و دست زدن به یک عمل زشت کنایه است نا بخشودنی.

عبدالحق از بر وان

قابل توجه ریاست محترم بناروالی کايل

بیاد دارم موقعیکه بناروال صاحب سرپرست جدید چوکی را اشغال نمودند راجع به حمام ها از طریق روزنامه گرامی اصلاح به اطلاع عامه رسائیده بودند که به حمام شهربیک نفر هیات مقرر گردیده تاز نرخ حمام ها کنترول نمایند باید تذکرداد اگر در آنموقع قیمت اجره حمام

نموده مبلغ پنج افغانی بود اکنون خدارا شکر گذارم که اجره حمام به مبلغ شش افغانی رسیده اگر هیات به حمام ها مقرر گردید چهار جوره حمام ها بدلند رفت و اگر مقرر نشده پس وعده بناروال سر پرست چه شد در اخیر یکبار دیگر توجه آن مقام محترم راد رکنترول اجو ره حمام وغیره نرخ ها معطوف میسازم امید که توجه جدی بخراج داده هر چه زود تر اقدام نمایند.

تعجبه خلیل از شهر نو

عبدالحق از بر وان

از: همایون «در زاده»

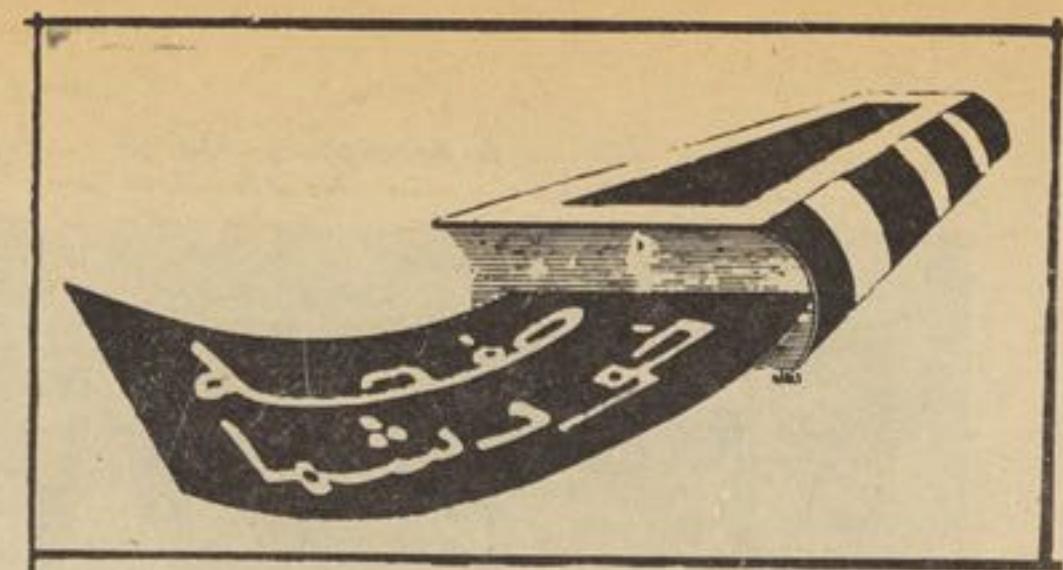
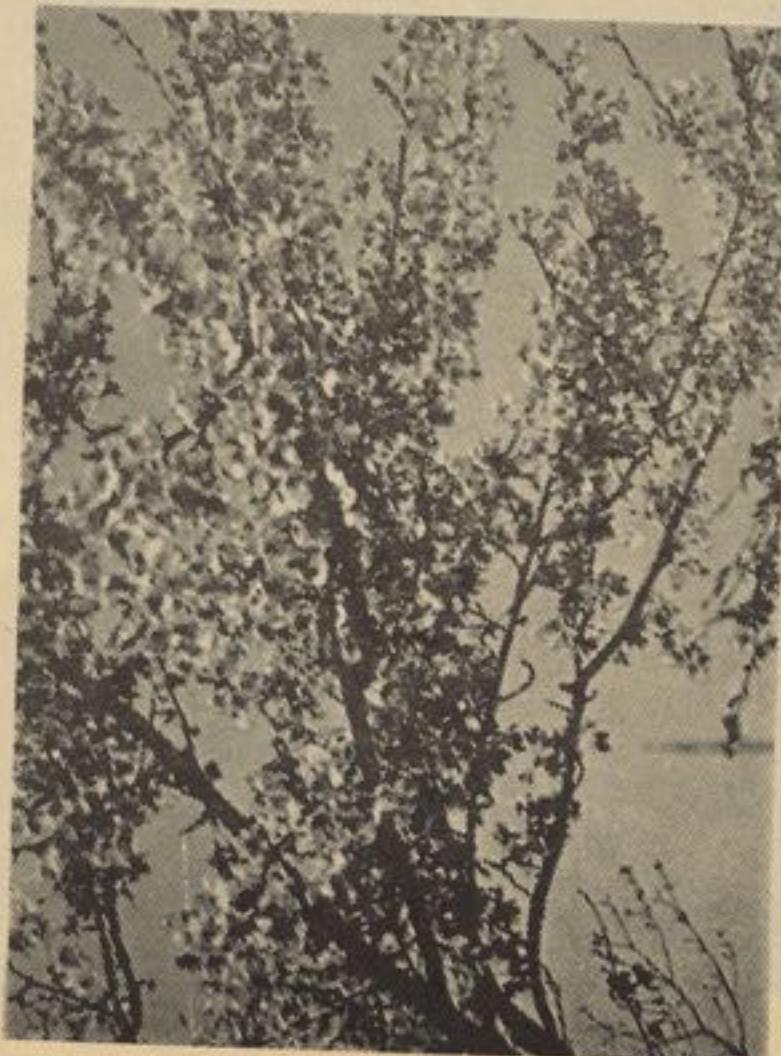
## نمیدانی بهار آمد که . . . ؟

نمیدانم دلم شیدادو مفتون کی است امشب  
نمیدانم که دل مبهوت و مجنون کی است امشب  
سرای و لانه و صحراء و کوه و دشت رنگینند  
نمیدا نم عیسی و مشک شمیرین کی است امشب  
صدای نغمه چنگک و ستاره و بربطوکو سی  
نمیدانم که مست و مطر ب آستان کی است امشب  
فلک در بر توی بروین و جان از بر توی نسرین  
نمیدانم که جان و چرخ میمون کی است امشب  
ندای در حريم خانه ام گفتا که «در زاده!»  
نمیدانی بهار آمد که مهمان کی است امشب؟

## مزده بهار

ازم- رحیم غفاری

رسید هرث ده بهار ز بعد انتظارها  
که بعد ازین جنون کنم بپای گلزارها  
فغان کنید بلبلان به پیش پای گلر خان  
که وصل یار دست داد بوقت نو بهارها  
به صبحدم چو بنگری به کو و دشت لاله را  
براه تو فتاده اند هزار داغدارها  
فغان کنم چو عنده لیب به گلشن ارقدم نهی  
گر یان شوم بپای تو چو چشم آبشارها  
اگر نسیم بوی تو بیاو رد به عاشقان  
چو سبزه زنده می شوند بوقت نو بهارها  
خدای را مکن درین درین بهار وصل خویش  
که چون خزان گشته ام زدد انتظارها  
اگر بیایی سوی من غزال مشک بوی من  
رهاشود غفاری ات ز بار گیرو دارها



از عبدالرحمن «طاهری»

## بهار و کار

آمد بهار ای نوجوان هر روز و شب در کار باش  
خدمت نمایه هر وطن اذتنبلی بیزار با شن  
آمد ندا از ششجهت بر خیز واخواب گران  
چون ببلل شوریده بی باوجود وهم سرشار باش  
دارد همه امید تو صبح و مسایی جانمن  
اندر سخا ای مرد ره چون حیدر کرار باش  
اندر بی او ج وطن از صدق دل زحمت بکش  
در هر کنار و بیشه بی چون برق مشعلدار باش  
اکنون که کوه و دشت و در زیبا و افسونگر شده  
صنع خدا بنگر بدل دائم برین اقرار باش  
با ران رحمت گرد می نازل شود از آسمان  
خاک سیه زیبا کند در کشف این اسرار باش  
عالی شده خلد برین یکسر درین فصل ریبع  
اکنون ز بهر ملک خود جو ینده و پر کار باش  
خلق نیکو را پیشه کن این است زمزندگی  
اندر میان جامعه خوش خوی و خوش رفتار باش  
فرصت مده از دست خود باردگر آمد بهار  
مانند گل نعمی بده نی بر مثل خار باش  
بنو شته ای «طاهری» از بهر تشویق جوان  
بر سند هر جا گر ز توقایل بین گفتار با شن

## نو بهار

بیاد لبر به سوی من که فصل نوبهار آمد  
به ببلل گل بصد عشرت بمن دیدار بار آمد  
پرستو ناله سرداد و شکوفه بر درختان شد  
گل آمد ببلل آمد شمه مشک ترا ر آمد  
چمن ها سبز و عطر آگین ز بوی زاده موسم  
هزاران گل بگلزار و به صحراء لاله زار آمد  
بمن عشق و وفا و مهر والفت بیشتر گردید  
به او کذب و دغا و حیله های بیشمار آمد  
«لبیبا» هر طرف بنگربر صنع خدا و ندی  
بجز غفلت زما بر او بکو دیگر چکار آمد؟  
اثر: غلام جیلانی بادر غانی لبیب

# آوازگی در شب

«اویلور» هر پیشه جوانیست که با «هیکو» هنر پیشه تازه کار در صحنه فلمی نقشی را بازی میکند، بعداز ختم فلمبرداری او بادو همکارش جهت صرف غذای جاشت جانب زمستورانی برآمی افتاده در نصف راه «اویلور» از دوستانش اجازه گرفته، میرود بخانه تادوایش را گرداند خود را آنرا قبل از صرف غذا برای اوتوصیه کرده بیاورد، همینکه بخانه میرسد، تیلفون زنگ میزند، او گوشک را بر داشته و با سراسری میگویی جواب میدهد.

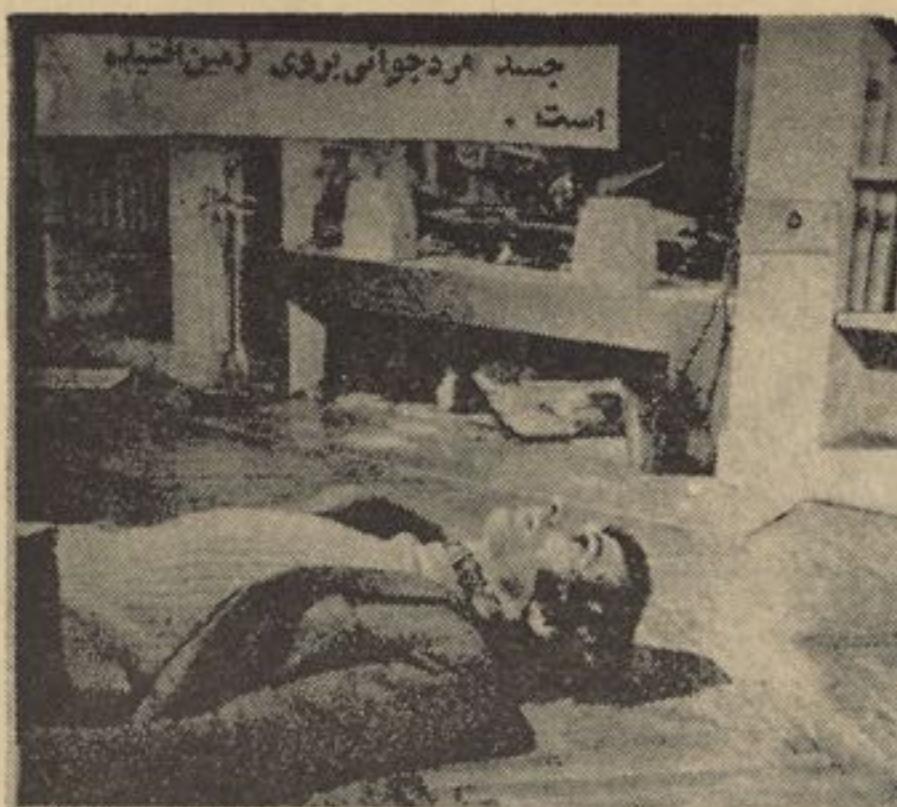


بلی ... فرمیلم ... بسیار خوب.  
فورا هیایم ...



صفحه اول

جسد هر دچاری بروزی زمین اسیده  
است .



هن حستم آواز تیور، او!



الو، اداره پولیس است .

جنده دقیقه بعد کو هیمار  
با چند تن افراد به محل  
واقعه میرسند و او پیور  
مورد باز پرس قرار  
میگیرد. او ابراهیم  
پولیس هیگو یه که  
روبرت از سه  
سال به این طرف  
سکر ترش بوده  
است .

۳۷

روبرت! روبرت!

۳۸



بلی .

پس چرا جسد اودر اینجا است؟  
میتوانید در اینباره کمی دو شنی  
بیاندازید؟



صفحه دوم

۳۹

۴۸





کوئی سار ریو نیس . اکثر گرفتار گلمر را ملاقات میکند و  
دو چنایتکار قیست .



دلوپیون سماقت دیناوند ..



میر کلار ملی و همینه یکدیگر باسکر ترش بسیار جوست بود .  
نه ملاقات میکردند .



افروی اخلاق، رفتار و دوستی  
اینکه او گیور باسکر ترش داشت  
میتوان حنس و دکه او قاتل قیست .



شما عقیده شخصی خود را بدون  
سوال جواب میتوئید . لطفاً به  
سوالات من پاسخ بددهید .



نورا چهارمین بازی پرس فرازه میگیرد .  
این دیگر احتمانه است که ماو  
چنایتکار باشد .

من هم همین  
کنیته در آنارم .

لحظهه دستور کپتان را انجام داد.  
زیرا خود او نیز چنین هدایتی را منتظر میکشید، زیرا این هدایتی بموقع وعاقلانه بود. پس از لحظهای باز هم کپتان به او کین روی آورد.

— «تیلی اربز کتیف» (رامتوجه آن سیاره ساخته، پرده رویت را روشن سازید!  
لحظهه ای بعد بر روی شیشه مقابله روشنایی خفیف پدیدار گردید و سپس یک رخ کره عظیمی که روی مدار خود به آهستگی میچر خید نمودار شد.

عزیزوف گفت:  
— کارها طوری جریان می یابد که خودم تصور نمیکنم.  
شوکت باز هم بانگاه استفسریام آمیزی سوی او دید، اما کپتان مثل اینکه متوجه این مطلب نشده باشد باز هم به او کین روی آورد:  
 تمام وسائل منجش و اندازه گیری بانهای دقت واهتمام تحت نظر قرار داده شود! بسیار محظوظ باشید!

عزیزوف پس از تأکید این مطالب راه غرفه خودرا پیش گرفت. هنگام رفتن با انه که از در وازه داخل میشد مواجه گردیده لحظه ای متعدد هاند انه بچهره او که شاید از بیدار خوابی پریده رنگ بنتظر میرسید، با نگرانی چشم دوخته برسید:

— آقای کپتان کدام تکلیفی که برای تان عاید نشده؟ خیریت خوبست؟  
عزیزوف با صدای خفه آهسته پاسخ داد:

— خیریت است انه، کاملا خیریت است:  
ودر حالیکه خودش از آواز خود نفرت داشت، پسرعت داخل غرفه دیگر شد شوکت که شانه هارا بالا «می انداخت به او کین رو کرده گفت:  
از هیچ چیزی نمیتوانم سر در آورم

او کین (که ظاهرا شاید او هم از چیزی اطلاع داشت) باز نگی باچشم چپ خود پلک زد:

— فیلسوف، اینقدر عجله نکن، بزودی تمام موضوع را درک خواهی کرد!

هدایت کپتان برای کاملا سرعت سفینه بیجا نبود. او همینکه بداخل غرفه خود پاگذشت احتساب کرد که واهمه مبهم وغیر قابل فهمی آهسته آهسته بر قلبش چیره میگردد. مبادا نوعی بیلاتگی دامنگیرش

ترجمه: جوز بجانی

نویسنده: ح. شیخ اوف

از مجله «ستاره شرق» اوزبکستان  
شوری

.....  
— برای چقدر وقت همینطور شد؟  
— برای چند دقیقه.  
— آیا نتوانستید بعلت آن پی ببرید؟  
او کین باز هم با چشم چپ خود پلک زد و گفت:

بعقیده من شاید در فواصل نزدیک پرواز ها کدام سیاره وجود دارد عقرب گالوانومتر شاید در تحت تأثیر ساحه وسیع کو های بزرگ مرکب از منکهای مقنا طیسی قرار داشته باشد.

مثل اینکه این پاسخ طرف قناعت عزیزوف واقع نشد و بعد از آنکه کمی ابرو درهم کشید دستور داد.

شوکت را بخواهید!

همینکه اختر شناس سفینه به آستانه در ظاهر گردید، عزیزوف باوروی بر گردانید:

شوکت، لطفا از روی نقشه بما نشان بدهید که در کدام نقطه پرواز داریم؟

لطفا یک دقیقه، شوکت به عقب برگشت و نقشه را با خود آورده روی میز هموار ساخت و بعد از آنکه انگشت خود را روی نقشه حرکت داد، نقطه ای را نشان داده گفت:

سماکنون درین نقطه پرواز داریم: عزیزوف در حالیکه بدقت روی نقشه میدید چنین استفسار گردید: مثلیکه در حوالی نزدیکها کدام سیاره ای وجود ندارد؟  
شوکت با لهجه ای قاطع پاسخداد:

کاملا همینطور است؟

خوب... در رو بروی ما چطور؟  
— عزیزوف بانوک انگشت نقطه ای را بروی نقشه نشان داد. اینکه درین نقطه سیاره ای قرار دارد که مادر جستجویش میباشیم، مگر چنین نیست؟ و این هم قابل یاد آوری است که این سیاره نسبت بتمام سیارات دیگر بمانزدیکتر است.

آقای کپتان، کاملا همینطور است برای رسیدن باین سیاره ده ساعت دیگر وقت لازم است.

تفییر غیر منتظره ای بر چهره عزیزوف پدیدار گشت و فورا روی او کین کرده با صدایی قاطع و بلند دستور داد:

فورا از سرعت سفینه کاسته شود!

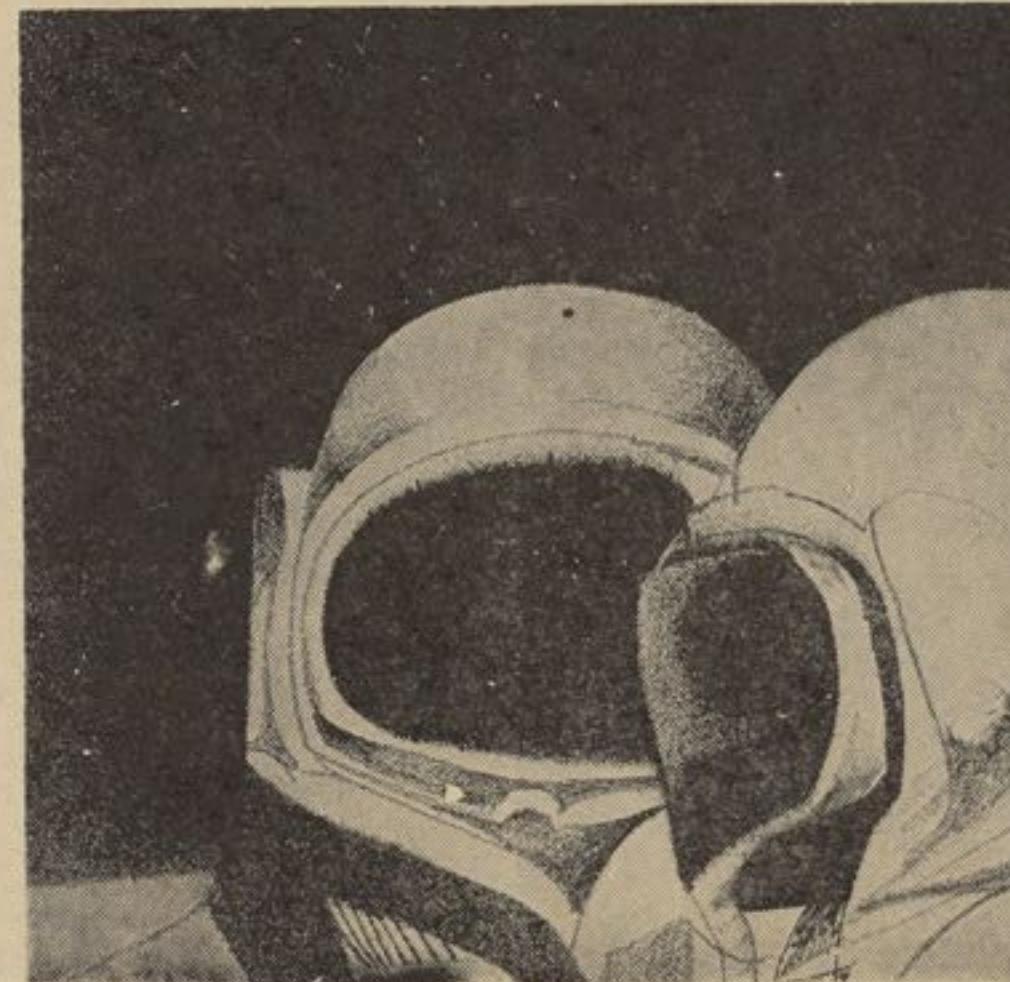
شوکت نگاهی تعجب آمیز به کپتان می انداخت به او کین رو کرده گفت: یکی از دکمه های بیشمیار در همان

# معمای رینی

## فاتیزی علمی

آنچه تاکنون خوانده اید

بیل رینی دانشمند اختر شناس بر تانیا توسط سفینه سیاره پیمای «فوتون» بریک سیاره مجهول فرودمی آید و بشکل هر هوای نایبودمیگردد چند سال بعد قهرمان کیهان نور دشوروی عزیزوف تصمیم میگیرد برای حل معما رینی باین سیاست نامعلوم سفر کندو باسه کیهان نور دیگر توسط سفینه سیاره پیمای الماس برای این منظو و بسفر پسر از مخاطرات آغاز مینماید. در طول راه شوکت دانه توسط هاشین همه چارو بنام عقاب بر سیاره «ویکه» فرود آمده از منبع طبیعی اورا نیوم آنچه مادسوخت کافی بر میدارند والماس بسرعت نزدیک بسرعت نور به سوی سیاره نا معلوم به پرواز خود را داده بود.



مذکور بر بدنه سفینه هیچگونه خواهند گردید ... واز تمام کیهان جابر خاست. تمام اعضای گروپ ضربتی نتوانسته باشد وارد آورد. بدقت سوی کپتان نظر استفهام آمیز صدای مصیبت باری کمک خواهند خودرا دوختند. شاید در باره این یکبار عقیده من اگر عقب سفینه، یکبار از تزدیک مورد معاینه قرار گیرد بد خواست و بعداز آن کاملا مثل سفینه حاده شکفتانگیز توضیح میخواستند «فوتوون» ... نه ... هر گزنه ... عزیزوف که بمو ضوع بی برده بود چنین حاده ای ممکن نیست روى به آهنگی که میکو شید بقدر توان مطمئن و آرام باشد، چنین توضیح دهد! فورا باید درصد دچاره ببرآمد! طورغیر منتظره با این جمله درین سخنان کپتان دوید.

عزیزوف بدون آنکه بطرف دختر نگاه کند، مثل اینکه صدای اورا نشینیده باشد، با سخنان خوددامه داد.

— این کار را شو کت انجام مید هد! — انه باتائق لب خودرا گاز گرفت اوحساس کرده بود که اخیرا وضع کپتان تغییر کرده و معلوم نبود چرا با نگاه های عادی از اعتماد بسوی او مینگرد. اما چه میشد کرد؟ او خوب میدانست که دستور فرمانده قاطع و غیر قابل رد است.

شوکت ی مجر در شنیدن دستور اظهار آمادگی کرد و بسرعت از جا برخاست و برای پوشیدن لباس مخصوص ص فضا نوردي داخل غرفه گردید. لحظه ای بعد انه که گیر موشلم بسر داشت از عقب دریچه مدور کورید و رالماس حرکات شوکت را از نظر گفرا نید که در بیرون مصروف معاینه سطح عقبی سفینه بود. شوکت رسماً مخصوص را که یک نوک آن به عقب سفینه و نوک دیگر آن بکمر خودوی بسته بود بدمست کرفته مثل کسیکه در آب شنا نماید در فضای شنا میکرد و بدقت بدنه الماس را از نظر میگذرانید و همینکه پس از زیع ساعت معاینه، داخل کورید ور گردید، دختر اورا سوال کنان استقبال کرد:

چطور بود؟

شوکت در حالیکه رسماً مخصوص را از کمر باز میکرد، پاسخ داد: هر چیز درجای خود است. انه در باز کردن و کشیدن لباس مخصوص فضا نوردي با وی کمک کرد.

۹

چند ساعت بعد آواز ور سای شوکت که میگفت: « دقت! دقت! به سیاره نامعلوم نزدیک میشویم » تمام کار کنان سفینه «الماس» را بآیا استاده کرد. هر یک از فضانوردان بلا درنگ

خواهند گردید ... واز تمام کیهان جابر خاست. تمام اعضای گروپ ضربتی نتوانسته باشد وارد آورد. بدقت سوی کپتان نظر استفهام آمیز صدای مصیبت باری کمک خواهند خودرا دوختند. شاید در باره این یکبار عقیده من اگر عقب سفینه، یکبار از تزدیک مورد معاینه قرار گیرد بد خواست و بعداز آن کاملا مثل سفینه حاده شکفتانگیز توضیح میخواستند «فوتوون» ... نه ... هر گزنه ... عزیزوف که بمو ضوع بی برده بود چنین حاده ای ممکن نیست روى به آهنگی که میکو شید بقدر توان مطمئن و آرام باشد، چنین توضیح دهد! فورا باید درصد دچاره ببرآمد!

داد :

شده باشد ... اما فضا نورد کار آزموده ای چون عزیزوف کمتر دچار اشتباه میشد ... کپتان در محلی که نشسته بود، پلکهای خودرا شاید از تائیر کم خوابی اندکی سرخگون شده بود، رویهم گذاشت.

خطر ...

از آواز بلند پر قوت شو کت ستاف سفینه الماس بیا استاده شدند. تمام آلات سنجش الکترونیک داخل سفینه ارقام غیر قابل تصویری را نشان میدادند شو کت نیز در برابر حاده شکفت انگیز قرار گرفته و مثل این بود که چشم‌انش از حدقه برآمده باشد. عزیزوف که در مقابل تابلوی هدایت قرار داشت با فشار دادن دکمه‌ها، سرعت سفینه را تا هشتاد فیصد بایین آورد، اما از درک اینکه قلبش از احساس دهشت آوری پشتد بی سابقه‌می تبدیل گردید او کین وانه نیز یکی بعد دیگر وارد شدند. عجبا! از چهره آنها نیز علایم اضطراف و سرما سیمکی بوضاحت خوانده میشد. معلوم نبود چرا ستاف سفینه مثل اینکه سخت ترسیده باشد، قدرت حتی یک کلمه راهم یا هم نداشتند ... جالب است... چه وضعی پیش آمده وجه حاده ای در شرف و قوع است؟ او کین بزبان قزاقی جملات درشتی بزبان آورد واز شدت سرما سیمکی مانند کسیکه در حال نشه باشد توام با حرکات دستان خود با کلمات بزیده بریده گفت:

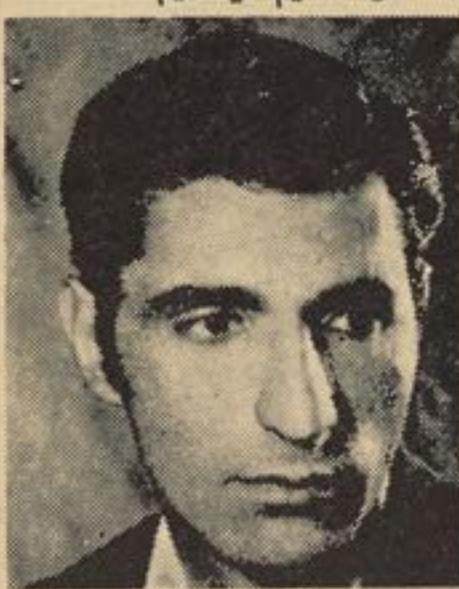
— عقیده من، باید فورا... به اثر خارج گردیم!... باید... کمک بخواهیم! عزیزوف مثل اینکه مورچه ای روی پوستش در حرکت باشد، تکان خورد، او حاده رینی را بخاطر آورد بود. کپتان در حالیکه میلرزید باز هم بادکمه ها مصروف شدو بسرعت سمت حرکت سفینه را از جهت سیاره بسمت دیگر تغییر داد. اما همیه راه نجات از نابودی بود. اما همیه سفینه بدون آنکه تغییر سمت دهد، در تحت تأثیر اراده مرموز نیرو مندی قرار داشت و همچنان بسرعت جلو میرفت. قلب عزیزوف به استخوان پشتیش چسبید. و باز هم دکمه هارا بقوت فشارداد و به دور دادن گو تکها شروع نموده، اما تمام حرکاتش بی نتیجه بود... حالا آنها هم به سر نوشتم پر و فیسور بر تا نوی دچار

# دای معلومات

بیشتر

## نظری

### به قانون جدید پولیس



بنagli خیفی

نامه نگار هابانی‌ساغلی سید خلیل خیفی تماس گرفته مصاحبه بی در زمینه بعمل آورد که ذیلابه مطالعه خوانندگان تقدیم می‌داریم.

بنagli خیفی راجع به ماهیت حقوقی قانون مذکور گفت: الیته شکی نیست که بعدازتاریخ نهم میزان سال ۱۳۴۳ یعنی تاریخ توشیح قانون اساسی افغانستان قوانین که جمهت تامین ارز شهای مندرجه قانون اساسی تدوین گردیده همه وهمه بمنتظر تنظیم بهتر شون وار گان دولت، تنظیم حیات ملی و بمنتظر تامین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه و تنظیم و تطبیق حیات دیموکراسی بوده است.

طوريکه ملاحظه می‌گردد این اصل درقا نون پولیس حداکثر هر ۱۰۰ عا گردیده و پولیس به انتظا رات و تمنیات مردم مبنی بر تامین نظم و امن عامه. جلوگیری از قوع جرائم صیانت دارائی و منافع عامه، وقا یه وصیانت آزاد یهای حقوقی افراد، پاسبانی واجرا گزمه در قلمرو حاکمیت ملی افغانستان انجام وظایف و مکلفیت‌های ترافیکی و اطفای حریق رکیک و معاو نت باسایر اور گنهای دولت در اثنای وا قعات غیر مترقبه بحکم قانون مکلف گردیده است.

آنچه که بمالحظه بندنیماده هفت قانون مذکور از نظر پرسیپ قابل تذکار و حائز اهمیت قضایی است دریافت اصل ترتیب معلوم بر علت همانا تعین حدود صلاحیت پولیس کشف عناصر چهارگانه جرم ملاحظات

شمامی توانید با مطالعه این صفحه معلومات تانرا در زمینه های مختلف بالا ببرید

• • •  
مطالعه این صفحه را به همه مخصوصا برای متعلمین معارف توصیه می‌کنیم

## الیزابت بو او نینگ

ترجمة زنان معروف اویل قرن نزدهم انگلستان یکی هم الیزابت برت بو او نینگ شاعر معروف و پرآوازه بود.

الیزابت شاعر انگلیسی در سال یکهزار و هشتصد و شش هیلا دی دریکی از شهرهای انگلستان چشم‌بدنیا کشود. وی تحصیلات ابتدایی و عالی خویش را در مکاتب انگلستان انجام نموده و علاقه زیادی به مطالعه داشت. وی با وجود یکه در کودکی ضعیف ورنجور بود، در جوانی اش دختری زیبا و شا دابی گردید.

یکی از آرزوهاییکه الیزابت همیشه در دل می‌پروردید این بود که شاعر شود و نامش در جمله شعرای آنوقت معروف گردد. وی می‌خواست با سرودن اشعار دلپذیر خویش جذبه عشق و دلدادگی ایام جوانی اش را

## شخصیت های جربه تاریخ

بروی صفحه کاغذ منعکس سازد. و بنا بران اولین اثرش را بنام پیکار ماران سرود درینوقت الیزابت پوره سی سال داشت و ازین به بعد موقیت هایی را صیغش شد و اشعاری به زبان های دیگری نیز ترجمه و نشر گردید.

در سال ۱۸۲۴ با جوان انگلیسی که آنهم شاعر بود ازدواج نمود و چندی بعد هریض و نا راحتی های جسمی دامنگیرش شد و بنایه توصیه طبیب معالج انگلستان را ترک گفته بسوی ایتالیا رهسپار گردید و تا پایان عمر در همانجا اقامه گزین شد و آثارش را در همانجا منتشر دسانید. از جمله آثار مهم اویی توان بساغ متروک و سایه بان گمشده را نام برد.

سواء وظیفه و مکلفیتیها ی پولیس و تاسیس نمایند گیمهای خود در جوار و مستو جب وجود اشخاص مسلکی خارتوالیهای ولایات کشور سالانه و صاحب ذهنیت های حقوقی به تعداد زیاد جوانان پولیس را جلب و جذب خواهد کرد به همین منوال اقتضای شان حیات دیمو کراسی و بر شعبات اداری، قضايا دولت، ثبت و فق هدایت ماده ۱۰۳ قانون اساسی اسناد، حقوق و سایر تشکیلات وزارت وظیفه خارنوال یا مدعی العموم عدیله باحو صله و سینه فراخ میتواند است.

ونیز بیمورد نخواهد برد هر گاه مخصوصین سایر پوهنهای ها، یکلوریا از اقدام مشتبه و مقبول که از عنصره داران وغیره مأمورین را پیزیرد.

- بنیانگذاری حیفی پیرا مون قانون پلیس صحبت خود را اینچنین ادایه داد:

بدست اجرا گر فته شده متذکرو مطلب عمده و اساسی دیگری که در مفیدیت آنرا توضیح نمایم خارنوال واعضای مسلکی خارنوالی که مطابق به تجویز اخیر مقام وزارت عدیله قانون مذکور مبنی بر اصل بیطری فی مختص به لیسانس های پوهنهای های حقوق و شرعيات خوانده شده همانا هدایت معتبر ماده سیزدهم جریانات سیاسی و گروههای اجتماعی و معانع آنها از نظر هرات است که در خور ستایش و تمجید است، نخست وظیفه حقوقی و قضایی خارنوالها البته تامین و تطبیق این امر از نظر پرنسیپ حقوق و تعامل قضایی بمنظور که فوغا از آن تذکر از کار عمل آمد یا اختصاص ساخته وظیفه ما مورین و تحصیل یافتن گان پوهنهای مذکور باید ذات مسبب تشویق آنها در توسعه معلومات و مطالعات حقوقی آنها بوده و آرزوی تقویض کار به اهل کار را تحقق میبخشد. از جانب دیگر باتامین مردم مذکور از قوه به فعل و در آن بحیث ضمیمه قانون در قانون خارنوالی گلیم بی سامانیها و خویشخور یها رادر آینده نیز چون گذشته قریب درهم پیچیده عدالت جانشین قضاوت و خواسته های شخصی خواهد شد که البته در این میانه موقف مو و قعیت لیسانس های شعبه قضایی پوهنهای حقوق که صرف بمنظور و مردم تر بیت چوانان در رشتہ بخصوص مذکور بعد از انفاذ قانون اساسی در چوکات آن پوهنهای تاسیس گردیده ثابت و مقدم از همه و تعییب واقع شود و بر آن مجازات مقرر گردد یاخیر؟

وقتیکه از بنیانگذاری حیفی راجع به این مذاقه و توجه که مربوط به افکار و عقاید اکثریت یک جامعه است سرنوشت لیسانس های سایر هیچ چیز به اندازه آن قابل تعییر پوهنهایها در چوکات وزارت عدیله نیست چه در هر جامعه عقاید دوستی در مقابل این اقدام سوال شده گفت: اجرای چنین امر به هیچ صورت به نمایندگی و تبارز افکار و عقاید عمومی متکی بر پر عرض خاص و شرایط موجب ضیاع حقوق کار دیگر اساسی زندگی اجتماعی آن جا معاشر لیسانس هادر شعبات وزارت عدیله خواهد شد چه هم اکنون و یا است بوده و بتاتی از آن بعضی اعمال را کشف جرایم اداره لوی خارنوالی نه برای بقاء آن جامعه لازم و لابدی تنها از تمامی فارغان اکادمی خوانده بر عایت آن توصیه میکند پولیس در چوکات آن وزارت و تخلف از آنرا بوسیله تعقیب جزایی استقبال مینماید بلکه با افتتاح بقیه در صفحه ۶۰

کشوریست که مانند جزیره بزرگی در جنوب شرق آسیا و پایا نتر از جزایر اندونزیا واقع شده. از طرف غرب و جنوب به بحر هند واژه طرف شرق به بحر الکاھل هم سو حداست.

## آسماء الیا

کوهای کاسیو سکو در ساحل شرقی آن امتداد دارد. سطح هر تفعیج جنوبی آن دو هزار فوت بلند است. مساحت این کشور دو میلیون و نیصد هشتاد و یک هزار و هشتاد ویک هزار و دهانی تقریباً دوازده میلیون نفوس است. مرکز آن شهر کانپیرا دارای هفتاد و چهار هزار نفر سکنه است. زبان رسمی مردم آن انگلیسی بوده و یک کشور دو را عنی و صنعتی پیش از آن شد هفتاد فیصد عایدات ملی از دریاک توپیدات از تولیدات زغال سنگی بوده است. تو لید پشم همترین



صنعت آسترا لیا بوده و سی فیصد پشم تمام جهان را تولید می کندونیز از نظر حاصلات و تولید گنمی یک مملکت غنی است. صادرات عمده آن راشکر میوه جات، سبزیجات گوشت، جبوبات، سرب، نفتستگهای معدنی آهن، فولاد، منسوجات، رنگها، ادویه جات، ماشین باب، هوفر، ماشین موتور، طیاره و کشتی وغیره تشكیل می دهد. در تریه موادی نیز خیلی یک کشور مترقبی بشمار می رود.

آسترا لیا در سال ۱۹۰۱ بحیث یک کشور مشترک المنافع در آمد. حکومت سرمهای گذاری انفرادی را تشویق نموده هنر سبات خود را با انگلستان و اضلاع متعدد حفظ نموده است. این کشور در بسیاری پیمانهای نظامی عضویت دارد. همچنان کشورهای مشترک المنافع است.

رویاهات و حالات مجرم ترتیب ثبت نظر بمعطای اعلان قانونی و پر نسبت تحضر منحیت قرینه قاطعه اثبات های حقوق جزا اصول معا کیا ممکن و پیش آمد حالت مختلف جرم تشخیص ماهریت و مشهود دیت یا غیر مشهود دیت جرم با مردم را عاتی و طرق حل حقوق معضلات در اثنای تفتیش، مراقبت مراسلات و مکاتبات اتخاذ تصمیم مبنی بر حالت تجربید همه مردم در ایام و جریان تحقیق و سایر احوال همهاز زمرة وظایف اختصاصی خارنوال منحیت اختصاص و ظیفه

## پسرو لی

شگفتنه په هر طرف تازه بهار  
 یا انواع کرم دکلونو در ته شمار  
 یا جلوه دروان آب په سبزه زار  
 سرسبزه دیباخ دلخواه هم دکلوه سار  
 رنگینه گورو محلت کلی دیار  
 یابی لحن خوالو نه خوش منقار  
 یا په غاره دخو بانو رعناء هار  
 بی شما له آشفته دستارولونه  
 یابی رنگ سبز و گل فام دستندلوار  
 یابی بروت دسره بزوان په سرو لبانو  
 یابی تیک په تور اوربل باندی آشکار

(کاظم شیدا)



## بز گره

ستا له زیاره و دانیبری، دبست رغونه ای بز گره!  
 شنه زرغون و اپه بنیکاری بری، بیا بانو نه ای بز گره!  
 ستا دمتو برکت دی، چه جهان پری تازه بنیکاری  
 له سپیرو خاور و توکیری سرمه گلونه ای بز گره!  
 به هر لوری ابادی شی، ستا لـه فیض اوله همته  
 هر هخواگل گل خلیبری، چمنو نه ای بز گره!  
 په تهاکو په خواریو چه تل شا پری ابا دیری  
 شنیلی ترینه جو پری، شی بیرون نه ای بز گره!  
 منظری دطیعت هم، ستا په چاودو چاو دو یوندو  
 په قسم چه بنا یسته کیری، گلشنو نه ای بز گره!  
 مرکونه ای اغزی گلزار شی په گلونو تل بدیبری  
 خوشبو بی باندی مستیری دماغونه ای بز گره!  
 افتخار دیول هیواد بی، داوطن په تاودان دی  
 ستا خولوباندی او بیبری، کر کبستونه ای بز گره!  
 ته ربنتینی خدمتکار بی، دخیل قام او هیوادوا لو  
 ستا په گو توسمسوزیری خدا پری غرونه ای بز گره!  
 ته خادم دوره او زیوری، خکه ورداحترا م بی  
 تقدیریزی، ستایل کیری، ستا کارونه ای بز گره!  
 ته غم خود بی، ددی خاوری، (ننگیالی) وانی و قاته!  
 خیردی خیر که تهاکیری ستالاسونه ای بز گره!  
 ننگیالی خود یافنی

## لکه گل په خندا بنیکاری

لر دخیال پردو کبیسی داشه  
 را تازه گره زو په یا دو نه  
 خماری ستر گی بنیکاره گره  
 بیا را غلی دی هوشو نه  
 جنا ذی داو بنکو گو ره  
 په او رو د حسر تو نه  
 دا نیمکری آرما نو نه  
 خپله خپل سوی لیمه کبیسی  
 شوـم دشمعی غوندی او بنیکه  
 چه رو بنانه نه ونه شو  
 ستانه نری خندا چی  
 لکه گل په خندا بنیکاری  
 چه بی گو روی عالمونه  
 هفوی خه کوی جامونه  
 داجمل خپک د گو نه  
 سوز و ساز نه دی د ک کری  
 «اجمل»

# دھنیلو دلار وان

# دەمینى راز

## پىسو لى راڭلى

راغنى ، را غىن پىرسلى . راڭلەھوا دېسلى  
نۇمە ، نۇمە گۈمى شو لە را بىدا دېسلى  
پە ھەر لور شىنى منظرى وينىم گلۇنە رىنگارىنگ  
طبيعت انخورە كىرى ھەرە خوا دېسلى  
پە گلا نو، بۇتۇنىكارى سوروشىن دىخىكى مەخ  
سەرى غۇقى كوي پە بىنۇ كى خندا دېسلى  
نۇم، نۇم بارا ن اورى دىكلا نوبە رەخسار  
دىنعمت لەورىيغۇ دەكە دە فضا دېسلى  
پە مستى، مستى راۋىخى شىنى اوپەلە شىنۇ دىزۇ  
دەك رودونە لە او بو كاڭرمبا دېسلى  
دەسحر ورمعە راواالو لوتكە پە لوردى گلستان  
خېرىرىپىنىلى گلۇنە لە وفا دېسلى  
پە ھەر باغ ، ھەر باغچە كى جەموجوش دى دەمەلۇ  
پېغلىنىجۇنى او زەلمىان كوى نخاد دېسلى  
لاس پە لاس، غاپە پە غاپە دى دباغ گەل وېلىل  
مباركوا بىي يو بل تە تماشا دېسلى  
بىيا بىي نوئى داوخىتو تە تماشى لەرە ورخە  
پە بۇستان كى را شەھوگورە بىنگلاد دېسلى  
نە بە پاتى شى «ەمدەمە» داد سەرە گلۇ دورا ن  
نە بە تىل وى پە دەنيا كى داشنا دېسلى

حسن(ھەممەم) تىمۇردى



كلى! چە رايادە شى خېلخان شى رانە ھېر غوندى

ستا خوا بىزە يادونەمى لە زېھدى راچاپىر غوندى

دېرىھ زیاتە مېينە تا سەرە بىنگارە كۆم خىكە

كىرانە! پە دى بىنگلۇ كى تر ھەرچا يې راتىپەر غوندى

ستا دېنگلى خىال پە سەمندرى كى خان لامھو كىمە

ما باندى چە كەلەشى دەزۇن دەرددونە دېر غوندى

دەچە بىي وران كىرى دېر كورۇنە دەمېنسو دى

نۇم دەغا زانومى يە خولە لەگى كەنديپەر غوندى

كەلە او ناكەلە چە وقادى يە وعدو نە وى

دەغە بېتىسى مە كوه اشنا دەچاپە خېر غوندى

ۋايىھە پە چارچە رازقى تە دېرىھ گىرانە يىس  
تە دى ھەم رازو نە كەرە دەمېنى وربرى سېر غەنندى

«رازقى» نېرىھ وال

# ستاسو پەنۋە

## خوبولى نىشە!

دېنائىست ناوى دى دەنخ بە پىلوشۇ كېنى پىرتە!

مسەتەخوانىدى خوبولى پە نىشۇ كېنى پىرتە!

باپە دى بىا دەچا نظر تە ھەر كلى وا بىي؟

دەزا خەندادى بىتە نغېشىتى بە سىلگۇ كېنى پىرتە!

دەنخ چىوه دى شوھ دەزلىفو دەتىيارونە لاندى

لکە سېپۈرمى چەھوئى دورىيغۇ پە پىردو كېنى پىرتە

خىال مى مستى جورى دەھىلۇ غەزۇنى گەنلى

لکە نشەھوئى لەسىدىلى پە قىبو كېنى پىرتە!

دەمېنى راز دى آد مخانە درېباب نەمە شو

بىنگلى بېنېتۇ شوھ بە پېۋنى دەرخو كېنى بىرتە!

د (اباسىن) داوبىنگو خاخكى سەتاد حسن سېرلى

لکە چەپرخە دەسحرىو پە غەنچە كېنى پىرتە!

اباسىن - ساپى

# «شکوه علفرار» فلم ستوري ناتالي وود!

هجه له روبرت واگنر سره خه و هژوندلري؟



ناتالي وود او د روبرت واگنر: مونږ داسي احسا سوو چهله واده نه هود  
دوه کاله تيرشوي زه دوولس کاله

ههني با ندي ليكنى وکرى او دا فلم دلته اليزابت قايلر ته گونه ونيوله  
بي د يو چير ستر فلم يه دود شوه ددي لپاره چه ههني تر اوشه  
خلور واره واده کپريدي چهوروستي  
واده بي وروسته تري ادي فيشره  
له ريجارد برتون سره شويدي تر  
اوشه ههني گمه زوند لري .

سوهه يواخى د گونکو فلمونسخى  
دناتالي و د داو وا گنر دا نتيجه  
كلو داسي احساس گوو چه دوه  
کاله مو له واده نه تيرپري يوه په

او د اسي هم تر نظره هراخى چه  
داليزابت تايلر د زوند خنه په  
سره يوخاي ساتلى دى . ضمنا دا  
هم باید ووبل شى . او پدي کي  
يى خپل خيرليدى چه خپل هوسا او روبرت وا گنر يو لر هنرى  
وچه چير و سترو کره کتونکو يه  
زوند ته غز ونه ورکري دا چه ولی يروزى لري .

زوند لري کو هم شى چه کولى يس  
شول د هغوي تر منخه دا ختلاف  
او بيلتانيه مو جبات برابر کپري هم  
له منخه تللې او دا دى هغوي پـ  
سوله ايزيه او خوشاله شرايطو کي  
زوند کوي . داشى دسوفيا داولا د  
دنلرنو خبره وه . چه خو کاله دمخا  
سوفيا لورن خپل ميره تهيو بشكلى  
او گلالى زوي وزين اوه او پدي توگـ  
عنه عامل هم چه کو لى يى شول زوند  
يى ور ترينه کاندى له منخه ولاپاره  
اووس اوس د هغوي پـ زوند کي هدو  
داسي کومه خبره نشته چه يو تربله  
دبدينى ا حساس وکرى . همدارنگه  
هم يوه بله تمنه شته چه کيدى  
شى د هاليوود چير پـ زيه پوري  
بنىخى او ميره يهنا مه ترينه يا دونه  
وشى ، دغه بنىخه او ميره دا هويکى  
دوه ستر لوبيقارى دى . يعني ناتالي  
وو داو روپرت وا گنر . هجه ناتالي  
وود چه دا مرىکى د سينماي سترو  
به کتار کي راشى او داليزابت تايلور  
فای دانوي هارلين هونرو او داسي  
نوزو سره اوپـ پـ ههني ده خنه  
سره سمه يادبىري هوکى وا گنر او  
ناتالي دواړه د سوفيا لورن او  
كارلو پونتى پهشان هوسا او آرامه  
زوندلري . د هغوي له وا ده خنه  
دولس کاله تيرپري ، خو هغوى  
دواړه داسي گومان کوي چه يواخى  
بي له وا ده خنه دوه کاله تيرپري  
او دا چه خپل بشى چه هغوى خومره  
سره خواره دى او خومره زوند بشه  
او يه بهزپه پوري تو گه تيرپري .  
هغوى چيره علاقه لري چه پـ گله  
ده فلم کي سره خرگنده شى .

ددى لپاره چه دناتالي وو د له  
هنرى شخصيت سره بلديا پيدا  
کړو ړايد يو خو کاله وروسته نظر  
وکړو او هجه ډرام ته اشاره وکړه  
چه «شکوه علفرار» نو مидеه . پدغه  
ډرام او بيا وروسته فلم کي چه  
ناتالي کومه لوبيه ترسره کړي و ههنه  
دېولو لپاره چير پـ زيه پـ دې  
خاطري لر لى . پدي فلم کي دناتالي  
لوپه دو هره پـ زيه پوري او باشکوهه  
وچه چير و سترو کره کتونکو يه



ناتالي او واگنر خود زوندلري

مترجم : محمد حکیم نا هض:



## اضافه نمودن و یتامین و آب در غذای طفول

کی از خوردن شربت نارنج باب حالش دگر گون شود در مورد شربت برسد . بعداز آن به تدریج آبراکم و شربت اختیار خواهد کرد و آنرا پسند نخواهد کرد. هر گاه طفل نه شربت نارنج باب و نه بخوردن شر بست معمولاً آنرا تاو قتنی که بسن ۵ یا ۶ پس باید به دادن و یتامین (سی) قطره ای ادامه داده شود .

**نوشیدن آب برای یک طفل بعضی اطفال آب میخواهند و بعضی هانه:**

این موضوع اکثر آسفارش گردیده داده می شود زیرا این وقتی است که همیشه تقریباً یک ساعت قبل از غذای است که برای یک طفل روزانه یک دیگر خود بیدار می باشند. درجه یادو بار چند اونس آب درین غذا حرارت این عمل بطور قطعی داده شود. این شربت بادرجه حرارت ضروری نیست زیرا همان مقدار مایع اطاق و یا خفیفاً گرم ترشده می تواند که درین فارمول غذایی طفل سنجیده مگر آنرا گرم که با صطلح ماو شما (داع) باشد نکنید زیرا حرارت شده ضرورت عادی طفل را از رهگذر و یتامین (سی) را ضایع می سازد. اما باید گفت که این آب رفع می سازد. اما باید بشکل روغن جگر ماهی و یتامین

بعضی اطفال شربت یا عصاره موضوع بسیار در خور اهمیت است نارنج باب را دوست داشته و بسیلت که حین بلند رفتن زیاد درجه حرارت آنرا هضم می توانند ولی بعضی هواو یا یکنکه طفل تپ دارد بوی آب اطفال آنرا استفراغ می نمایند. یک داده شود. حتی اطفال که بصورت طفل که قبل از موعد معین تولد می عادی از خوردن آب انکار می ورزند نارنج بانو شیدن این عصاره یا شربت درین دو حالت آب می نوشند .

احساس ناراحتی می نماید. عده از لحاظ و اقیمت یک عدد اطفال از اوقات در چند ماه اول سبب بروز وانداخته شده باشد . شربت نارنج و عده دیگر بعدها ممانعت باش نشان یکساله شو ند آب نمی خواهد. طی این مدت هر چیزی که با غذای شاز میدهد بیش صورت روی هریک از باشد بان احترام دارند مگر از تقدیم علت فوق هر گاه طفل تان از صرف نمودن شربت یا عصاره نارنج باب آب بطور جدا گانه آشکارا برایشان خود داری می ورزید و یا اثر نامطلوب احساس تغیر می نمایند. هر گاه طفل ازان ظاهر می شدمی تو نید برای شما آب را دوست دارد بیش حال یک بادو ما دادن آنرا به تعویق روزانه یک یا چند بار بروی بدھید البته اندازید و یا می توانید عوض آن وقتی بین دو تقویت غذا بیدار می گردد شربت باد نجان رومی برایش بدھید ( فقط قبل از آغاز دادن هر غذای برایش در یک روز ۴ اونس). متأسفانه طفل

**و یتامین هادر کودکی :** علاوه بر یوتامین (دی) اطفال بطور قطعی به یوتامین (دی) دارای یک تعداد دارند و یوتامین (سی) زیاد ضرورت دارند (بی) نیز باشد تامتیقین شود که تمام یوتامین بی های متقارنی طفل یوتامین کم در شیر گاو و غذا های غیر مایع که در اوایل بظفیل میدهید موجود میباشد. معاذ لک عده از کشور های شیر های غلیظو با ستور ایزو یوتامین (دی) را علاوه میکنند که حین فروش اطفال داده می شود و یوتامین (دی) عرضه می بنام شیر و یوتامین (دی) عرضه می گردد. شیر پستان مادر ممکن است حاوی مقدار کافی یوتامین (سی) در صورت ضرورت مستقیماً بوسیله قطره چکان بدھن طفل اندام خنثه می شود. دلیل عدمه اینکه بصورت های دارای یوتامین (سی) از قبیل روتین (جریان عادی و دایمی) استعمال و یوتامین (سی) از نوبت تغذیه طفل در صورت ضرورت مستقیماً بوسیله مالتی باب و سبز یجات صاحب و یوتامین (سی) زیاد شامل باشند مگر شیر پستان مادر مقدار کافی یوتامین (دی) ضرور نیست، بسیار قیمت (دی) ندارد .

در سابقه یوتامین (دی) در اکثر شکل روغن جگر ماهی و یوتامین از عمر طفل شما چند ماهی سپری شد از یوتامین (دی) در غذای که صرف می نماید بقدر کافی میوه های دارای یوتامین (سی) از قبیل مالتی باب و سبز یجات صاحب و یوتامین (سی) زیاد شامل باشند مگر شیر پستان مادر مقدار کافی یوتامین (دی) ضرور نیست، بسیار قیمت (دی) ندارد .

**شربت تارنج :** شکل روغن جگر ماهی و یوتامین از یوتامین (دی) در اکثر این شکل شربت نارنج داده می شد از یوتامین (دی) در غذای که صرف نظر از این حقیقت که علاوه کردن یوتامین (دی) ضرور نیست، بسیار قیمت (دی) ندارد .

در قطعی های سربسته قبل از دهن طفل بصویت در قطعی های سربسته قبل از دهن طفل بصویت وانداخته شده باشد . شربت نارنج معمولاً با مقدار آب مساوی جوش بخار در جسم طفل می گردد. بنابران امروز (در عصر حاضر) بسیاری داده شده مخلوط میگردد تا اینکه ذایقه آن بسیار ترشی نباشد. یکی از اطریقه های آغاز استعمال اینست که یک قاشق چای شربت نارنج و یک قاشق چای آب مخلوط گردد. روز دیگر ۲ قاشق چای شربت نارنج و ۲ قاشق چای آب مخلوط و بظفیل داده شود، از این ترکیب اگرچه می کنند که محتوی یوتامین (دی) - (سی) و (ا) باشد .

**تعدد یوتامین ها معمولاً ضروری** نیست . داکتر ها بعضی اوقات یوتامین روز سوم از هریک ۳،۳ قاشق داده های زیاد «ملتی یوتامین» یا «بولی یوتامین» مقدار تا آنوقت افزود شود.



# د بشو د خلاصون منادی ها فریش بل

دهغه «پیښی» نور خوک نه  
زړه سواندی نه پاروی.. لني فایفو  
زړه سواندی نه پاروی... لني فا یفر  
د میرمن سره دیوی ډلی دتابلو «په  
كتاب کي چه بی له شکه د هانريش  
بل یو بشپړ رو مان دی دجګړي د  
زمانی یو تصمیر بلکېږي وروسته.  
تر جګړي او دزوند دنوبی کیدودوره  
ده پدغه كتاب کي «لني» هغه سیستم  
چه سر تر پایه وزونکي دی او په  
فساد باندی لپل شوی برښه وي  
هغه سیستم چه دیوی ما دی او بی  
روحه ټولنۍ تاکونکي دی .  
هانريش بل له یوی زورو او له  
قهر او غوصی او تریخوا لی سر  
اختیل شوی کتنی سره انسانان او  
دهغه په تشکیلاتو بربید کوي .  
ویل کیدی شی چه ټولنۍ باندی  
دهغه انتقاد، ددیکنر دریالیسم او د  
سو نصیت د کو میدی یوه گیوله ده  
په عمل کي د هغه انتقاد اصلاحی  
انتقاد دی هغه وخت چه بشر لهو  
دول جبر خخه د خان خلاصون ته  
وربولي . د امین افغانپور ټباوه

سینمایی خیرو پکی برخه اخیستی  
کوم آثار چه دغه ستر لیکوال او  
دلوبي یو قهر مان ته لارښو ونه  
سره لدی چهوالش او من اوس  
پتخه او یاکاله عمر لری خو دو مره  
تکره دی چه دیر درانه سبو رتو نه  
کولی شی . پدی معنی چه په همدي  
کال او عمر کي هغه هر سهار په  
خپل یرغه آس باندی سپریږي او د  
خپل کروندی به شاو خوا کي د آس  
په سورلي خغلی دده کرونده په  
کالیفور نیا کي ده .

داوم هنر دغه ستر سرگندوی  
دو مره په خپل کار کي په علاقه  
سره مخکی خی چه هیبع یو تصوو  
نشی کیدی . هغه له خپل کار سره  
خورا زیاته علاقه لری او دا دی سره  
لدي چه پتخه کاله بی له عمر خخه  
تیریزی هغه دی ته چمتو شوی چه  
په خپل یو سل اولیسم فلم کي چه  
یو وسترن فلم دی گیون وکړی البته  
دغه فلم د حقایقو قهر» نو میری او  
سره لدی چه هغه دیوی وسترن فلم  
لپاره دیر زور او کمزوری دی خودی  
په دیره علاقه کارکوی او غوا پی  
چه دا یوخل بیا د هغه وسترن  
فلمونو خاطره ژوندی کاندی چه  
فلمونو خاطره کارکوی هنر مندانوا  
دیرو نا متوا ا مریکایی هنر مندانوا  
سینمایی لوبغاړو هغه بشپړ او جوړه  
کریدی .

دهنې چمتو کېږي .  
له ریا لیسم نه تریکا لو

د هانريش بل په «وروسته تر  
جګړی» نو هی کتاب کي هم هغه سیاهی  
تهجې ماته بی خوبلی او له جګړي  
نه بېرته ګرځی، روند دز غم و په  
ندی لکه چه کونه واو هغه کوچنیانو  
تهجې خپلوا ن بی له جګړي نه بېرته  
اور ګادی «کي مخکی تو خپل مر ګه  
نه ستینې د زغم ودندی . د غه د  
هړوک بچیان «او د هغه میندی چه  
دیواختیوب به مخامنې بی تینکارندی  
کړی وی سپړیه» داسی خواب

کړی، روند د علاج و پهندی .  
دیترو وختونو نوی کول، دغیر  
عادلانه جګړي په سیاهی د هانريش  
بل داصلی تهونو خخه دی . «هانس  
شیز» د (پیښو) د کتاب قهر مان  
پنه یو هیږي چه خنکه دیوی غولونکی  
ټولنۍ دی ، او له خپل خپلوا نو  
سره یو پویکړه کړیده، دهانريش بل  
کاندی .

هغه باید داو منی چه ماته یسی  
خوبلی ده . خکه هغه یو د لکدی  
چه غولیدی .

د ۴۰ مخ پاتی

دالمان ترجیکې وروسته ادبیا تو  
ټولو فرضونو یه منځ کي چه بشر  
ورکړی او بیا د مدنی ژوندانه منلو  
نه چمتو کېږي . له  
له ریا لیسم نه تریکا لو  
د هانريش بل په «وروسته تر  
جګړی شی، هغه هم چه هغه هیواد  
ماهه خوبلی وی او له هری خوانه بی  
کندوا لی له ورایه بېکاری دیو ه  
لیکوال په دود مخامنې شی . «آندره»  
او «اویلینا» په وخت دارسیده لی  
اور ګادی «کي مخکی تو خپل مر ګه  
نه ستینې د زغم ودندی . د غه د  
بی له ستو هانی حقیقت در ککوی .  
هانريش بل دی پو بشپړی ته چه  
دیواختیوب به مخامنې بی تینکارندی  
چېږی وی سپړیه» داسی خواب  
ورکړی : «په جګړی کې» .

هغه انسان چه جګړی خپلی دی  
او د خپلی مبارزی په معنا نه  
یو هیږي له هری خوا ایسار شوی  
او دخنار کیدو تر یولی پوری  
کېښوتلی دی ، او له خپل خپلوا نو  
سره یو پویکړه کړیده، دهانريش بل  
کاندی .

هغه باید داو منی چه ماته یسی  
خوبلی ده . خکه هغه یو د لکدی  
چه غولیدی .

د ۴۱ داوم هنر یو تکره

فلم هم بشپړ کاندی کو م شی چه  
بیا هم په زړه پوری ده هغه داچه  
راکول والش دعاړک تواین او جک  
لندن له آثارو خخه الهام اخیستی  
او د هغه د کارونو ترا غیزی لاندی  
یو خپل آثار منځ ته راوستلی دی .  
وشي ، د هغه نو میالیو لوبغاړو  
سره چه دوام هنری تول خوبیونکی  
وروسره آشنایی او بلدیا لری دغه  
ستره خپل هنری کارونو ته غزونه  
او د هغه د کارونو ترا غیزی لاندی  
یو خپل آثار منځ ته راوستلی دی .  
دوالش په باره کي دا هم باید  
وویل شی چه هغه په منظم ډول تر  
اوشه خپل هنری کارونو ته غزونه  
در کړیده او دا هخه یو کړیده چه  
کار کړیدی له خانه بی دیر پلز ده  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره  
دايرکت او بشپړ کړیدی چه هیبع  
والش زه په دی فلم کي خو تنه  
یو توګه د سینمایی هنر په زمینه کي  
کړیدی د ډیرو په خوانیو سینمایی  
کمپانیو سره کار وکړی لکه دشلمی  
پېړی د فوکس او وارنر دورونو  
له کمپانی ګانو سره چه په امریکي  
کې دسته او خلائنده نامه خاو ندانی  
دی والش دجنه تمن جیم په نامه فلم  
په دوهره قوت او غښتیتا سره

## شاهان و شهزاده گان

آمیر آغا جی به معشوق چنین خطاب و دعا توقع نموده است:

اگر از دل حصار شاید کرد      جز دل من ترا حصار می‌داد  
مهربا نیت را شماری نیست      زند گا نیست راشمار می‌داد!

و در صفت شراب چنین گفته :

زان باده ایکه چون بقدح آمد او زخم یاقوت ازوجر شدیجاده زو شر ز  
بیرون زجام بینی از نام آن نشان چون در میان ابر تنگ قرص قمر(۱)

و در صفت برف گوید:

بهادر نگر که لشکر بر ف چون کند اندر وهمی پر واژ  
راست همچون کبوتران سفید راه گم کرد گان زهیبت باز(۲)  
داقترا ذیفع الله «صفا» نیز در تاریخ ادبیات در ایران بیات ذیل را بنام  
امیر آغا جی آورده :

اگر شب از در شاد بیست و باده خسرو یا  
مران شاط ضعیفیست و درد دل قو یا

شبا پدید نیا بد همی کرانه تزو  
برادر غم و تیمار من مکر تو با

شنا خسرا ن نیکو بسر تو انم برد

هر آنگه که تو نشیب شعر من بو یا (۳)

نان نا کس بتر ز هر گ فجع  
دل نهمت بتر ز دل نیاز

هر ک بشتا فت باز پس ترمانت

زود بی تیر ما ند تبر اند از (۴)

نمونه کلام امیر آغا جی سا مانی است:

آیا نشسته باند یشگان حزین و نزند

همیشه اختر تو پست و همت تو بلند

دو چشم عبر تم از قدرت تو چند فراز

دو گوش فکرت من چند سال مانده زیند

گناه چند کنم چند عهد تو شو شکن

بزر گواری تر چند واین وفای تو چند

کنون خدا یا غما صیست با گناه گران

سوی تو آمد و امید راز خلق بکند

تمهختی و نه دردی نه سختی است براو

که روز گارچو شده است وزند گانی قند

ولیک آنکه خداوند چون تو یافت کریم ازو بعمت بسیار کی شود خرسند (۵)

و هم باید گفت که تعالیٰ در کتاب تتمه الیتیمه که خاص شاعران تلا زی

کوی است بشهرت او در شاعر اشاره کرده و گفته که دیوانش در

خراسان متداول است .

۱- مجمع الفصا جلد اول

۲- تاریخ از ادبیات فارسی دری ص ۱۰۶ تالیف استاد داکتر جاوید

۳- تاریخ ادبیات داکتر صغاج ص ۴۳۰

۴- ترجمان البلاغه ص ۸۴

۵- تاریخ افغانستان جلد سوم ص ۲۹۵

## کابوس یک نیمه شب

اگر شما بخواهید کسی ازما را آنصورت خود مانرا به کشتن داده  
دستگیر نماید مابه هیچ کس چیزی ایم. به اینصورت شما فکر دستگیری  
نمی کونیم و در نتیجه باربارا در آن مانرا از مردان بیرون بکشید اخبار  
زندان زیر زمینی خفه خواهد شد. مربوط مبلغ خون بهایه اطلاع را بر  
واگر همه مانرا دستگیر کنید ما میکل که تا آخرین ساعت آن صبح  
البته که اعتراف نمی کنیم زیرا در میکو شید.

## نمایشات هنری

کمپنی فولاد ایالات متحده پاسخ را ترک گفتند مضایقه نشد، ماموران  
های مهم دیلو مات منشانه ارائه امنیت به محض اینکه گروپ هنرمندان  
می دارد). برخی از ما موزان کمپنی به سرویس قرار گرفت وظیفه شان را  
فرصتیکه یک دوشیزه هنرمند درایور سیا هپوست آنانرا بصوب  
بوسیله تشبع و جرقه از یک خمره محل مطلوب انتقال داد.

با است خاطر نشان کرد،  
اکر و بات های جمهوریت مردم چین  
جهت یک سلسله نمایشات بعداً به  
افغانستان نیز سفری نمود  
چنانچه هموطنان مازهنه نمایی این  
در اکمال حسن نیت تا زمانیکه هنرمندان لحظاتی احساس مسرت  
بس حامل هنرمندان، کمپنی فولاد  
بس نمود.



## باخترا فغان الوئنه



پروازهای باخترا فغان الوئنه، در خدمت شما است

## سریع، مستریح، القتصادی

پروازهای باخترا فغان الوئنه جهت فراهم آوری تسهیلات برای  
هموطنان عزیز در هر هفته چهار پرواز به کندز، چهار پر واژ به  
مزار شریفه یک پرواز به میمنه - هفت پرواز به هرات، چهار پر واژ به  
چغچران، سه پرواز به کندزها و یک پرواز به تیرین کوت سه پر واژ به  
خوست و شش پرواز به بامیان - از کابل صورت میگیرد و در هفته دو  
پرواز به قرقان، دو پرواز به خواجه غفار، چهار پر واژ به فیض آبداد

سیاه بلکه در بحیره های دیگر ساخته مساحت بر اعظم افریقایی شد البتچه جای خواهد شد. در پهلوی آن تحقیقات شک و تردید نیست که مملکت زیر تابلو هاتابلوئیکه عکس هارا بپرده وسیعی ادامه دارد چندی قبل گروپ دانشمندان اتحاد شو روی برای آب نظر به تروتودارایی طبعی خویش تلویز یونی دستگاه کرب می رساند متخصصین اضلاع متعدد امریکا در میباشد ساختن فعالیت اکوا نور دان ازبر اعظم افریقا عقب نمی‌ماند. مساحت بر اعظم افریقایی ساحه اوقیا نوس شناسی با اتحاد در اعماق زیادتر ابخار ادامه دارد. یک دلچسبی فوق العاده که در بین مطالعه و تحقیق اوقیا نوس هارا بی‌سبب با تسخیر فضا مقایسه نمی‌کنند. مشابه بودن شان در تحقیقات مقصود عبارت از ساختن کامپلکس های ساحلی برای تهیه واستحصال نه فقط مربوط به مقیاس عظیم و پیشوار حاضر به خریداری آشت این قسم بار در اعماق زیادتر آب میباشد. شان میباشد بلکه در بسیاری موارد مطالعه و تحقیقات در تا بستان سال جاری (۱۳۵۱) استرا تیزی و تکنیک ابخار از فضا داکتران از یک باره کامره دونفر را کیهانی عقب نمی‌ماند این جملات وزیادتر ازان مربوط به ساختن علمی و کارات تجربی طراحی اینها کشیدند. آند و نفر عبارت از رایه عباره دیگر چنین شرح داده‌اند دستگاه های تحت البحري غیر قابل وظیفه نموده و عبارت از داکتر نفوذ هوا میباشد. درینجا کشته نهاد وران زیرآبی فرانسه پا تریس شمین دوبر توری بوده است که تحقیقاتی علمی و تحقیکی و تشکیلی باهم مشابه میباشند. یکی از جمله این برابلم هادر تحقیق اعماق تحت ساختنا نیکه دران فشار عمقد ابخار تمثیل شده بود طاقت کنند با و آن‌هادر باره کامره عادل به باری بود که در عمق ۶۰۰ متر برای چند ساعت وجود میباشد البته نسی توانیم که از مردانگی این محققین که نهاده عبارت از این خود را بخطر انداخته و زیکاره جدیدی را قایم کرده اند چشم پوشی کرده و تمجید نکنیم. حالا سوال می‌شود که این خطر را در صورت بار موجوده که قدری زیاد میشود چه قسم بر طرف کرده خواهیم توانست؟

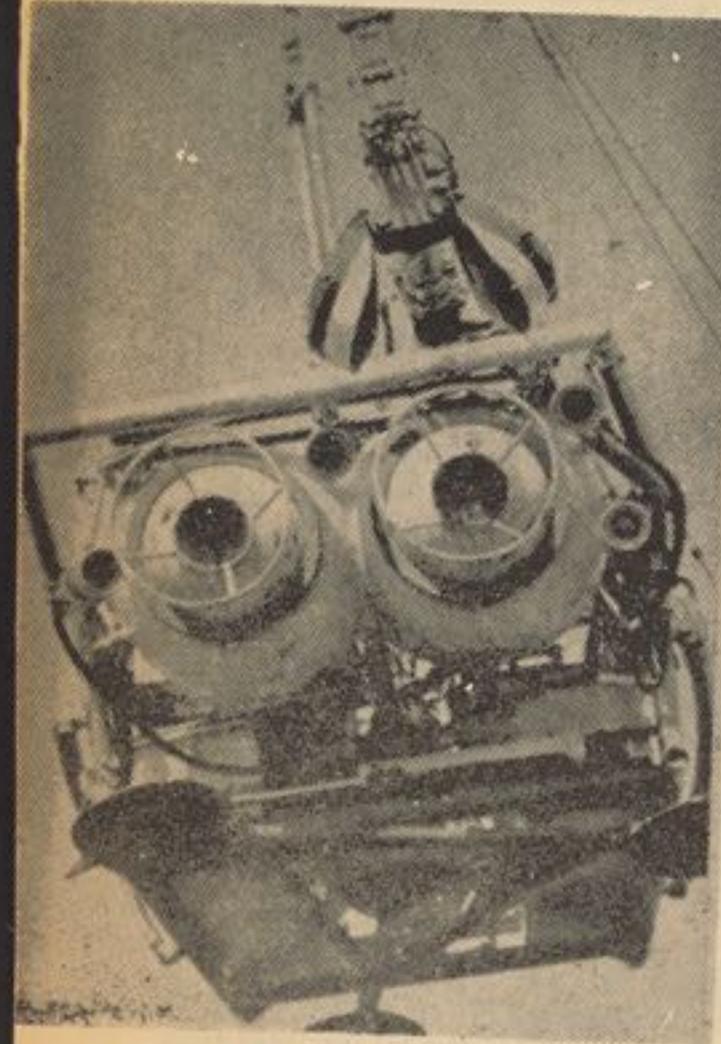
### باقیه صفحه ۳۶

## تحقیقات و مطالعه

طور یکه معلوم گردیده است کامره های مخصوص که دران نه فقط می‌توان شرایط عمق ابخار را تمثیل میکند بلکه از هر جانب امکانات درین جامع چنان اوپراتور به عقب از کشته بعمل آورده و نمونه هاراجع پولت در کنار ساحل نشسته و قومانده آوری کنند دانشمندان اتحاد شوروی کاررا برای دستگاه های اتوماتیکی چندی قبل یک دستگاه که در اعماق بیشنهاد می‌گردید تاینکه دست های میخانیکی ابخار فعالیت کرده و بنام میویر-۲ و تدقیق کرد. برای این قسم تحقیقات بازما یشات کامپلکس هیدرو باری تحت ابخار را لمس کنند. برای رایاد می‌شود بدست آورده اند. دستگاه کرب این آزمایشات و تجارت دستگاه مذکور که بصورت اصلی برای کرو کید تخصیص داده شده است. ساختن این کامپلکس حقیقتاً ادامه در اعماق نه بسیار زیاد صورت تحقیقات ماهی گیری ساخته شده گرفته است. این دستگاه برای گرام طرح و پیشرفت فعالیت پرو گرام طرح شده حرفة مور میباشد. درین کامپلکس اکوا نور دان مشق و تمرین نمود و اనواع جدید اکوا سنگها و دیگر تحقیک تحت البحري را معاینه کرده ورزیم های جدید امنیتی را تهیه طرح می‌نمایند در دستگاه کرو لیک می‌توان فشاری تا ۳۰-۳۵ کیلو متری ضخامت در آینده بسیار نزدیکی فایده زیادی باو جود آنهم اداره فاصلوی مرکزی مفکوره حاصلات ماهی و دیگر اشیاء مستقل آلات در او قیانوس مفیده بحری رانه کمتر از ۱۰

در بعضی موارد نسبت به اداره مرتبه زیادتر خواهد ساخت. دستگاه های کیهانی زیادتر مشکل می‌اویا نوس هادر تمام پیشناوری باشد درین جانمی تون از امواج زادیویی و اعماق خویش راهای وسیع و فراخی استفاده کرد به نسبت اینکه امواج را بروی دانشمندان، انجنییر ان رادیویی بصورت بسیار سریع در وطراحت می‌گشاید. آن هم چنان آب ابخار سقوط می‌کند. بدین لحظه اتخاذ تمام محققین را لازم دانسته در او قیانو سه ها احتمالاً درینجا و همکاری متخصصین ممالک مختلفه نمی‌توان برای مدت زیادی سیستم جهان را ضروری می‌داند.

های ارسالی بالین های مخابر ره جای مسیر است که این قسم قابلیت اهمیت خو درا از دست عکاری در ایام اخیر بصورت موقانه نخواهد داد. درین شرایط یاد گرفتن درین یک عده کشور های جهان ارسال اخبار و معلومات دریک حجم ادامه دارد. تماس های دانشمندان اعماق تقریباً ۱۰ فیصد مساحت بسیار زیاد ذریعه یک قابلیت یک اتحاد شوروی درین ساحه با عمومی عمق ابخار بوده و مساوی به



ایستگاه (کرب) قبل از فرو رفتن  
به آب

## واقع سهم خا رجی ۱۳۵۱

با اسرار نیل تمج یدندمود\* طیارات سعودی و همسر شو شارز دافیر بزرگ بی ۵۲ ایالات متحده امریکا، اردن کدر جمله گرو کانان بودند مواضع قوا ویتنام کنگره کمودیا ازین حادثه جان بسلامت برداشت بمبانان کردند \*کنفرانس بین المللی صلح ویتنام در پاریس شروع سودان تسلیم کردند \*علی ناصر گردید. سور منشی موسسه ملل متحد محمد صدر اعظم یمن جنوبی در اس در اس یک هیئت حکومتی، برای بازدید وزیرای خارجه ۱۳۱ کشور برای اشتراک در این کنفرانس وارد پاریس شدند \*صدر اعظم اسرائیل برای مذاکره بارئیس جمهور وسایر مقامات امریکا، وارد واشنگتن گردید وزیر حرب مصر باوزیر دفاع اتحاد شوروی در مسکو، راجع به مسائل مورد علاقه مذاکرات دوستانه نمودند حکومت ایالات متحده امریکا راهی فوری اسیران جنگی بیشتر آنکشور را از ویتنام شمالی تقاضا کرد\*وزیر داخله چکو سلواکیا و پولند شب ۵۵۱ از طرف اتحاد شوروی به فضا پرتاب گردید \*شیخ مجیب الرحمن ده حوت در آر رسوتو طیاره حامل شان در بند (سچی سن) پولند، در عوامی لیک وی در آن اتفاقی قاطع را بدست آورد، از طرف ابو سعید گروپ مبارزین فلسطینی مر بوطیه چودری رئیس جمهور بنگله دیشن مامور تشکیل کابینه جدید شد\*الکسی خرطوم داخل شدند و سفرا برای شر کت در مراسم افتتاح کار خانه ذوب آهن اصفهان به ایران سفر نمود\* هند بار دیگر در مسورد پاکستان ابراز نگرانی کرد\* ریچارد نکسن رئیس جمهور امریکا به هانوی کنیدی فقید را مطالبه میکردند بعد از اینکه به تقاضای آنها جواب داده نشد مبارزین مذکور سفیر و نایب سفیر امریکا و هم شارز دافیر بلژیک را بقتل رسانیدند. سفیر عربستان

باقیه صفحه ۶

## رمز پیروزی اسلام

با گذشت تراز همه و بهترین خلق یا محمد (ص) عمر می گویند من مشمول است صفوان گفت. من ازو بیم جان عفو و عنایت تو قرار گرفته ام آیا راست میگوید؟

عمر گفت محمد (ص) حلبی تر و بزر گوار تراز آن است که تو عرض کرد وقتیکه چنین است آیا پنداره ای و عمامه حضرت رابعنون نشانه امان به اونشان داد.

صفوان مطمئن شدو با او روان کفر صحتی یابد و در مورد پیغمبر حمینکه نزدیک پیغمبر رسیدند صفوان تحقیقی بعمل آرد و بر اوضاع رسیدگی ننماید پیغمبر (ص) فرمود

## ممای زینی

آمدن به سیاره منصرف گردیده باشد؟

عزیزوف چشم خود را از نیلی ایکن دور نمیسا خت. او باین اشتباه خود که تصور میکرد سیاره مرکب از تیلی اویز کتیف زبانکار اندخت لحظه ای بعد سطح هموار سیاره نا معلوم که فضای پیمایان طی چندین ماه سفر بجستجوی آن بودند، روی شیشه پدیدار گردید.

دستور داد: «عقاب» برای پرواز آماده ساخته سود و به تعقیب آن آهسته آهسته از سرعت الماس دکمه توقف را فشاری داد.

شوکت واوکین بسر عت لباس مخصوص ص فضای دربر گرده به کوریدور داخل شدند. عقاب ماشین مجهز و تکمیل بود که بر اساس آخرین دست آورد های علم و تحقیک ساخته شده واژ نظر می ختمان بپرونی خود تقریبا سنگ پشت پر صلاحتی را بخاطر می آورد و تنها چهار عراده بزرگ آن که دارای چهار متر قطر و دندانه های فو لادی بودند، این شباهت را تاحدی برهم میزند.

عاشین مذکوی توسط سایل مخصوص بکمک نتو بولت های قوی در قسمت تحتانی بدنه الماس محکم بسته شده بود شوکت واوکین خسته و مانده در حالت بی وزنی پس از صرف دو ساعت وقت توانستند آنرا از بدنه الماس جدا سازند و بعد از آن بر اساس هدایت عزیزوف در چه تھانی آنرا گشوده پداخلش قدم گذاشتند لحظه ای این عقاب که دارای نیروی بزرگ بیمانندی بود، غرش کنان بکار افتاد. صدای قاطع و در عین زمان آمیخته با انگرانی کپتان طنین انداخت: باقیدارد

کارکنان سفینه الماس را پیا استاده اخند موقع نمودند. عزیزوف کدر

برابر تابلی، هدایت قرار داشت، باز هم از سر عت سفینه کاست و بعد تیلی اویز کتیف زبانکار اندخت لحظه ای بعد سطح هموار سیاره نا معلوم که فضای پیمایان طی چندین ماه سفر بجستجوی آن بودند، روی شیشه پدیدار گردید.

کاملا شبا هست بیک دشت هموار اوکین با چشم چپ خود پلک زد و گفت: دارد!

عزیزوف گفت: سجالب است.. اساسا چرا باید

بدشت شبا هست داشته باشد؟ کپتان حیرت زده به شیشه چشم دوخته بود. او اصلا انتظار نداشت که سیاره دارای چنین سطح هموار باشد.

دینین موقع صدای هیجان آمیزانه بکوش رسید: آقای کپتان پسر عت حر کت موتور روبه کم شدن میرود... باید چه واقع شده باشد؟ غیر قابل تصور است چنین دستگاه قابل عتمادی که با انرژی جنراتور های نیرو مند یون کارمیکند، از حر کت باز بماند؟

ازین اندیشه سرا پای عزیزوف بسردی گرایید و بلاذر نک سمت حر کت سفینه را تغییر داد و بجهت دیگر رهنمای کرد. در غیر آن جای هیچکو نه تردیدی وجود نداشت که موتور های ماشین خا موش گردند. قلب انه که دکمه آله نشانده هنده حر کت موtor را فشاری میداد و بدقت بر آن چشم دوخته بود، آرامش خود را باز یافت... امامبادا کپتان از فرود

صفوان گفت: آیا به زور و به غصب اینهارا می ستانی؟

پیغمبر اکرم (ص) فرمود: نه به عنوان عاریه می جوشه و مضمونه از تو می گیرم یعنی اگر تلف شد قیمت آن را میدهم و اگر تلف نشد عین آن را مسترد میکنم. با قیدارد

چهار ماه بتو مهلت دادم صفوان در برابر این گذشت پیغمبر دلش به

اسلام گره خورد اما ایمان نیاورد چندی نگذشت بود که جنگ هواین پیش شد پیغمبر اکرم (ص) چهل هزار درهم ازاو قرض گرفت و هم فرمود هر چه زره و لوازم جنگی دارد به مسلمانان بدهد.

## پسر ۱۴ ساله که با نشر قانون پولیس .۰۰۰

الغ بیک به سخن خود ادامه میدهد مورد تهدید قرار میدهند و این اقدا مات را برای حفظ ونظم عمومی و بازهم نرمک نر مک میگوید :

از همان دوره ابتدایی مکتب به این طرف همیشه وقت فراغت خود را در رسمی میگذراندم. و اگر بگویم هنر رسمی و رسماً بهترین رفیق مقرر شده است که البته این عمل و همرازم بوده شما فکر نکنید که نفس قوانین جزایی نیست بلکه مبالغه کرده ام.

او گفت :

تعداد رسماً بهم فعلاً به ۳۰ میرسد و این تنها ثمره کار همین مدت پنج جزا اسلحه است که برای منافع ماهیست که در کورس شامل هستم. امیکوید : در رسمی به مناظر طبیعی بیشتر علاقه دارم چنانچه اکثر رسماً خودم موئید این قول بوده.

الغ بیک فاریابی در مردم نه اینست. رسماً از نتاه رنگ گفت : رسماً اکثراً پنسیلی و برنگ آبی بوده اما از جمله یکی را برنگ روغنی ترتیب کرده ام.

گفتم خوب این حرفاها را سراپا شنیدم و نوشت بیشتر ازین چه میخواهی بگویی هرجه بدل داری بگو :

الغ بیک بازهم نگاهی بزمیمن و او با خود داری از عمل واجبه حقوق اندخته دو باره سرش را بالا کرد و اعتباً رات وحیثیت و آزادی را در به همان ترتیب مخصوص خودش گفت معرض ضرر و خطر و اتلاف قرای نی چه بگویم، ازیک بچه ۱۴ ساله عیدهد این امتناع نیز باستاند ضرب المثل «نظیر امر بمعرفه و نهی از منکر» گناه و جرم محسوب میگردد.

## لیدر لی کی از معروف ترین فابریکه های دوا ساز

ایالات متحده امریکاست که تولیدات آن در سراسر

جهان شهرت دارد و ها قلم از تولیدات فابریک لیدر

که در فرمولیر ملی ادویه شامل است در افغانستان

مورداً استعمال دارد از جمله آسیب‌یو سلیمانی - مدل

اکرو مایسین در بسته بندی، کپول مرم قظره و پودر غرضه

میگردد مریض میتواند مطابق توصیه دکتر با طیبان

کامل با استعمال آن بپردازد.

## راغب و رشیق

شاعر و نویسنده در حیات اگر موضوع مطرح و بنگالی عبدالمجید از بسیار چیز های دیگر محروم راغب و بنگالی عبدالکریم حاضر باشند از سخنوری والفاظ زیبا غنی بودند و بنا بر ملاحظه اوراق چایی اشخاص حاضر مجلس بشمول غلام حضرت کوشان مدیر و صاحب نوشتن و سیع و پهناور است. آنچه میباشند. دنیای آنها در شعر و قلتی وجود ندارد و همچنان شاعر امتیاز آن جریده رضایت و قناعت و نویسنده صاحب نظر فراخ، سینه و موافقه بنگالی عبدالکریم راحاصل نمودند که بنگالی عبدالکریم رشیق فراخ و روا داری بزرگ میباشد. کاهی اگر بین دو شاعر و نویسنده تخلص نمایند. چنانچه خود بنگالی عبدالکریم هم این فیصله را قبول نمود و موضوع در همان وقت در بوجود آید آنرا باگذشت ومصالحه جریده نشر شد. و من خود حاضر حل مینمایند.

اختلاف بین راغبها از همین قبیل بودم .  
اکنون برای بنگالی عبدالکریم است. بنگالی عبدالکریم راغب که اکنون (۵۱) سال دارد از سال ۱۳۱۶ که آن فیصله خود را قبول نماید .  
این تخلص را انتخاب کرد. بهمان نام نشراتی داشت. اسناد آن نزدش زیبایی که کریم است، خیلی آسان تخلص نماید .  
عبدالکریم هم این فیصله را قبول نمود و خارج بهمین نام و تخلص کار خواهد بود .  
اما برای بنگالی عبدالکریم راغب که این تخلص را بیش از آغاز زندگی و شاعری بنگالی عبدالکریم برای میشناسند .

سالهای خدمت در خارج مملکت خود انتخاب کرده و اسناد هم دارد سبب شد که مدتی آثارش بچاپ و در داخل و خارج باین نام و تخلص نرسد . او امروز (چهار) فروردین شناخته شده غیر ممکن است که دارد. دختران و پسران او به همین تخلص پدر منسوب شده اند و حق مورد خیلی طولانی تر از بنگالی عبدالکریم است .  
دارند که ازین تخلص پدر خود اکنون بعیت نام خانوادگی استفاده نمایند. آنار مرحوم پدر عبدالکریم که یکی از جوان دیگری که شعر هم میگوید از خدمتگاران ساقیه دار کشوار بوده عبدالکریم راغب است که اکنون اگر موجود هم باشد به طبع نرسیده تقریباً (۳۳) سال دارد و ازدوازده لهذا عقل سليم و حسن نیت حکم سالگی شعر سروده و راغب تخلص میکند که شاعر جوان بر عهده چند سال قبل خود پایدار بماند و تخلص کرده .

ازین ارقام چنان بر می آید که راغب را برای مستحق اول آن بگذارد بنگالی عبدالکریم دوسال قبل از ویا همان کلمه زیبای رشیق ویا تولد بنگالی عبدالکریم تخلص راغب مثل آن کدام کلمه زیبای دیگر را گزیده . و در سال ۱۳۳۰ که برای خود قبول نماید .  
بنگالی عبدالکریم این تخلص را ویا اگر میخواهند آنرا حفظ نمایند گزیده بنگالی عبدالکریم راغب در چیزی بر آن بیفزایند .

قوتسنگری افغانی معین بمیش از نظر من که حاضر مجلس فیصله سر کاتب بوده است .  
یافتن یک تخلص زیبای دیگر اینها نشان میدهد که بنگالی آسانترین کاریست و در عین حال عبدالmajid راغب سالها قبل از حق را به حقدار گذاردن و از یک من در سال (۱۳۲۲) روزی در مدیریت شاعر جوان این چشمداشت را میتوان انتظار برد .  
جریده آئینه منتشره آن وقت برحسب تصادف حاضر بودم همین یکی از خوانندگان ژوندون

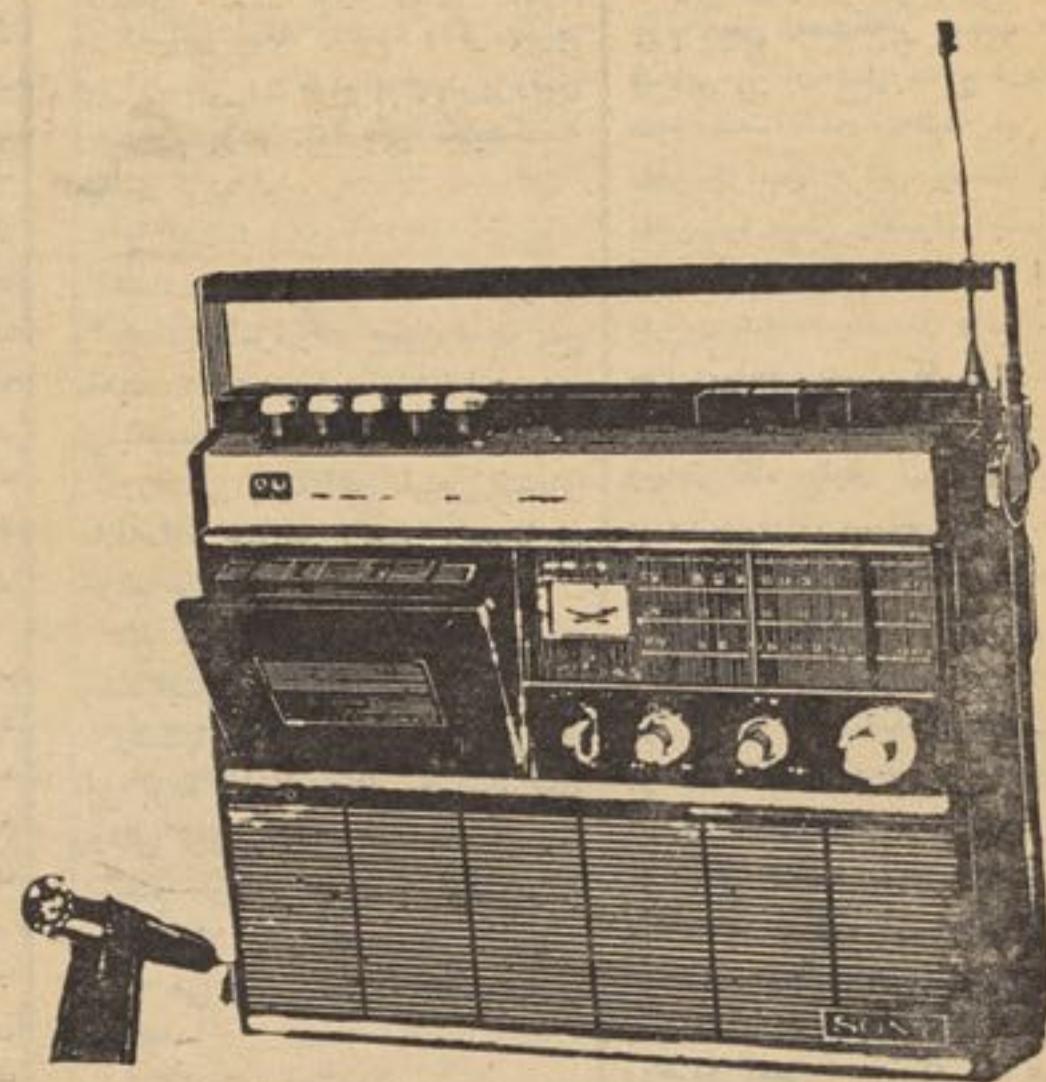
# سونی

## SONY

سونی برای من

سونی برای شما

سونی برای همه



رادیو کست مدل CF-250S

رادیو کست مدل CF-250S

دارای رادیوی سه موج - قدرت ۱۰۰ وات برای لودسپیکر افنا فر  
کنترول اتوماتیک برای تب - برق ۱۱۰-۱۲۰ یا ۲۲۰ ولت  
باطری (۴ عدد باطری کلان) - کنترول مهوزیر آواز - کنترول سه مرحله بی  
بلندی ویستی آواز . وزن ۳۵ کیلو و بزرگی  $\frac{3}{4} \times 10 \times ۱۲$  سانتیمتر

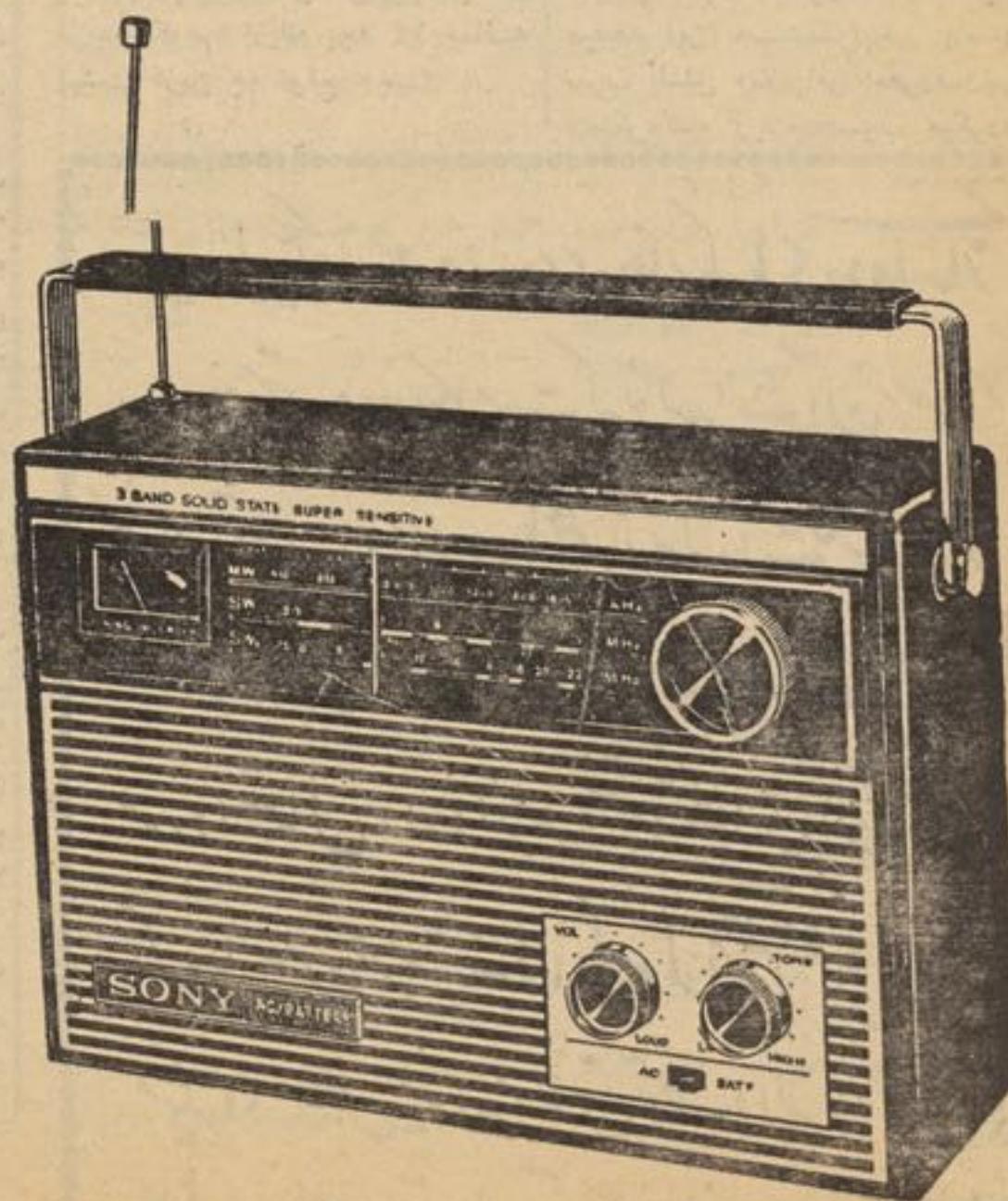
انج

رادیوی دستی مدل 7R-55

دارای سه موج - حسا سیستم برق ۱۱۰-۱۲۰ یا ۲۲۰ ولت با طری  
(سه عدد باطری کلان) دارای و نزدیک ۲ کیلو بزرگی  $\frac{3}{4} \times 7 \times ۹$  سانتیمتر  
انج و قیمت بسیار نازل

محل فروش:

عموم رادیو فروش های معترض مرکز و ولایات .



SONY.

کنفرانس دوستی خود مان را داشتیم  
به ویره هندیان و شخص کر شنا مینون  
که از طرف مصر سخنرانی داغی  
انجام داد، همچنان رو سپها که توسط  
شپیلو ف و زیر خارجه اتحاد سوری  
نمایندگی می شدند.

دالس مغز بر جسته کنفرانس بود  
وی از دیدگاه یک قانوندان مساله را  
بررسی کرد و راه حل او از طرف  
بیست کشور به استثنای اتحاد  
شوریه، ندو نیزیا هندو سیلون  
پذیرفته شد. این راه حل خواستار  
آن بود که برای پیشبرد اداره کanal  
سویز یک هیات بین المللی بمیان آید  
این طرح امکان پذیر نبود. ولی در  
ذهن دالس خطور کرده بود ازین رو  
کمیته بی راو طیقه داده شدتا طرح  
برای ناصر روشن سازند. در  
کنفرانس از دالس خواسته شد که  
ریاست این کمیته را به دست گیرد،  
وی او پذیرفت. بنابرین رو بر  
منزیس صدر اعظم آسترالیا به حیث  
ریس کمیته به قاهره رفت اعضای  
کمیته مشکل بود از وزیران خارجه  
ایران (به حیث کشور آسیا یسی)  
جبشہ (به حیث یک ملت افریقایی)  
سویدن (به حیث یک ملت اروپایی)  
و آقای لاید اندرسون نماینده مملکت متحده.  
اعضای کمیته روز دوم سیمتبربه  
قاهره رسیدند و در هتل سميرامیس  
که چشم اند ازش رود نیل است،  
اقامت گزیدند آنان روز بعد، دوبار  
ریس جمهور را ملاقات کردند و  
توضیح دادند که در کنفرانس لندن  
چه گذشتند است و ما موافیت شان  
را به اطلاع او رساندند.  
آنان بر مساله اهمیت کanal سویز  
برای کشور های دریا نورد فشار  
آوردن و اظهار امید واری کردند که  
درین مورد موافقتنی به دست آید.  
(ناتمام)

# سیاهی حمال عبد الناصر

٣١ صفحه

احمد حسین آفته بود: «(دا لسن) هایی که عمدۀ ترین استعمال گنندۀ از حالت بد ایدن بسیار مشوش است کانال سویز را تشکیل میدادند. این کنفرانس به روز شا نزدۀ آنست در لانگستر هوس نشدن برگزار شد. درین کنفرانس دوکشور وجود نداشت: یکی یونان که به خاطر علایق ویژه اش به قبرس، نمیخواست وارد ماجرا شود. ذوم، خود مصر. باوجود این، ناصر آماده بود در کنفرانس شر کت ورزد: هوا پیمای مخصوص صمش آماده سفر بود و پا سپور تهای همرا هانش در دوران قرار داشت. ناصر با وجود حمله های احساس میکند که هر گاه ایدن به راکه انتظارش را دارد، ندهند. دالس خشن بریتانیا براو، آمادگی اشتر اک راه حل قناعت بخشی نرسد. از قوه در کنفرانس را داشت بریانا نیایان کار خواهد گرفت.»

حسین دوین نامه اش نوشته بود: «من ازین سفیر پرسیدم که این راه حل قناعت بخش چیست. ولی دالس به کاملاً اورا مستبد میخواندند و این کاملاً چرند بود. مصر آلمان نبود و ناصر

او درین باره چیزی نگفته بود تنهای خواسته بود که مصر یان از راه مصالحه پیش آیند. « بریتانیا و فرانسه دست به عملیات اقتصادی علیه مصر زندد، سرچشمه درآمد مصر روبه خشکیدن داشت و انتقال سرمایه شرکت سویزیه مصر منع شده بود. اضلاع همچدهه امریکا پاسخ مناسبی داد: تصمیم خودش رادر باره مالکیت کانال و وضع موجود اعلان نکرد.

بریتانیا و فرانسه عضویت مسندی  
راسر دست گرفتند این دو کشور  
نیروهای اختیاط را احضار کردند و  
هوا پیماعاً و کشتمانها یشان را به  
جزیره های مالتا و قبرس فرستادند  
همه این عملیات نظامی به خوبی  
توسط عناصر ایو قاو دوستان مالتا  
بی‌ها گزارش داده میشدند.  
وقتی ناصر نامه را خواند، گفت:  
«این مرد باز یکری میکند او از  
اقدار عظمی ببازیگری رسیده است»  
این گزارش همراه با گزار شهای  
مربوط به صحت، خلق و وضع غیر  
قابل پیش بینی ایدن، رئیس جمهور  
راوا داشت که به کنفرانس لندن  
انجام داد. ازین گفتگو ها نتیجه  
گرفته شد که باید کنفرانسی باش رکت  
پیش و چار کشور دریانورد رلندن  
بر گزار شود. اعضای کنفرانس  
کشورهای میبدند که کنوا نسیون  
البته نمیتوان گفت که مصر در  
کنفرانس نماینده نداشت ما درین  
سالانج سیاه نا صر!»

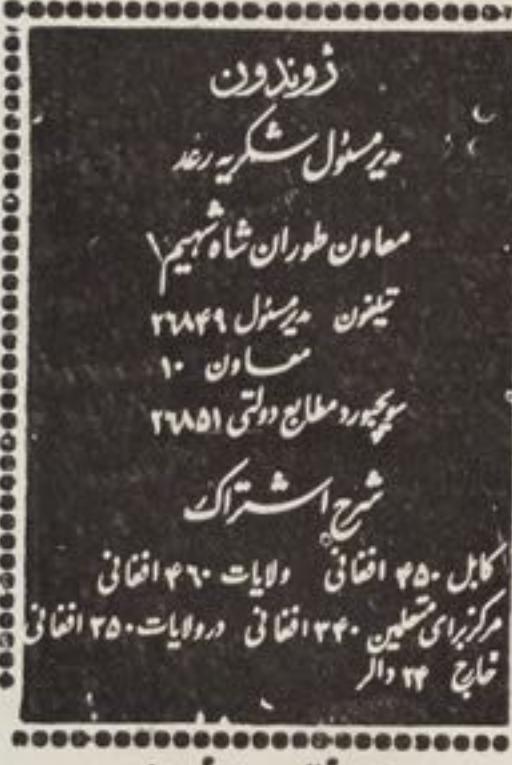
ای رخ میداد، باز هم در آنها نکته  
درستی مو جود بود.  
در سوی دیگر، ناصر روز به روز  
آرامتر میشد. او پس از سخنرانیش  
در اسکندر یه پایید و چند روزی را  
در استراحت به سر برداشت. سخت  
محبوب شده بود. هنگامی که به سوی  
دانشگاه اسکندر یه برای سخنرانی  
میرفت، یافر یاد های شاد مانه مردم  
استقبال شد. مردم بسیار به هیجان  
آمده بودند. مردم احساس میکردند  
که پس از چندین هزار سال روح  
نصر برگشته است.

ریس جمهور به سینما هیئت داد.  
روز یکشنبه، بیست و نهم ماه  
جولای این‌دان با تماشیدگان حکومتی  
فرانسه واصل اعلام متعدد امریکا-الاتصالات  
کرد. «دالس» هنگامی که در کرانه  
های لیما بود اخبار مربوط به  
تصرف کانال سویز را شنیده بود  
وی همچنان در امریکای جنو بی  
باقی ماند ازین‌رو، اصلاح متعدد امریکا  
آفای روپرت مورفی را که ارکارمندان  
عالیرتبه وزارت خارجه بود، برای  
انجام مذاکرات به لندن فرستاد.  
فرانسه وزیر خارجه خودش،  
کریستین پینو را فرستاده بود.  
از مذاکره برای آن‌برگزار شده

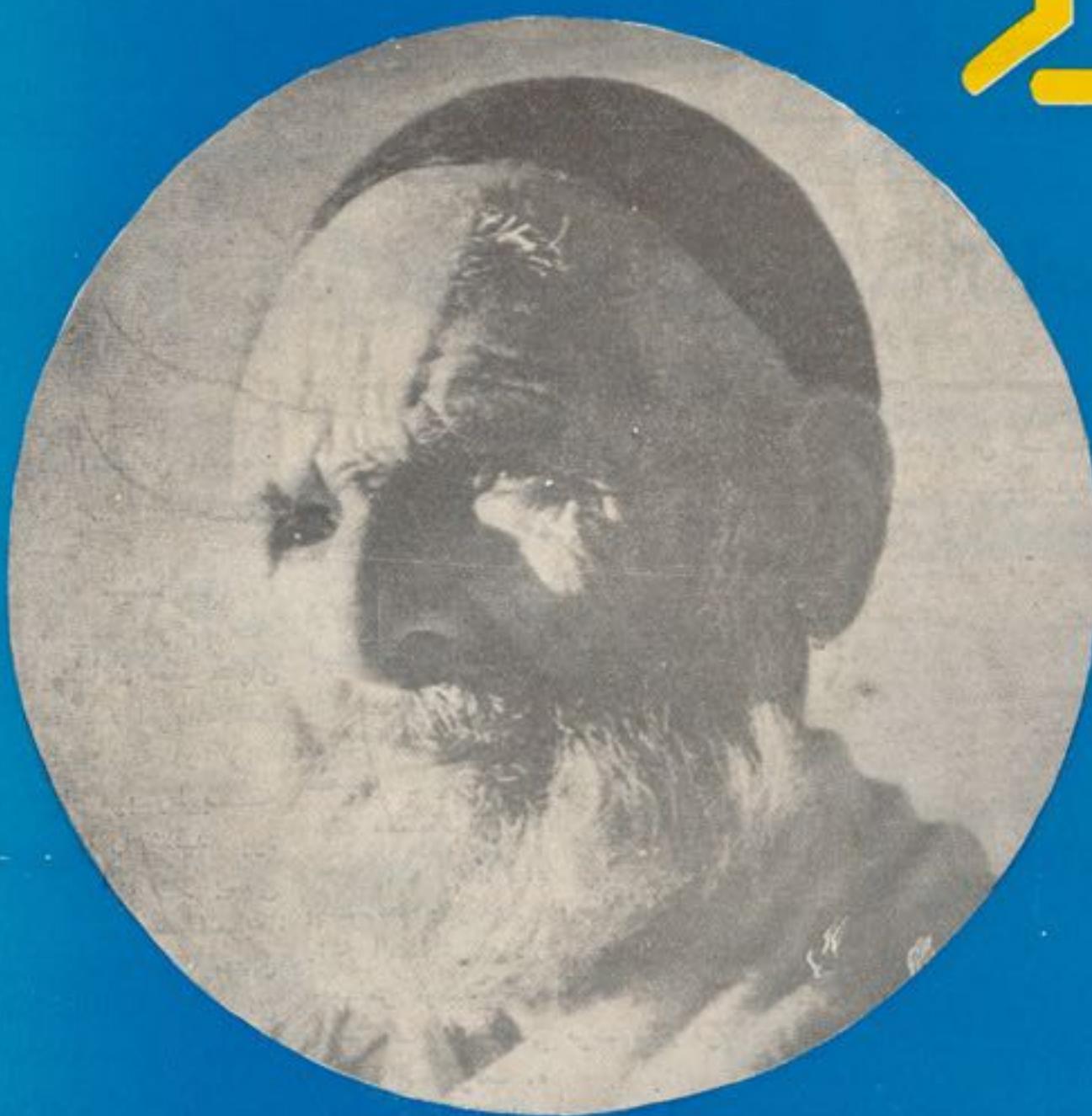
بود تاسه کشور دریابند که درباره سویز چه کاری میتوانند کرد. این مذاکره اهمیت بسیاری داشت و ناصر میخواست از جریان آن آگاه باشد. سفارت مصر در لندن به ازدواجشانیده شده بودو خبرهای اندکی به قاهره میتوانست فرستاد. اما خبر گزاریها درین باره سخنی‌های بسیاری داشتند ازینرو ناصر به من تیلفون کرد تا دریابد که خبر گزار یه‌ها از لندن چه گزارش میدهند. خبر گزار یه‌ها میرسا نیدند که هوا پیمای موزفی متوقف شده و مذاکرات به تعویق افتاده است.

من به ناصر وعده دادم که و قتنی  
خبر های تازه بی برسد بهش تیلفون  
میکنم آما او جواب داد: «دیگر اذیتم  
مکن. من عیرون سینما چرا اعصاب  
خودم را خراب بسازم به زودی  
هنگامی که علاجیه بی نشر گشته، همه  
چیز را خواهم فرمید.» و ناصر بسینمای  
مترو رفت و قلم ملاقاتی در لاس  
ویکاس را دید.

اعصاب ایدن بسیار خراب بود.  
روز سوم آگوست سال ۱۹۵۶ احمد  
حسین سفیر مصر در واشنگتن،  
گزارش داد که باسفیر یکی از کشور  
های عضو پیمان بغداد مذاکره کرده  
است این سفیر از زبان دالس به



# اُبْلِجْمَار مَيْوَالَه



استفاده از صنایع ملی کشور معرف شخصیت شماست



اسپشان

جراب اسپ نشان هر لحظه مشتری تازه به دست  
می آورد. چون تحت نظر متخصص خارجی و توسط  
کارگران با ذوق و با استعداد افغانی ساخته می شود  
آنانی که به صنایع ملی کشور علاقه دارند و یکبار هم

جراب اسپ نشان می پوشند و از دوام بیشتر و خرافت  
ونفیسی آن اطمینان حاصل مینمایند همیشه خریدار  
جراب اسپ نشان می باشند.

مرجع: تصاینده گیرهای فروش  
جراب اسپ نشان واقع حصه اول  
جاده نادر پېښتون - متول اول و دوم  
سرای سیداحب اللہ منزل تاکاوی  
فروشگاه بزرگ افغان و تمام جراب  
فروشی های کابل وولا یات.

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**